

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی دوره‌ی نهم / اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ / شماره‌ی بی‌دری ۱۴۹
ماننامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

به جای یادداشت سردبیر / نشاط و تاب آوری ضرورت همیشگی حرفه‌ی معلمی / صادق صادق‌پور / ۲

آموزش / چوب‌خط کی بیشتر پر شده است؟ / مریم احمدی / ۱۲ ● عادت بد سلخته زیستن / مرضیه معین / ۳۶

نکته / چند معلم در یک کلاس! / هدی هدایتی / ۴ ● دلم برای مجلات رشد تنگ می‌شود / ۳۵

گزارش / قطعه‌ای از بهشت / سمانه آزاد / ۸ ● صاحب سبک در اسباب بازی / فهیمه دهقان / ۱۸ ● پیرمردان نوجوان / محمود اردوخوانی / ۳۲

گنجینه دارالفنون، گنجینه‌ی آموزش و پرورش / ۱۷

تجربه‌ی سبز / انجمن ریاضی دانان و آموزگاران اختخاری / عمرانه افضل‌ی لهرمی / ۱۱ ● آلبوم مشق اول / فاطمه اسفندیاری / خدایا به من خواهر بده! / فیما حریری / ۲۲ ● بدون کتاب‌خانه بیشترین کتابخوان راداریم / سید اسماعیل موسوی / ۲۷ ● اقدام پژوهی با سهیل / ۴۲ ● تابستان تعطیل نیست / اصغر محمدی / ۴۴

داستان / داستان اسباب‌بازی / اصغر ندیری / ۲۰

تعلیم و تربیت / الزام تعلیم و تربیت هنری / حسن شرفی / ۶ ● غنی‌سازی دبستانی / نسرین رضایی / ۳۰ ● آموزش مهارت خواندن قبل از دبستان؛ آری یا نه؟ / محمدحسن بهروزیان / ۴۰

گفت‌وگو / من نقاش مردمی هستم / بهنام شاددل / ۱۴ ● پست جدید خبرنگار، آموزگار / معصومه حبیب‌پور / ۳۸

خاطره / چلچراغ خاطره‌های ۴۰ ساله / ۲۳

محیط زیست / خلیج فارس و دریای عمان / صفورا زواران حسینی / ۲۴

بهداشت و سلامت / کوتاهی قد دختران و پسران / دکتر احسان‌الله محمدی / ۲۸

لبخندهای کلاسی / لواشک آلو / فرخنده تقی‌زاده / ۴۳

کتاب‌خانه‌ی مدرسه / راهنمای والدین / ۴۵

همراهان ما / ۴۶

فراخوان / هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو / ۴۸

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رضانی، حسن طاهری
سیده‌زها یاسینی، یدالله رهبری‌نژاد
صادق صادق‌پور
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی‌طیاء-خان‌آبادی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: ebteday@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵ / ۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱ - ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵
شمارگان: ۳۰۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

نشاط و تاب آوری

ضرورت همیشگی حرفه‌ی معلمی

صادق صادق‌پور

مدیرکل آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش و عضو شورای کارشناسی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی



می‌گذرد و به‌کارگیری آن تجارب و قدر دانستن ظرفیت‌های موجود معلمی در کشورمان بی‌فایده نباشد.

اخیراً و در سفری که معلم پرتلاش و شایسته آقای دکتر محمدرضا سرکارآرانی به ایران داشتند، برای رفتن به برخی شهرها و ایراد سخنرانی با وی همراه شدیم.

محمدرضا سرکارآرانی در سال ۱۳۶۲ در تربیت معلم کاشان پذیرفته شد و قرار بود که معلم تعلیمات دینی بشود. زمانی که کنکور برگزار شد و در فاصله‌ی زمانی تا اعلام نتایج آن در مدرسه‌ای ابتدایی در شهرستان آران و بیدگل مربی تربیتی شد. او می‌گفت: در کنکور سال ۱۳۶۲ در دانشگاه شهیدبهبشتی با رتبه‌ی ۳۶ و در رشته‌ی علوم تربیتی (یعنی اولین رشته‌ای که انتخاب کرده بودم و اولین دانشگاه انتخابی) قبول شدم. من در اساس معلمی را دوست می‌داشتم، به این دلیل که می‌توانست فرصت یادگیری هر روزه را برایم فراهم آورد.

در کارنامه‌ی علمی و فرهنگی ایشان سوابقی چون مربی مدرسه‌ی ابتدایی، مربی دانشگاه کاشان، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی، استاد وابسته، استاد مدعو دانشگاه ناگویا و مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات فرهنگی ژاپن، پژوهشگر مدعو دانشگاه آکسفورد و دانشیار دانشگاه تیکو به چشم می‌خورد.

معلمی هیچگاه کار آسانی نبوده، به همین دلیل همیشه جزو کارهای مهم و اساسی تلقی شده است و در جوامع مختلف برای آن شأن و جایگاه والایی قائل بوده‌اند. نام معلم چنان با عظمت است که در جای‌جای متون اسلامی از او تجلیل شده و خداوند علیم خود را معلم خوانده است. هم‌چنین رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: «انما بعثت معلماً». امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله‌ی انبیا و آیات و حیانی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، دعوت می‌کند به عشق، دعوت می‌کند به محبت، دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. به دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آن‌ها هم شغلیشان تعلیم است، معلم‌اند، معلم بشوند».

البته که معیشت و تأمین زندگی این قشر خدمتگذار و توجه به حق و حقوق مکفی برای کار سختی که در پیش دارند باید همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران مسئول در این حوزه باشد. اگر امروزه مشکلات و سختی‌های زندگی، در دنیایی که توش و توان مادی زیادی را طلب می‌کند، همکاران عزیز ما را در تنگنا قرار می‌دهد، نباید از فراهم کردن زمینه برای کار معلمی - آن‌گونه که شایسته است - غفلت کنیم.

اما اصل کلام همان جوهره‌ی معلمی است که جان و نقش خود را از گوهر معلمی - به معنای هنری برای جان بخشیدن به روح و روان بهترین مخلوقات خداوند یعنی بچه‌ها - می‌گیرد و خاستگاه آن نیز مبارزه، سخت‌کوشی و جان بر سر پیمان نهادن برای پرورش نسلی است که باید تاب‌آوری و مقابله با مشکلات را بیاموزد و تمام توان و همت خود را برای نسلی که بدو سپرده شده‌اند، با همت بلند به کار گیرد. شاید برای تبیین بیشتر این سخن اشاره به یک هم‌نشینی و یک تجربه‌ی سفر برای بیان واقعیت‌هایی که در دیگر کشورها بر معلمان



ژاپن امروز، در رقابتی نفس گیر ساخته شد!

اما آنچه از سخنان وی در مورد معلمی در چند روز سفر و جلسات مختلف در یادمانده است، تأکید بر معلمی و سفارش بر توجه به معلمی به جای معلم است. مفهومی که در خود بر هویتی تأکید دارد که اگر درست شکل بگیرد، معلم هم نقش و جایگاه خود را پیدا خواهد کرد. وی نقل می‌کرد: «وقتی که ژاپنی‌ها در دوره‌ی میجی (سال ۱۸۸۶) خواستند در یک مقطع زمانی محدود آموزش و پرورش را گسترش عمومی بدهند، مدارس را راه‌اندازی کردند که مدیر-آموزگار محور همه‌ی کارها بود. آن زمان آن‌ها نیروی انسانی کافی در اختیار نداشتند و مدیر-آموزگار باید ۸۰ تا ۱۰۰ دانش‌آموز را اداره می‌کرد. هنوز ساختار مشخص و سازمان‌حیاتی هم به معنای امروزی برای این کار وجود نداشت. این فرد صبح تا شب هزار و یک مسئله داشت که باید خودش آن را حل می‌کرد. در آن زمان کتابی در میان نبود، راهنمای تعلیماتی وجود نداشت و تازه در این کشور بعد از ۲۶۰ سال درها به روی غرب باز شده بود. خواب ژاپنی‌ها پریده بود و تازه متوجه شده بودند که چقدر عقب هستند. فرصت زیادی هم نداشتند و مسئله‌ی آن‌ها این بود که هر اندازه ممکن است بچه‌ها را از محیط خانه و کوچ به مدرسه و یا هر محیط در دسترسی که وجود داشت، بکشانند و مهارت‌های اجتماعی (کف مهارت‌ها) را به آن‌ها بیاموزند. حداقل سواد خواندن، کارکردن با چرتکه، نوشتن ابتدایی و حداقلی و مهارت‌هایی که بتوانند زیرساخت جامعه‌ی آموزشی جدید را ایجاد کنند. به گفته‌ی آقای دکتر آرانی، سیاستمدار برجسته‌ی ژاپنی «ناکاسونه» تعبیری با این عبارت دارد: «ما ژاپن امروز را در رقابتی نفس‌گیر ساخته‌ایم و نقش معلم در پیروزی و موفقیت در این رقابت نفس‌گیر بسیار تأثیرگذار بوده است.»

آنجا هم معلمان با سختی و البته علاقه‌مندی و شور تلاش می‌کردند و طرفه اینکه فضای مدارس فضایی دوست‌داشتنی و مفرح بود. در دلیل این سرزندگی معلمان می‌گفتند: «اینجا محل زندگی ما و بچه‌هاست. بنابراین، تلاش کرده‌ایم با مشارکت دانش‌آموزان و فراهم کردن اسباب آرامش و تحصیل برای آنان در کنار هم شاد و بانشاط زندگی کنیم.»

این در حالی بود که علی‌رغم پیشستازی روسیه در مطالعات بین‌المللی «تیمز» و «پرلز» در سال‌های اخیر و کسب رتبه‌های برتر، هنوز هم معلمان و کادر مدارس آنجا تلاش‌های انجام شده را کافی نمی‌دانستند. یکی از همکاران معلم هم که چند سال قبل، از یکی از مدارس مسکو (با عنوان مدرسه‌ی ۱۹۹) بازدید کرده بود نقل می‌کرد که خانم مدیر این مدرسه با ۴۲ سال سابقه‌ی مدیریت، درباره‌ی شغل معلمی می‌گفت: «معلمی بالاترین شغل است، حتی از رتبه‌ی امپراتور برتر است!»

امروز و در حالی که در روزهای مبارک گرمی داشت هفته‌ی معلم و پاسداشت خدمات صادقانه‌ی شما عزیزان مخلص و تلاشگر هستیم، ضمن تبریک این مناسبت شاید لازم نباشد که تأکید کنیم امروزه تاب‌آوری، آموزش مقابله با مشکلات و سختی‌های زندگی و البته تلاش برای زندگی بهتر و ساختن آینده‌ای روشن، تنها در گرو هنر معلمان سخت‌کوش و مسئولی است که برای ساختن این چشم‌انداز امیدآفرین سراپا شوق و تلاش هستند. امید اینکه همه‌ی ظرفیت‌های لازم از جمله تأمین معیشت این عزیزان در حد شایستگی آنان فراهم شود و بتوانیم در کنار معلمان و دانش‌آموزانی شاد، آگاه و تاب‌آور به اهداف و آرمان‌های والای نظام آموزشی کشور در آینده‌ی نزدیک دست پیدا کنیم.

تجربه‌ای دلنشین در سرزمینی سرد!

موضوع دیگر تجربه‌ای است که در سفر به روسیه و بازدید از مدارس آن کشور در شهرهای مسکو و سنت‌پترزبورگ حاصل شد.

پی‌نوشت

۱- گزارش بازدید معلمان مدرسه‌ی انرژی اتمی ایران از مدارس روسیه در نشانی <http://www.aehighschool.com>



چند معلم در یک کلاس!

بررسی طرح چندمعلمی در دبستان

هدی هدایتی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

اشاره

پس از تغییرات ایجاد شده در نظام آموزشی کشور و ایجاد دو مقطع دبستان و دبیرستان و افزوده شدن پایه‌ی ششم، به نظر می‌رسد مطالعه در طرح چندمعلمی یا معلم تخصصی برای پایه‌های پنجم و ششم دبستان خارج از تصور نباشد. در این طرح، دروس به صورت تخصصی‌تر و توسط آموزگاران متخصص تدریس خواهد شد و برخلاف روال گذشته؛ تمام دروس به وسیله‌ی یک معلم تدریس نمی‌شود. در این مقاله سعی می‌شود بی‌هیچ سوگیری، مزایا و معایب این طرح با توجه به نیروی انسانی فعال در مدارس و رده‌ی سنی دانش‌آموزان بررسی شود.

شناخت

در ابتدای هر سال تحصیلی؛ اولیای دانش‌آموزان دبستانی نگران هستند که فرزندشان در کلاس کدام معلم است و این معلم چه اخلاقی دارد و روش تدریسش چگونه است و به دنبال انتخاب بهترین آموزگاران هستند. اکثر معلمان در دوره‌ی دبستان از روش‌های تدریس ویژه‌ای استفاده می‌کنند که متناسب با سن دانش‌آموزان بوده و فرآیند یاددهی - یادگیری را در کلاس درس تسهیل و تسریع نماید. روش‌های بازی‌محور، استفاده از کار گروهی، اجرای نمایش و انجام مشاهدات علمی جزو این روش‌ها هستند. از سوی دیگر، معلمان دبستان به دلیل ساعات زیادی که با دانش‌آموزان خود می‌گذرانند، به شناخت خوبی از دانش‌آموزان‌شان می‌رسند و قادرند به خوبی نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کنند و با استفاده از راهکارهای چندگانه، مدیریت یادگیری و خلاقیت دانش‌آموز را به عهده بگیرند. به عنوان مثال، اگر آموزگاری دریابد که دانش‌آموزش در یکی از دروس ضعیف است و در

درس دیگری یادگیری نسبتاً خوبی دارد؛ می‌تواند با تغییر دادن تکلیف او نسبت به بقیه‌ی دانش‌آموزان، یادگیری او را در درس ضعیف‌تر بهبود بخشد و با تشویق دانش‌آموز در کلاس درسی که در آن قوی‌تر عمل کرده است، مانع از کاهش اعتماد به نفس او شود. در مقابل، دانش‌آموزان در سال‌های آخر دبستان، به دلیل ورود به دوره حساس بلوغ ویژگی‌های رفتاری و روانشناختی خاصی دارند که ممکن است بر نوع رفتارهای آن‌ها و نیز میزان یادگیری‌شان تاثیر بگذارد.

مزایای طرح چندمعلمی برای آموزگاران

۱. معلمان دروسی را تدریس می‌کنند که تخصص، علاقه و مهارت بیشتری در آن‌ها دارند. ولی این مورد به این معنی نیست که معلمان از پس بقیه درس‌ها بر نمی‌آیند بلکه در این روش به جای اینکه خود را درگیر تمامی مطالب کتاب‌های مختلف کنند، فقط در زمینه‌ی چند درس فعالیت می‌کنند.
۲. معلمان فرصت بیشتری دارند تا در دروس خود به مطالعه و تحقیق بپردازند. می‌توانند مواد درسی به روزتر و جذاب‌تری را جمع‌آوری کنند و ارزش‌یابی‌های ویژه‌ای را در حیطه‌ی درس خود انجام دهند.
۳. اگر برای معلم مشکلی پیش آید و امکان حضور در کلاس را نداشته باشد جبران دروس راحت‌تر است. معمولاً در این موارد، جایگزینی بین همکاران صورت می‌گیرد.
۴. ناراضیاتی معلمان از عدم توازن بین دانش‌آموزان کلاس‌ها از بین می‌رود. در واقع چون معلمان با همه‌ی دانش‌آموزان سروکار دارند این معضل پیش نمی‌آید که معلمی فکر کند کلاس او پر از دانش‌آموزان ضعیف است؛ در حالی که دانش‌آموزان کلاس همکارش همه قوی هستند و به همین دلیل بازدهی بالایی دارد.
۵. رقابت بیشتری در بین همکاران ایجاد می‌شود.

فرزندشان باید به چند آموزگار مراجعه نمایند. البته وجود یک مشاور مطلع از وضعیت درسی دانش‌آموزان به حل این مشکل کمک می‌کند.

یک کلاس ابتدایی به چند آموزگار نیاز دارد.

با توجه به اینکه مقطع ابتدایی حکم زیربنای ساخت پروژه‌ی انسان و آینده را دارد و باید این بنا از پای‌بست متخصصانه پایه‌ریزی شود، نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان به این مبنای شکل گرفته: «نقش تک‌الگویی بودن معلم» درحالی که اگر خوب به این مهم توجه کنیم درمی‌یابیم که چه بسا این تک‌الگویی بودن، آینده‌سازی شایسته‌ای نداشته است. به‌اضافه‌ی اینکه کمتر به چشم دیده شده معلمی از تمام روش‌های عالی تدریس مطلع باشد و بتواند تمام دروس پایه را به‌طور تخصصی و ماهرانه تدریس کند. ویژگی‌های علمی به یک‌سو و ویژگی‌های اخلاقی از سوی دیگر، نباید را در این امر پرننگ‌تر می‌کند. بگذاریم فراگیرندگان و آینده‌سازان جامعه، از میان چند معلم الگوی بهتری را برگزینند و به‌سوی کمال طی مسیر کنند. کم نیستند عزیزانی که به‌خاطر ناکارآمدی معلم از همان ابتدا راه را به بیراهه رفته‌اند.

زمان مناسب

اگر از همان پایه‌ی اول این کار انجام شود بچه‌ها خیلی راحت با قضیه کنار می‌آیند. با این روش، کشف استعدادها و پنهان بچه‌ها با توجه به تخصص آموزگار در هر درس خیلی زودتر انجام می‌شود. راهنمایی تحصیلی و رفتاری و اخلاقی می‌تواند از همان پایه سرنوشت فراگیرنده را رقم بزند. هم‌پوشانی خوب و قوی بین نقاط ضعف و قوت همکاران باعث می‌شود تعادل و توازن در تدریس برای تمام بچه‌ها رعایت شود. با توجه به اینکه هر طرح و برنامه‌ی نقاط قوت و ضعفی دارد بد نیست به نظر بعضی دیگر از همکاران خوبم هم اشاره کنم. بعضی از عزیزان کم بودن زمان هر زنگ، تعداد زیاد دانش‌آموزان و نبود فرصت کافی برای شناخت تک‌تک آن‌ها و عدم امکان برگزاری آزمون‌های هماهنگ را از معایب دیگر اجرای این طرح در ابتدایی می‌دانند.

... و اما تجربه‌ی خودم. بنده نمونه‌ی تدریس تخصصی را در مدرسی که تدریس داشته‌ام، دیده‌ام (البته در پایه‌ی چهارم و پنجم). همکاران عزیزمان با توجه به علاقه و توانایی و مهارت درس‌آموزی که در خود سراغ داشتند، یک تا دو درس را انتخاب کرده و کار را شروع می‌کردند. در مدرسی که تعداد کلاس‌ها کم بود به مراتب کار این عزیزان هم با آرامش خاطر بیشتری انجام می‌شد. هم بچه‌ها و هم همکاران از این طرح راضی بودند. البته گاهی دروسی مثل فارسی و انشا و هنر قربانی می‌شد و این دروس با این ذهنیت که اهمیت چندانی ندارند و بچه‌ها خودشان بدون معلم هم می‌توانند این دروس را انجام بدهند متأسفانه به همکارانی سپرده می‌شد که از سر ناچاری آن درس را قبول می‌کردند.

فهیمة حبیبی

آموزگار پایه‌ی دوم دبستان شهید فرزین‌فر، ناحیه‌ی شش مشهد

مزایای طرح چندمعلمی برای دانش‌آموزان و اولیا

۱. دانش‌آموزان در درس، باروش‌های آموزشی متنوع‌تری آشنایی می‌شوند.
۲. دانش‌آموزان با خصوصیات اخلاقی، رفتاری و اجتماعی بیشتری آشنا می‌شوند. طیف رفتاری و اخلاقی معلمان در کلاس درس باعث آشنایی دانش‌آموزان با نگرش‌ها و بازخوردهای گوناگون خواهد بود.
۳. امکان تعامل در انجام تکالیف، بیشتر در بین دانش‌آموزان ایجاد می‌شود. چون تکالیف یک درس به‌صورت تقریباً یکسانی در همه‌ی کلاس‌ها تنظیم می‌شود، امکان کمک گرفتن دانش‌آموزان از دوستانشان در این زمینه بیشتر خواهد شد.

معایب طرح چندمعلمی

۱. برای آشنایی بین معلم و شاگرد به فرصت بیشتری نیاز است. یکی از مشکلات بزرگ این طرح این است که هر معلم با تعداد زیادی دانش‌آموز سروکار دارد. معلمی که باید نهایتاً یک کلاس ۳۰ نفری را اداره کند.
۲. ارتباط عاطفی ضعیف‌تری بین معلم و دانش‌آموز ایجاد می‌شود. همان‌طور که ذکر شد به دلیل اینکه دانش‌آموزان در سال‌های پایانی دبستان در دوره‌ی بلوغ به سر می‌برند، ارتباط عاطفی با معلم می‌تواند به هر چه بهتر شدن فرآیند یادگیری‌شان کمک کند. عدم برقراری ارتباط مناسب ممکن است در بعضی دانش‌آموزان حالت‌هایی مثل حرف‌شنوی کمتر، پرخاشگری، بی‌نظمی و انجام ناقص تکالیف یک معلم را به همراه داشته باشد.

۳. تا مدتی از سال، بچه‌ها از نظم و انضباط کلاسی ضعیف‌تری برخوردار هستند. دانش‌آموزان دبستانی در سنی نیستند که بتوانند به سرعت خود را با چند روش تدریس و انضباط مختلف تطبیق دهند.
۴. عدم هم‌خوانی ساعات درسی دبستان با طرح چندمعلمی. کلاس‌های دبستان بر مبنای ۴۵ دقیقه کلاس و پانزده دقیقه استراحت برنامه‌ریزی می‌شود. البته این ساعات متناسب با سن دانش‌آموزان و میزان تحمل و عدم خستگی آن‌ها طراحی شده است، اما برای کلاس‌های چندمعلمی مشکل‌زا است. زیرا زمان بسیار کوتاهی برای جمع کردن یک مبحث در اختیار معلم است و ممکن است ساعت بعد هم در اختیار همان معلم نباشد. با توجه به اقتضات یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان دبستانی که باید با توضیح و تشریح و مثال و کار گروهی و کار عملی همراه باشد، زمان ۴۵ دقیقه برای یک کلاس ناکافی است.

۵. رعایت نشدن مقدار تکالیف و فعالیت‌های روزانه دانش‌آموزان. چون در این طرح، درس‌ها تفکیک شده هستند، به ناچار تکالیف و فعالیت‌ها و پرسش‌های کلاسی نیز تفکیک شده توسط هر معلم ارائه می‌شود که ممکن است خارج از توان سطح میانگین دانش‌آموزان باشد و باعث خستگی و بی‌علاقگی به مدرسه شود.

۶. طرح برای مدرسی است که چند کلاس هم‌پایه داشته باشند. در مدارس غیردولتی که جمعیت دانش‌آموزان کمتر است و معمولاً در هر پایه یک کلاس وجود دارد، تنظیم ساعات درسی معلمان مشکل‌تر است.
۷. نارضایتی اولیا از اینکه برای جویا شدن از وضعیت درسی

الزام تعلیم و تربیت هنری

نگاهی به کاستی‌های برنامه‌ی درسی هنر

حسن شرفی



هم‌چنین اتاق رایانه که کمتر به برنامه‌ی درسی ارتباط دارد مشاهده کرد و از سوی دیگر دید که فعالیت هنری توسط دانش‌آموزان در مکان ویژه‌ای (کارگاه هنر) انجام نمی‌شود. در صورتی که می‌توان از همه‌ی این تجهیزات و فضای آموزشی با رویکردهای تلفیقی برای یادگیری بهتر سایر دروس از جمله هنر استفاده کرد. پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که کاستی‌های عمده‌ای در نحوه‌ی اجرای فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌ی درسی هنر وجود دارد که رفع آن‌ها نیازمند پشتیبانی برنامه است. راهنمای برنامه‌ی درسی هنر تا زمانی که مشکلات مربوط به پشتیبانی و اجرا وجود دارد، قادر به ایجاد تغییر واقعی در آموزش هنر نخواهد بود. یافته‌های پژوهشی نیازها و کمبودهای آموزشی معلمان و دانش‌آموزان را در درس هنر دوره‌ی ابتدایی - که مرتبط با مقاصد پرورشی است - نشان می‌دهند. دست‌اندرکاران آموزش و پرورش عمومی در رفع این نیازها چه نقشی دارند؟ این کمبودها به شرح زیرند (شرفی، ۱۳۸۵).

۱. بازدید دانش‌آموزان از نگارخانه‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنر
۲. نشان دادن فیلم‌های آموزشی درباره‌ی آموزش هنر
۳. تجهیزات و فضای آموزشی مورد نیاز در تدریس آموزش هنر در مدرسه مانند کارگاه هنر
۴. توجه به هنر خوشنویسی که در طراحی برنامه‌ی درسی هنر موجود بایستی مورد توجه قرار می‌گرفت.
۵. در دسترس قرار دادن کتاب‌های کمک آموزشی ویژه دانش‌آموزان و هم‌چنین کتاب‌های آموزشی هنر مخصوص معلمان
۶. کمبود وقت، نبود وسایل لازم و تنگی جا و امکان برای فعالیت هنری
۷. استفاده از سایر رشته‌های هنری و آموزش اصولی آن‌ها که

اشاره

رفع کاستی‌های آموزشی و احتیاجات درس آموزش هنر همانا آموزش بهتر، پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شکوفایی استعدادهاست.

نتایج تحلیل فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی هنر در گذشته و امروز، از نیاز به وفاق و اتحاد امور آموزشی و پرورشی در اجرای برنامه‌های درسی هنر حکایت دارد. به‌طور عملی، با راه‌اندازی کارگاه‌های هنر در دبستان و احیای فضاهای نه‌چندان قابل استفاده با رعایت ایمنی و هم‌چنین رجوع به برنامه‌های درسی هنر با رویکردهای جدید در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی و رویکردهای تلفیقی (فرا برنامه‌ی درسی) می‌توان امکان تدریس تفکر، پیشرفت در یادگیری درس هنر و سایر دروس را با همیاری مربیان هنر و فناوری فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت هنری، آموزش ابتدایی، کارگاه هنر، رویکرد تلفیقی

کارگاه هنر، آری

برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی در میان سایر برنامه‌های درسی، در اجرا با دشواری‌های بسیار همچون عدم آگاهی نسبی آموزگاران از رویکردهای آموزش هنر و الگوی تدریس مبتنی بر آن، کم‌توجهی مدیران و آموزگاران به آموزش بهتر در ساعت هنر، نبود بستر مناسب و تجهیزات لازم و نظایر آن مواجه است. از یک‌سو می‌توان اتاق ویژه‌ی درس علوم را که اغلب حالت نمایشی دارد و در آن فعالیت‌های از طرف خود دانش‌آموزان صورت نمی‌گیرد و



در طراحی برنامه‌ی درسی جدید هنر مورد توجه قرار گرفته است. دانش‌آموزان نیاز دارند آثار هنری خود را در نمایشگاه مدرسه و یا نگارخانه‌های وابسته به مدیریت آموزش و پرورش منطقه ببینند. هنرهای ملی را در موزه تماشا کنند، در صورت نبود دسترسی واقعی، به صورت مجازی از آن‌ها دیدن کنند و فعالیت‌های هنری را در کارگاه هنر تجربه کنند. در صورت نبود چنین کارگاه‌هایی می‌توان فضاهای نه‌چندان قابل استفاده را در مدرسه احیا کرد.

در برنامه‌ی درسی هنر، مدارس هنوز هم در اجرا با دشواری‌هایی مواجه‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اختصاص دادن ساعت درس هنر به جبران درس‌های عقب مانده و انجام دادن تکالیف دروس دیگر
۲. استفاده نکردن از روش‌ها و الگوهای مناسب تدریس هم‌چون روش اکتشافی (پژوهش گروهی و فعالیت انفرادی)
۳. کمبود منابع و رسانه‌های دیداری و شنیداری به منظور دیدن هنرهای بصری و شنیدن آثار هنرمندان
۴. کمبود مواد و وسایل لازم و هم‌چنین بی‌توجهی به اصل فعالیت خود دانش‌آموز برای توسعه‌ی ارتباط و تعامل میان دست و ذهن
۵. نبود محیطی غنی به نام کارگاه هنر و استفاده نکردن از معلم خاص هنر در مقام تقویت‌کننده‌ی تجربه زیبای‌شناسی و خلاقیت دانش‌آموزان
۶. منابع آموزشی محدود و استفاده نکردن اصولی از منابع و زمینه‌های تجربی موجود
۷. بازدید نکردن از نگارخانه‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنر به منظور مقایسه‌ی آثار هنرمندان با آثار هنری دانش‌آموزان برای «تقویت قابلیت‌های ادراکی، تولیدی و تأملی» دانش‌آموزان
۸. کم‌توجهی برخی مدیران مدارس و نبود شرایط و تجهیزات مورد نیاز در آموزش هنر، غافل شدن از کارکردهای اولیه‌ی درس هنر نظیر رشد خلاقیت و آفرینش‌های هنری و تقویت تجربه‌ی زیبای‌شناسی، توسعه‌ی ارتباط و تعامل میان دست و ذهن و هم‌چنین بی‌توجهی به کارکردهای ثانویه‌ی درس هنر مانند استفاده از آن برای درک بهتر مفاهیم درسی به‌طور خاص و استفاده نکردن از منابع موجود در جامعه به‌طور عام.

تولید هنری

در برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی، رویکرد تولید هنری **گاردنو** یکی از رویکردهای آموزش هنر است که بر مؤلفه‌هایی به شرح زیر استوار است:

۱. فعالیت دانش‌آموز: دانش‌آموزان برای درگیر شدن با پروژه در یک موقعیت معنادار و متناسب با رشته‌های هنری نظیر طراحی و نقاشی، کاردستی، خوشنویسی، عکاسی و نمایش باید فرصت تجربه‌های خلاقانه و زیباشناسانه شامل سؤال کردن، مشاهده‌ی مواد، احساس لذت از به‌کارگیری حواس، ارتباط ذهنی با اشیاء و پشتکار در کشف آن، آزمایش کردن، بررسی انتقادی نتایج کار

خود و دیگران را داشته باشند (کولیز، ۱۹۸۰ نقل شده از فرشته بازارگان، ۱۳۷۲). رعایت مبانی روان‌شناختی در این بخش به فضایی آموزشی همچون کارگاه هنر نیاز دارد.

۲. مبتنی بودن بر یادگیری در سطوح دانش (دانستن - آشنایی با مواد)، نگرش (علاقه به جست‌وجو کردن در محیط‌های جذاب و وابسته به موقعیت - کاوشگری)؛ مهارت (توسعه و تقویت حواس پنجگانه) که پایه‌ای برای کسب توانایی‌های مورد نظر «گاردنو»؛ کسب توانایی‌هایی در ابعاد ادراکی، تولیدی و تأملی که در بُعد ادراکی، مطالعه‌ی آثار هنرمندان و تجزیه و تحلیل آن؛ در بُعد تولیدی، فراگیری مهارت‌های مربوط به تولید هنری مانند به‌کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های مختلف و در بعد تأملی، ارزیابی اثر هنری خودشان می‌باشد. نیروی انسانی آموزش دیده و آموزش‌گر هنر در کارگاه هنر می‌تواند به ابعاد ادراکی، تولیدی و تأملی دانش‌آموزان غنای بیشتری بخشد.

۳. تلفیق اشکال مختلف دانش (واقعی، مفهومی و ...) مفاهیم، مواد و فرایندهای مختلف: طی کردن این فرایندها به مکان و زمان مناسب نیاز دارد.

۴. تأکید بر هوش چندگانه، دانش شهودی و نشان دادن توانایی استفاده از راهبردهای منحصر به فرد به منظور ارائه و دریافت اطلاعات به شکل‌های کلامی، بصری، فیزیکی، موسیقایی و نظایر آن. در این زمینه ضرورت وجود کارگاه هنر اجتناب‌ناپذیر است.

۵. تفکر در قالب فرم که بر انواع خاصی از ابزارهای شناختی مثل رنگ، شکل و فعالیت انفرادی تکیه دارد. در کارگاه هنر دسترسی به ابزار و وسایل لازم آسان تر است.

منبع

۱. شرفی، حسن؛ ارزشیابی برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی، فصل‌نامه‌ی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه طباطبائی، تابستان، شماره‌ی ۴.



قطعه‌ای از بهشت

با مدیر و آموزگاران مدرسه‌ی استثنایی زمردیان کرج

گفت‌وگو: سمانه آزاد
عکس: رضا بهرامی

دیگر مدارس کمی متفاوت است. «صدیقه صالحی» مدیر و «میترا رحمانی» سرپرست آموزشی مدرسه‌ی استثنایی زمردیان درباره‌ی این تفاوت‌ها با ما سخن گفته‌اند.

مدرسه‌ی استثنایی زمردیان در شهرک ۱۷ شهریور کرج، در جاده‌ی ملارد واقع شده است. ساختمان این مدرسه را آقای زمردیان در سال ۱۳۸۰ به آموزش و پرورش استثنایی اهدا کرد اما به دلیل قدیمی بودن، آن بنا تخریب و به جای آن ساختمان کنونی ساخته شد و در تیرماه ۱۳۹۱ به بهره‌برداری رسید. در زمان ساخت مجدد، ۵۶ دانش‌آموز در مدرسه مشغول به تحصیل بودند. مدرسه متناسب با نیازهای دانش‌آموزان استثنایی ساخته شده است اما چون ۱۰۰ نفر به تعداد دانش‌آموزان افزوده شده، اکنون مسئولان مدرسه با کمبود فضای آموزشی مواجه‌اند. البته با استفاده از حیاط مدرسه می‌توان فضای آموزشی مدرسه را گسترش داد که البته این کار نیازمند بودجه

اشاره

تنها چند روز مانده به روز جهانی معلولان میهمان مدرسه‌ی استثنایی زمردیان کرج شدیم. جایی که به قول مدیرش، صدیقه صالحی، «دانش‌آموزانش واقعاً پاک و معصوم‌اند» و «ورود به این مدرسه نشانه‌ی توفیقی است که خداوند عطا می‌کند.»

شاید به همین دلیل هم بتوان آنجا را تکه‌ی کوچکی از بهشت دانست. مدیر و معلمان این مدرسه با عشقی مثال‌زدنی مشغول به کارند. معلمان با صبر و شکیبایی مضاعف بارها مطلبی را برای دانش‌آموزانشان تکرار می‌کنند؛ بدون آنکه خم به ابرو بیاورند و همین که دانش‌آموزانشان بعد از مدت‌ها تمرین و تکرار حرفی را بیاموزد، انگیزه‌ای است برای ادامه‌ی راهشان. از این‌رو در مدرسه‌ی استثنایی زمردیان و مدارسی مانند آن، شرایط با



است. اکنون در مدرسه‌ی زمردیان ۱۵۶ دانش‌آموز مشغول به تحصیل‌اند که عمدتاً کم‌توان ذهنی هستند. علاوه بر این، مدرسه به ۷۵ دانش‌آموزان تلفیقی که در مدارس عادی درس می‌خوانند خدماتی ارائه می‌دهد.

چرا مدرسه‌ی استثنایی؟

شاید در برخورد نخست با معلمان و مدیرانی که در مدارس استثنایی مشغول به خدمت‌اند اولین سؤالی که پیش می‌آید این باشد: چرا کار با کودکان استثنایی را انتخاب کرده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، دو گروه از معلمان و مدیران را خواهیم داشت. نخست گروهی که با علاقه‌ی قبلی به این عرصه قدم گذاشته‌اند و دوم، گروهی که دست تقدیر آن‌ها را به این مدارس کشانده است. **صدیقه صالحی** مدیر مدرسه‌ی استثنایی زمردیان از گروه نخست است: «رشته‌ی دبیری کودکان استثنایی از اولین انتخاب‌هایم بود، چون واقعاً این بچه‌ها را دوست داشتم. با وجود اینکه در خانواده با این بچه‌ها برخورد نداشتم اما به یاد دارم خواهر یکی از معلمان دوران دبیرستانمان

صدیقه صالحی

کم‌توان ذهنی و معلول جسمی بود. آن زمان می‌دیدم که نگاه دیگران به او چگونه است. زمان انتخاب رشته ناخودآگاه با یادآوری او، دبیری کودکان استثنایی را انتخاب کردم. البته بسیاری از اطرافیانم اعتقاد داشتند نخواهم توانست این رشته و کار را ادامه دهم؛ چرا که کار با این گروه از بچه‌ها سخت است اما من عاشق آن‌ها هستم. گرچه فقط یک سال معلم بودم و از آن به بعد سرپرست آموزشی، معاونت و مدیریت مدرسه را تجربه کرده‌ام اما می‌توانم بگویم که تبحر کار با هر گروه از بچه‌های استثنایی را دارم.»

میترا رحمانی از گروه دوم است. او که اکنون سرپرست آموزشی مدرسه است می‌گوید: «من بیشتر رشته‌های حسابداری و مدیریت را دوست داشتم اما به دلیل نوع انتخاب رشته‌ام، در رشته‌ی روان‌شناسی قبول شدم.

البته گمان می‌کردم در روان‌شناسی بالینی پذیرفته شده‌ام اما دانشگاه، همه‌ی دانشجویان ورودی نیم‌سال دوم را در رشته‌ی روان‌شناسی کودکان استثنایی پذیرفت. می‌توان گفت که اصلاً به این رشته علاقه نداشتم. حتی روز اولی که به مدرسه‌ی استثنایی رفتم، پیش خودم گفتم چطور می‌توانم با این بچه‌ها سروکار داشته باشم اما مدتی بعد متوجه شدم با بچه‌های استثنایی راحت‌تر می‌توان ارتباط برقرار کرد. ظاهر و باطنشان یکی است و پیچیدگی‌های بزرگسالان را ندارند.»

قدم نخست: عاشقی

«هر کسی با هر سمت و عنوانی که می‌خواهد وارد مدرسه‌ی استثنایی شود باید در

وهله‌ی اول عاشق باشد.» به نظر صالحی این نخستین شرط کار برای کودکان استثنایی است؛ چه معلم باشی چه مدیر. اما مدیران چه نکاتی را باید مدنظر داشته باشند؟ صالحی در این باره می‌گوید: «مدیر مدرسه‌ی استثنایی باید شرایط سخت کاری معلمان را درک کند. در یک کلاس عادی ممکن است چند نفر دیرتر از بقیه موضوع درس را متوجه شوند ولی معلم استثنایی ممکن است برای یک دانش‌آموز مطلبی را صدها بار تکرار کند. این در حالی است که اگر همین دانش‌آموز چند روز به مدرسه نیاید، همه‌ی این مطالب را فراموش می‌کنند. از این‌رو، معلمان

استثنایی بیشتر خسته می‌شوند و به توان و انرژی مضاعفی نیاز دارند. از سوی دیگر، معلمان مدارس عادی نتیجه‌ی کار خود را می‌بینند اما در مدارس استثنایی این روند خیلی کند است. مثلاً شاید دانش‌آموز

در کلاس پنجم بتواند یک نشانی را با طمأنینه بخواند. گرچه معلمان ما معتقدند همین که دانش‌آموز از عهده‌ی امور روزمره‌ی خود برآید برایشان کافی است و این به معنای موفقیتی چشمگیر است. معلمان ما اگر عشق نداشته باشند نمی‌توانند کار کنند. این روند در مدیریت هم همین‌طور است و اینجا معلم نه براساس دستور مدیر بلکه با انگیزه‌ی بالا باید به کلاس برود.»

دو معلم در یک کلاس

همان‌طور که مدیریت مدارس استثنایی با مدارس عادی کمی متفاوت است، تدریس به دانش‌آموزان نیز تفاوت‌هایی دارد. میترا رحمانی در این باره می‌گوید: «در کلاس‌های استثنایی شکاف هوشی بین دانش‌آموزان زیاد است. از این‌رو، تعداد دانش‌آموزان هر کلاس از کلاس‌های عادی کمتر و در حدود ۸-۹ نفر است و آموزش بیشتر به صورت انفرادی صورت می‌گیرد. البته در کلاس‌های



صالحی:
مدیر مدرسه‌ی
استثنایی باید شرایط
سخت کاری معلمان
را درک کند

ما به خاطر کمبود فضای آموزشی تعداد بیشتری دانش آموز حضور دارد و به همین دلیل کلاس به صورت مشارکتی و توسط دو معلم اداره می شود. معلمان بین خودشان تقسیم کار می کنند و هنگامی که یکی از آنان تدریس می کند، دیگری تمرین ها و تکالیف بچه ها را بررسی می کند یا اگر دانش آموزی دیرآموزتر از بقیه است، به صورت انفرادی با او مشغول به تمرین می شود.»

به گفته‌ی رحمانی روش‌های تدریس به کودکان استثنایی هم مراحل گوناگونی

البته روش‌های تدریس به کودکان عادی نیز ممکن است در این مدارس کاربرد داشته باشند: «معلمان حوزه‌ی استثنایی انواع روش‌های تدریس مانند دریافت مفهوم و توضیحی را که در مدارس عادی پیگیری می شوند نیز فرامی گیرند، چرا که ممکن است در مورد یکی از دانش آموزان ما صدق کند و تأثیرگذار باشد. در واقع، برخی از

باشد که معلم تشخیص دهد لازم نیست دانش آموز کلاس اول را در سه سال بخواند و می تواند زودتر این پایه را تمام کند. از سوی دیگر، ممکن است دانش آموزی پنج سال مشغول تحصیل در پایه‌ی اول باشد. چرا که ما به دلیل شرایط خاص بچه‌ها محدودیتی به نام تجدیدی یا مردودی نداریم.»

استثنایی‌ها آمدند!

معلمان برای آموزش مناسب دانش آموزان دشواری‌های زیادی را تحمل می کنند. این دشواری در رابطه با کودکان استثنایی دوچندان است اما وقتی پای صحبت‌های این گروه از معلمان می نشینی، نه از این دشواری‌ها که از نگاه جامعه و حتی همکاران به کودکان استثنایی و معلمان این مدارس گله‌مندند. صالحی در این باره می گوید: «وجود این بچه‌ها برکت سفره‌ی همه‌ی معلمان این مدرسه است اما متأسفانه هنوز نگاه جامعه به بچه‌های استثنایی مناسب نیست. ترحم‌ها و گاه حتی بی‌احترامی‌ها بچه‌ها را آزار می دهد. بسیاری از والدین از نگاه دیگران به فرزند خود در عذاب‌ها به همین دلیل، ما همواره با این خانواده‌ها کنار می آییم و به آن‌ها انگیزه می دهیم.» میترا رحمانی هم معتقد است: «گرچه خیلی از همکاران شرایط سخت کار ما را می دانند اما هنوز هم وقتی در جلسات شرکت می کنیم می گویند: «استثنایی‌ها آمدند!» همه طور دیگری به ما نگاه می کنند و از ما تصور دیگری دارند. امیدوارم این نگاه‌ها تغییر کند.»

ما هم امیدواریم!



روش‌های تدریس با مدارس عادی یکی است اما با تمرین و تکرار بسیار بیشتری نتیجه می دهد.»

پایه‌های مدارس استثنایی هم با آنچه در مدارس عادی می بینیم متفاوت است. صالحی در این مورد چنین توضیح می دهد: «ورود بچه‌ها به مدرسه از پایه‌ی آمادگی است که شامل دو سال است. اگر دانش آموزی از توانمندی بالایی برخوردار باشد این دو پایه را در یک سال می گذرانند. در این پایه، مهارت‌های کلامی و اجتماعی، رنگ‌ها و... آموزش داده می شود. پس از آن کلاس اول است که خود سه سال طول می کشد. یعنی دانش آموزی که در مدرسه‌ی استثنایی کلاس اول سه را تمام کرده باشد مانند دانش آموزی است که در مدرسه‌ی عادی کلاس اول را به پایان رسانده است. البته ممکن است عملکرد دانش آموز به گونه‌ای

دارد: «در وهله‌ی اول معلم از روش مجسم استفاده می کند؛ یعنی هنگام تدریس یک موضوع ابتدا وسیله‌ی کمک آموزشی مربوط به آن را در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. چون بچه‌ها با لمس کردن و دیدن بهتر یاد می گیرند. سپس مرحله‌ی نیمه‌مجسم است؛ یعنی معلم همان شکل را روی تابلو نشان می دهد. مرحله‌ی آخر هم مرحله‌ی ذهنی یا مجرد است.»



صدیقه صالحی

کارشناس روان‌شناسی کودکان استثنایی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی
۲۶ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش
در سمت‌های آموزگاری، سرپرست آموزشی،
معاونت، مدیریت

میترا رحمانی

کارشناس روان‌شناسی کودکان استثنایی
۲۰ سال سابقه‌ی خدمت در
آموزش و پرورش

انجمن ریاضی دانان و آموزگاران افتخاری

عمرانه‌افضلی لهرمی
آموزگار دبستان هدف، بهشهر



اشاره

آموزگاران خوش فکر در پی ایجاد تحول و خلاق تر بار آوردن دانش آموزان خود هستند. به همین دلیل، بسیاری از آن‌ها با مطالعه‌ی منابع گوناگون سعی در پیشبرد کلاس خود دارند. یکی از این منابع مفید مجلات رشد است. شاهد این ادعا نیز فعالیت یک آموزگار مازندرانی است که با دست‌مایه قرار دادن مطالب مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، فعالیت‌های خود را به شکلی هدفمند سامان داده و نتایج شایسته گرفته است.

پیوسته بر آن بودم که مشکلات ریاضی دانش آموزانم کم شود. راه‌های بسیاری را امتحان کردم و نتایجی گرفتم اما راضی نبودم. روزی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره‌ی شش سال ۹۲-۹۱ را مطالعه می‌کردم که عنوان مقاله‌ی نظرم را جلب کرد.

«انجمن کودکان ریاضی‌دان در کلاس من!»

به این ترتیب تمام سعی و تلاش خود را بر روی این موضوع متمرکز کردم و با دانش آموزان ممتاز کلاس جلسه‌ای تشکیل دادم. این موضوع را مطرح و با استقبال آنان مواجه شدم. این طرح را با مدیریت محترم دبستان، خانم خلیلی، نیز مطرح کردم که با استقبال ایشان روبه‌رو شد. به دانش آموزانم گفتم در اجرای این کار با سختی‌هایی مواجه می‌شویم اما با یاری خدا و پشتکار شما مطمئن هستم که موفق می‌شویم. در ادامه، تمامی قوانین را به شکل عهدنامه‌ای برایشان توضیح دادم و مسئولیت‌ها مشخص شد. ممتازها در گروه‌های مناسب جایگزین شدند و من به آن‌ها قول دادم اگر طرح با موفقیت اجرا شود، با جوایزی از آنان در صف قدردانی خواهیم کرد.

عهدنامه‌ی انجمن پژوهشگران

۱. نظارت بر انجام فعالیت‌های عملکردی ریاضی گروه‌ها و ارائه‌ی گزارش از نحوه‌ی فعالیت آن‌ها
 ۲. طرح فعالیت‌های عملکردی با همکاری اعضای انجمن
 ۳. طرح آزمون مداد- کاغذی با همکاری اعضای گروه و تصحیح ورقه‌ها
 ۴. بررسی سؤالات آزمون‌های طراحی و تصحیح‌شده توسط آموزگار و دادن راهکار
 ۵. پذیرش مسئولیت آموزگار افتخاری
- با اجرای این برنامه در چهار ماه دانش آموزان ممتازم مسئولیت‌پذیرتر شدند و با انعطاف‌پذیری بالا، دانش آموزان ضعیف را به پیشرفت‌های چشمگیر رساندند.
- لازم می‌دانم که در پایان از خانم اعظم زارع، نویسنده‌ی مقاله نیز تشکر کنم زیرا موفقیت خود را مدیون طرح ایشان می‌دانم.

نتیجه‌گیری

پس از اجرای این طرح، دانش آموزان ضعیف و متوسط کلاس هرگاه به مشکلی برمی‌خورند، علاوه بر من به آموزگاران افتخاری مراجعه و رفع اشکال می‌کنند. مفاهیم ریاضی قابل فهم و آسان تر و هم‌چنین باعث علاقه‌مندی دانش آموزان به درس ریاضی شده‌اند و اشتیاق آموزگار افتخاری شدن در بچه‌ها قوت گرفته است.

استفاده از مجلات رشد باعث شد تصمیم بگیرم که این انجمن را در دروسی مثل علوم، مطالعات و ادبیات نیز تشکیل دهم. مطمئن هستم که در کلاس احساس رضایتمندی بیشتری می‌کنم. پیشنهاد می‌کنم تجارب معلمان و روش‌های نوین و خلاق در این مجلات بیشتر معرفی شود تا در دسترس دیگر عزیزان قرار گیرد. این تجربه باعث شد که بیش از پیش این‌گونه مجلات را مطالعه کنم.

چوبخط کی بیشتر پر شده است؟

اعداد، مراحل و اصول شمارش آن در ریاضیات ابتدایی

مریم احمدی

بیست و سه است.

۲. **روش ضرب:** در این روش عدد کوچک تر پیش از عدد بزرگ تر می آید و در آن ضرب می شود: عدد ۴۰۰۰ در فارسی به شکل چهار هزار بیان می شود که در آن مفهوم عدد مرکب معادل حاصل ضرب چهار در هزار است. آموزگار مبتکر می تواند در کلاس خود پس از گفتن مبحث اعداد و عمل های اصلی یک بازی عددسازی ترتیب دهد، به این شکل که از ادغام دو روش بالا، امکانات اعداد ترکیبی فارسی را معرفی کند. به این ترتیب ادغام ۴ هزار (روش ضرب) و بیست و سه (روش جمع) عدد مرکب چهار هزار و بیست و سه را که عدد تازه ای است به دست می آید.

مفاهیم اولیه ی اعداد شامل موارد زیر است:

شمارش

شمارش فرایند پیچیده و شگفتی است که به کمک آن، کودکان ارزش اعداد را شناخته و نامگذاری می کنند.

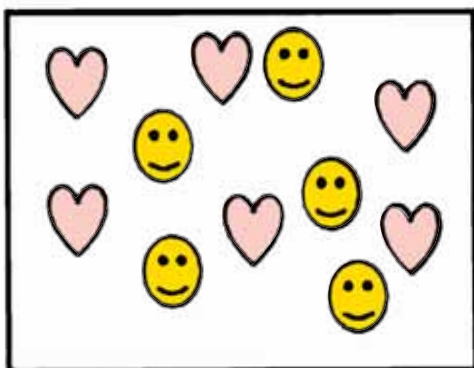
مراحل شمارش:

الف) شمارش از روی عادت:

دانش آموز از روی عادت یک، دو، سه و... را می شمرد اما سرعت شمارش او با اشاره اش به اشیای در حال شمارش متناسب نیست.

ب) شمارش همراه با اشاره کردن:

امکان دارد دانش آموزی قادر به شمردن همراه با اشیاء نباشد و به



اشاره

گاهی آموزگار در تعریف مفهوم و معنای کلمات دچار تردیدهایی است که سنگ بنای اشتباهات جزئی یا بزرگ دانش آموز می شود. عدد هم مانند هر کلمه ای می تواند دو کاربرد داشته باشد یا در معنی یا در اصطلاح. مریم احمدی در ارتباط با آموزش اعداد و مراحل شمارش، روش ساخت و شمارش عددها خواسته تا در قالب تجربه های خویش تعریفی روشن از آن لفظ ارائه کند.

کلیدواژه ها: عدد، شمارش، دسته بندی، چوب خط

آیا دانش آموز می داند عدد چیست؟

درباره ی عدد تعاریف زیادی ذکر شده است. از جمله:

عدد اسمی است که موضوع باشد برای شمار افراد و چیزها، و آن چیزها را معدود نامیده اند.

عدد لفظی است که در تعیین عده ی اشخاص و اشیاء به کار رود و شماره ی آن را برساند.

عدد کمیتی است که مقدار معدود را معین می کند و محتاج است به تمیز.

عدد کلمه ای است که شماره را بیان می کند.

عدد لفظی است که در تعیین چیزها و اشخاص به کار می رود.

از مجموع این تعاریف می توان نتیجه گرفت:

عدد واژه ای است که شمار مقدار یا جزئی از تعداد و مقدار یا ترتیب و توزیع معدود را نشان می دهد.

عدد بسازیم

تمام اعداد زبان فارسی با استفاده از دو روش ترکیبی ساخته می شوند. این دو روش (دو عمل حساب) عبارتند از:

۱. **روش جمع:** در این روش عدد کوچک تر پس از عدد بزرگ تر می آید و به آن می پیوندد. در این حال در میان آن ها رابطه ای برقرار می شود که حاصل جمع را نشان می دهد. مثلاً عدد ۲۳ در فارسی به صورت (بیست و سه) بیان می شود که حاصل جمع مفهوم

(دانش آموز اولی، دومین درخت از سمت راست، نفر اول و کتاب هفتم)

مفهوم ترکیبی

بعد از آموزش مفهوم ترتیبی، یکی دیگر از مفاهیم مهم عدد مفهوم ترکیبی است. با استفاده از این مفهوم در می‌یابیم که از جمع اعداد، عدد مورد نظر حاصل می‌شود.

$$0+5=5$$

$$1+4=5$$

$$2+3=5$$

دستگاه عددی دیگر

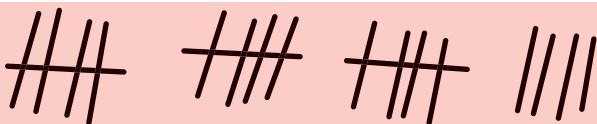
چوب خط گذاشتن

اولین راه شمارش دارایی‌های انسان از طریق چوب خط گذاشتن بود. این روش بر اساس تناظر یک به یک با شمارش علامت‌های روی چوب انجام می‌شد. برای مثال مردی که هفت گوسفند داشت، چوبی به شکل زیر داشت:



دسته‌بندی

با افزایش تعداد متعلقات مردم، آن‌ها روش چوب خط را دیگر کامل ندانستند. زیرا اگر یک نفر تعداد زیادی جنس داشت، برای حک کردن به چوب بسیار بلندی نیاز پیدا می‌کرد. در این زمان بود که مردم به لزوم دسته‌بندی پی بردند. یک روش دسته‌بندی ۵ تایی است که شاید به خاطر وجود ۵ انگشت در یک دست بوده باشد. بنابراین اگر یک نفر ۱۹ گوسفند داشت این عدد را به شکل زیر نشان می‌داد:



با پیشرفت کشاورزی نیاز به استفاده از اعداد بزرگ‌تر بیشتر احساس شد. در این زمان برای ارائه‌ی دسته‌ها و نیز دسته‌هایی از دسته‌ها، نمادها اختراع شدند.

آیا می‌توانید به دانش‌آموزان خود دستگاه‌های عددی بیشتری معرفی کنید؟ امکان دارد در قسمت‌های مختلف کشور شیوه‌های متنوع دیگری وجود داشته باشد. آن‌ها را شناسایی و به کلاس معرفی کنید.

منابع در دفتر مجله موجود است.

تصحیح و پوزش

در شماره‌ی هفت مجله در گفت‌وگویی نام دکتر منوچهر فضلی‌خانی، سهواً فریدون فضلی‌خانی درج شده بود که تصحیح می‌شود.



همین دلیل ندادند که چند تا از اشیاء را شمرده است. به عنوان مثال وقتی از دختری می‌پرسند چند تا عروسک در جعبه است؟ ممکن است به درستی بشمارد: (یک، دو، سه، چهار) این که دختر می‌تواند بشمارد، با این حال برای او اصلاً روشن نیست که آخرین عدد نشان‌دهنده‌ی تعداد اسباب بازی است.

(پ) شمارش همراه با تعقل

(ت) شمارش رو به جلو:

کودکان می‌توانند شمارش را با هر عددی شروع کنند. این گونه شمارش، راهبردی ضروری برای پرورش عمل جمع‌نیز محسوب می‌شود.

(ث) شمارش رو به عقب (معکوس)

برای پرورش عمل تفریق مناسب است. به عنوان مثال، می‌توان ضمن یک بازی یا ورزش از دانش‌آموز خواست که عقب عقب برود و از پنج به یک بشمارد.

(ج) شمارش جهشی:

در این روش دانش‌آموز به جای این که یکی یکی بشمارد، دو تا دو تا و پنج تا پنج تا و ده تا ده تا خواهد شمرد. شمارش جهشی آمادگی لازم برای دانش‌آموز پایه‌ی سوم و فراگیری اعمال ضرب و تقسیم را فراهم خواهد کرد.

اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد اصلی:

این جنبه از عدد، یعنی عدد اصلی به این سؤال پاسخ می‌دهد: (چند تا؟)

جنبه‌ی مهم دیگر عدد بر نحوه‌ی چیده شدن اشیاء به ترتیبی خاص تأکید دارد و با عنوان عدد ترتیبی شناخته می‌شود. این جنبه به سؤال (کدام یک؟) پاسخ می‌دهد.

مفهوم ترتیبی:

منظور از مفهوم ترتیبی عدد این است که بدانیم قبل و بعد از این عدد کدام اعدادند؟

در زندگی روزمره نیز برای تعیین موقعیت یک شیء در یک رده، از اعداد ترتیبی استفاده می‌کنیم.

بهنام شاددل
عکس: غلامرضا بهرامی

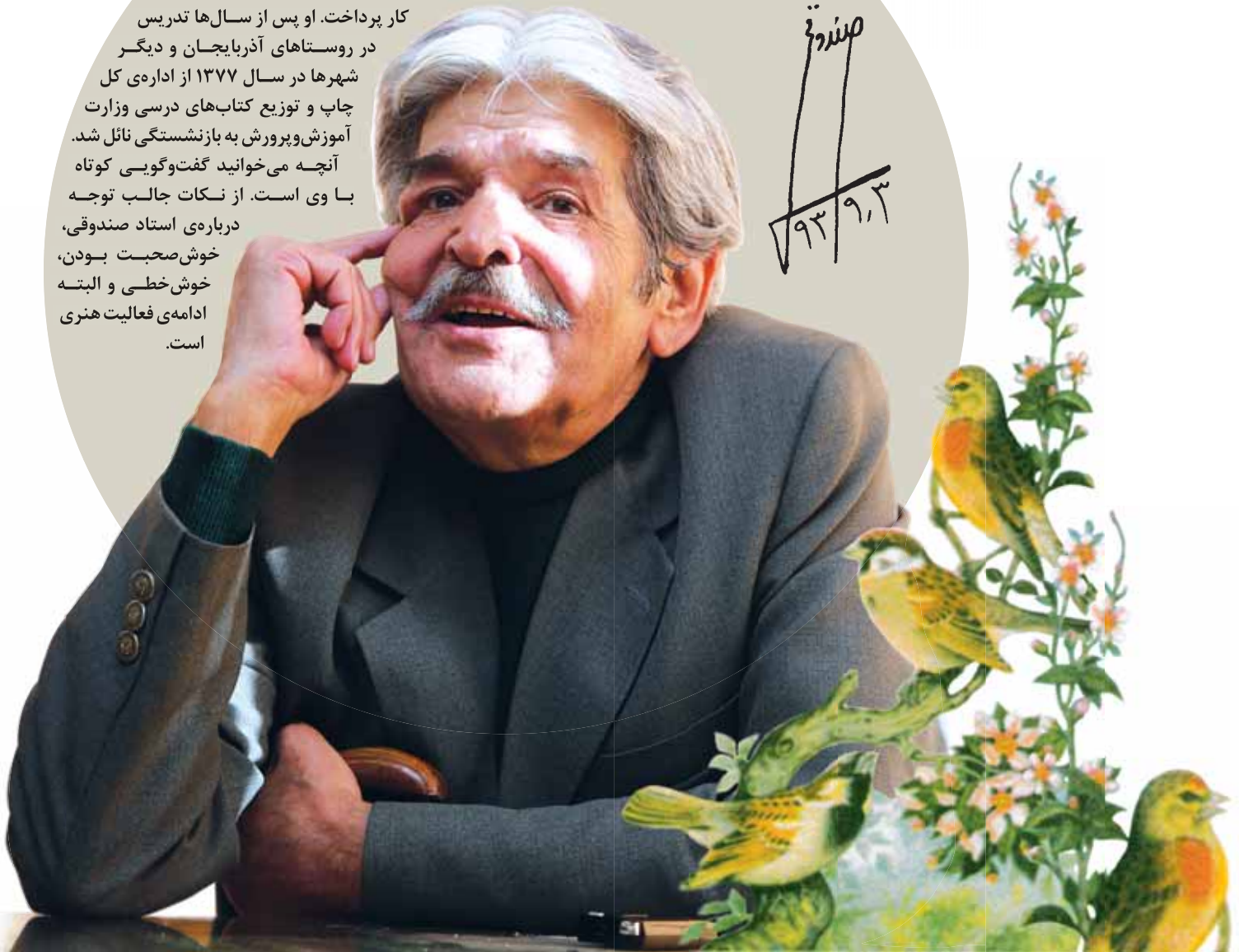
من نقاش مردی هستم

صادق صندوقی تصویرگر کتاب‌های درسی
از زندگی و هنر خود می‌گوید

اشاره

صادق صندوقی، نگارگر و تصویرگر کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، در سال ۱۳۲۵ در همدان به دنیا آمد. دوره‌ی تحصیلی ابتدایی را در همان شهر به پایان رساند و دوره‌ی متوسطه را در هنرستان هنرهای زیبا و آموزشکده‌ی تربیت مربیان هنری سپری کرد. پس از آن از حدود سال ۱۳۴۱ در آموزش‌وپرورش به کار پرداخت. او پس از سال‌ها تدریس در روستاهای آذربایجان و دیگر شهرها در سال ۱۳۷۷ از اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش‌وپرورش به بازنشستگی نائل شد. آنچه می‌خوانید گفت‌وگویی کوتاه با وی است. از نکات جالب توجه درباره‌ی استاد صندوقی، خوش صحبت بودن، خوش خطی و البته ادامه‌ی فعالیت هنری است.

صندوقی
۱۳۹۳/۹/۳

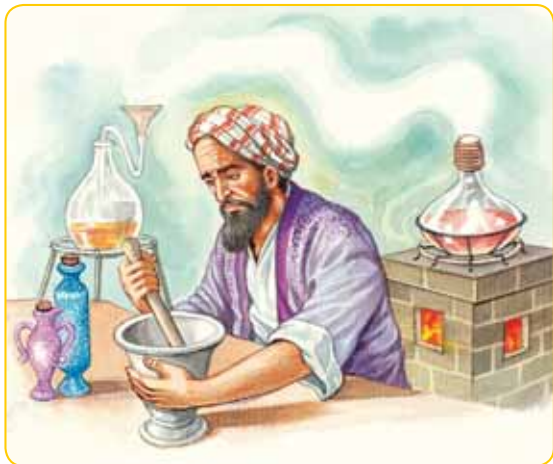




همه اشاره کردند به من. آقای بلالی برخورد خوب و تشویق آمیزی با من کرد و به ادامه‌ی کار علاقه‌مند شدم. این آموزگار بچه‌ها را درک می‌کرد و ذوق هم داشت. روزی یکی از دانش‌آموزان گریه می‌کرد. رو به او کرد و پرسید: «پسرم فامیلت چیست؟» دانش‌آموز گفت: «صمدی». آقای بلالی هم شروع کرد که: «صمدی، کلاه‌نمدی، مگر تو بدی» و این طور بود که با بچه‌ها ارتباط خوب داشت و برای تشویق نقاشی‌های مرا به دیوار می‌زد.

چرا و چطور معلم شدید؟

جوهره داشتم و علاقه‌مند بودم. پیش از آن در تهران در کارگاهی هنری نزد استادی مشغول بودم. حقوق خوبی از بابت نقاشی می‌گرفتم. با من مهربان بود و قرار بود کارگاه را به من بسپارد اما چون من به معلمی علاقه داشتم، رفتم و تقاضای استخدام کردم. روزی که وی اثر مرکب انگشت‌نگاری را روی دست من دید، پرسید: «این چیست؟» قضیه را تعریف کردم. تا نام آموزش و پرورش را آوردم؛ گفت: «تو بی‌جا کردی!» و این چنین بود که وارد خدمت رسمی شدم.



بیشتر آثار هنری شماسبک مذهبی دارد. چگونه شد که این شیوه را ادامه دادید؟ من می‌توانم بگویم یک نقاش مردمی هستم. از تولد تا مرگ همه‌گونه اثری داشته‌ام. مشابه خودم را ندیده‌ام. من تا به حال ۲۱۰۰ کتاب به



آقای صندوقی از کی متوجه شدید که در نقاشی و تصویرگری استعداد دارید؟ وقتی ۵ ساله بودم، برادر بزرگ‌ترم کتاب‌های درسی خود را می‌آورد و برخی جاهایش را رنگ می‌کرد. من هم علاقه نشان می‌دادم و حتی رنگ‌ها را به خوبی می‌شناختم. در حقیقت کارم را از نقاشی کردن کتاب‌های درسی شروع کردم و هم‌چنین با کتاب درسی پایان دادم.

از چه چیزهایی در کار هنر خود الگو می‌گرفتید؟

از کتاب درسی و تصاویر سردر مغازه‌ها. ببینید در آن زمان در شهر ما کلاس یا فردی را من ندیدم که بتوانم از او درس بگیرم. برای همین می‌گویم از کتاب درسی شروع کردم. از نظر من کتاب درسی اهمیت بسیاری دارد و هم‌چنان در مدارس و مناطق کمتر برخوردار می‌بینیم که دانش‌آموزان کتاب‌ها را با ولع بسیار ورق می‌زنند و لذت می‌برند. من همین‌طور که در خیابان راه می‌رفتم به نقش و نگار تابلوی مغازه‌ها نگاه می‌کردم و از آن‌ها الگو می‌گرفتم. در واقع وسیع مالی ما نمی‌رسید که به کلاس آموزشی برویم.

از آموزگاران و دوران تحصیل خود خاطره‌ای دارید؟

در حقیقت بیشتر خاطراتم به همین هنر نقاشی برمی‌گردد. روزی معلم ما در کلاس اول ابتدایی خواست از کلاس بیرون برود. به بچه‌ها گفت نفری یک نقاشی از گربه یا خرگوش بکشید تا من برگردم. من که نقاشی کشیدم، همه دیدند و گفتند: «چه خوب شده یکی هم برای من بکش». به همین ترتیب برای بیشتر بچه‌ها نقاشی کشیدم، غافل از اینکه مبصر کلاس نگاه می‌کند. او آمد و گفت: «چه می‌کنی؟... به این می‌گویند تقلب. اگر آقا معلم بیاید ناراحت می‌شود». من که تازه معنای تقلب را می‌فهمیدم بسیار نگران شدم. گفتم چه کنم؟ او هم گفت همه را پاره کن! همان لحظه آقای علی‌اکبر بلالی -معلم ما- آمد. نقاشی‌ها را دید و با حیرت پرسید: «این‌ها را چه کسی کشیده است؟»



غیر از کتاب‌های درسی، تصویرسازی کرده‌ام. اما درباره‌ی سبک باید بگویم سبک من قهوه‌خانه‌ای و رئال است که به مفاهیم مذهبی نزدیک‌تر است. حتی شیوه‌ی من آن چنان بود که پیش از انقلاب اسلامی فردی به نام حاج آقا دعوتی آثار مرا دید و گفت: «من از طرف امام خمینی (ره) تکلیف دارم که نسل معاصر را با مفاهیم و قصص اسلامی آشنا کنم. برای همین کارهای شما به اهداف ما نزدیک است و بسا ما همکاری کنید». من هم پذیرفتم و رفته‌رفته استقبال بیشتری از این کتاب‌ها شد.

کتاب‌شناسی برخی از تصویرگری‌های صندوقی

۱. تیشه، بیشه، ریشه، نویسنده؟، تهران: انتشارات سبحان، ۱۳۵۶.
۲. مار دورو، بازنویسی: ع. جعفری، تهران: مؤسسه‌ی انجام کتاب، ۱۳۶۰.

ویژگی‌های تصویرگری

- فعالیت‌های تصویرگری صندوقی را می‌توان براساس دوره‌ی پرداختن به تصویر در سه بخش بررسی کرد:
۱. دوره‌ی تصویرهای تجربی
 ۲. دوره‌ی تصویرهای تاریخی
 ۳. دوره‌ی تصویرهای کتاب درسی.

در تصویرسازی کتاب‌های درسی و استفاده از رنگ بسیار و دوری از شتاب‌زدگی را نشان می‌دهد.

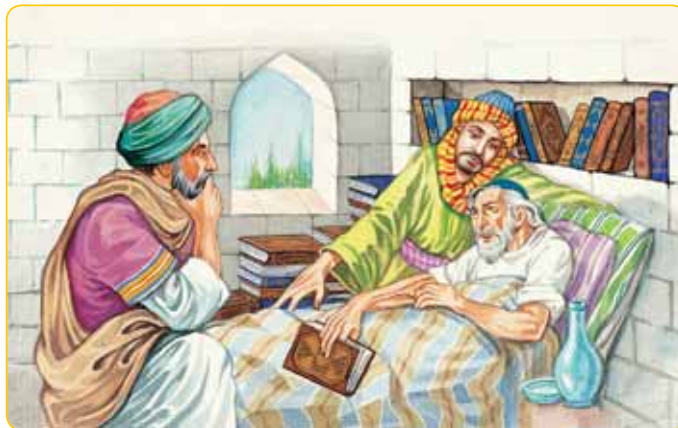
افزایش شخصت‌های موجود در یک تصویر و قدرت بخشیدن به فیگوراتیو، از ویژگی‌های تصویری او در این عرصه است.

در این دوره دامن زدن به نشانه‌های هیجان و حرکت با زاویه‌ی دید سینمایی و برش‌های تکنیکی افزایش می‌یابد. علاقه‌ی صندوقی به هنرهای سنتی ایران گاه با آفرینش اثرهای دشوار و شگفت از حرکت‌های ریز و درشت سرشار است. به‌طوری که گاه می‌توان بخار دهان اسب‌های عرق کرده در میدان نبرد را از میان برق شمشیرهای آخته حس کرد. این ویژگی‌ها به‌ویژه در تصاویر متون درسی به چشم می‌خورد. خلق این‌گونه آثار ظرافت‌هایی می‌طلبد که تجربه در آن موج می‌زند و صندوقی از آن بهره‌ها دارد.

۳. تو نیکی می‌کن و در دجله انداز، رضا شیرازی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۱.
۴. حجاج سقفی: استاندار عبدالملک، عباس کیوان، مشهد: توس، ۱۳۶۴.
۵. روباهی که فریب خورد، مهدی مشایخی، تهران: میثم، بی‌تا.
۶. غدیر خم، جواد نعیمی، مشهد: توس، بی‌تا.

تجربه‌ی نخست

تجربه‌ی حرفه‌ای نخست او به تدارک تصویری از عاشورا در سال ۱۳۴۴ بازمی‌گردد که برای روی جلد مجله‌ی صبح امروز کار کرد. در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۵۰ به تصویرگری قصه‌های قرآنی پرداخت و زمینه‌ی اصلی تصویرگری صندوقی، تصویرگری موضوع‌های دینی - تاریخی شد.



دارالفنون

گنجینه‌ی آموزش و پرورش

تأسیس به قرار زیر بود: رشته‌ی مهندسی، طب و جراحی، فیزیک و شیمی، داروسازی، رشته‌ی معدن‌شناسی، توپخانه و...

شاگردان دارالفنون لباس مخصوص به خود را داشتند و نهار را به خرج مدرسه در آنجا می‌خوردند. شاگردان کمک هزینه‌ی تحصیلی دریافت می‌کردند و به شاگردان خوب پاداش داده می‌شد.

در دارالفنون علاوه بر دروس اساسی، درس زبان خارجی برای شاگردان اجباری بود.

از دارالفنون تا سال ۱۳۵۷ به‌عنوان مدرسه استفاده شد و بعد به مرکز تربیت‌معلم تبدیل گردید. تا آنکه در سال ۱۳۶۷ جزو فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و تصمیم گرفته شد از این بنای شکننده که توانایی ارائه‌ی خدمات آموزشی را نداشت، پس از بازسازی به‌عنوان گنجینه‌ی آموزش و پرورش استفاده شود.

<http://darolfonoon.oerp.ir>

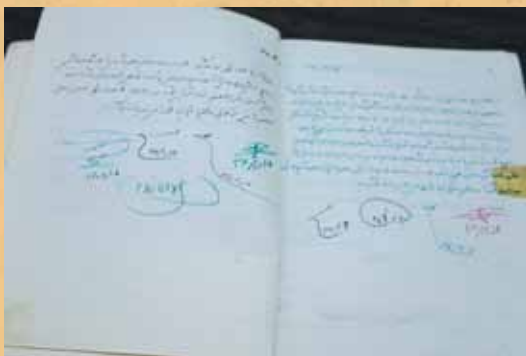
سنگ بنای دارالفنون به‌دستور میرزاتقی خان امیرکبیر در اوایل سال ۱۲۶۶ هـ.ق در زمینی واقع در شمال شرقی ارگ سلطنتی که پیش از آن سربازخانه بود، نهاده شد. امیرکبیر آکادمی و مدرسه‌های مختلف روسیه را دیده و از بنیادهای فرهنگی دنیا خبر داشت. نظر امیر در ایجاد دارالفنون در درجه‌ی اول به دانش و فن جدید معطوف بود. سر در زیبای دارالفنون را لرزاده -معمار معروف- پدید آورده و خط چشم‌نواز بالای آن از عبدالحمید ملک‌الکلامی است. چهار طرف ساختمان مدرسه را ۵۰ اطاق «منقش مذهب» هر کدام به طول و عرض چهار ذرع ساخته و جلوی آن‌ها را ایوان‌های وسیع بنا نمودند.

در ورودی دارالفنون به‌طرف خیابان ارگ «باب همایون» باز می‌شد و در کنونی آن در خیابان ناصرخسرو به سال ۱۲۹۲ هـ.ق ساخته شد. امیرکبیر برای تکمیل عده‌ی استادان و تنظیم برنامه‌ی درس‌های دارالفنون از میان اتباع خارجی که در خدمت دولت بودند و مترجمان دولتی و ایرانیانی که در فرنگ درس خوانده بودند، کسانی را برای تدریس و یا مترجمی معلمان خارجی برگزید.

او مقدمات افتتاح دارالفنون را فراهم ساخت اما متأسفانه بنیانگذار دارالفنون یک ماه قبل از افتتاح مدرسه معزول شد. بدین ترتیب بیست سال پیش از تأسیس دارالفنون توکیو و سه سال پس از تأسیس دارالفنون اسلامبول، دارالفنون ایران به دست میرزاتقی خان امیرکبیر ایجاد شد.

رشته‌های درسی دارالفنون

رشته‌های درسی مدرسه‌ی دارالفنون در بدو



صاحب سبک در اسباب بازی

نمایشگاه اسباب بازی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

فهیمة دهقان
عکس: غلامرضا بهرامی



چرا خانواده‌ها بیشتر به سمت اسباب‌بازی‌های خارجی می‌روند؟ و او جواب می‌دهد:

دلیل آن جذابیت و طراحی‌های ویژه و کیفیت تولید آن‌هاست.

البته چند سالی است که واردات اسباب‌بازی کنترل می‌شود. تولید اسباب‌بازی‌های مفید و باکیفیت مستلزم برنامه‌ریزی دقیق است که همه‌ی دستگاه‌ها در آن سهیم هستند. باید آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، معاونت فرهنگی-اجتماعی و همه‌ی نهادهایی که با فرهنگ و هنر و مسائل اجتماعی جامعه درگیرند به این حوزه وارد شوند؛ وگرنه یک شبه ره صد ساله را نمی‌توان طی کرد.

در نمایشگاه حوزه‌ی رنگ‌شناسی نیز بسیار مورد توجه ماست. رنگ برای کودک و نوجوان اهمیت بسیار زیادی دارد. کودک از طریق رنگ با اشیا ارتباط بصری برقرار می‌کند.

استقبال خوب

محمد مینایی، مسئول روابط عمومی و اطلاع‌رسانی نمایشگاه می‌گوید: «خانواده‌ها از نمایشگاه به‌خوبی استقبال کرده‌اند. بخشی از غرفه‌ها مخصوص بازی و سرگرمی‌های فکری است که ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کند و بخشی هم ویژه‌ی غرفه‌ها و دست‌سازه‌هاست.»

از جمله اهدافی که این نمایشگاه دنبال می‌کند و شورای نظارت بر اسباب‌بازی کانون هم بر آن توجه دارد، این است که تولیدکنندگان داخلی به تولید اسباب‌بازی‌های با کیفیت و فکری جدید ترغیب شوند. در ادامه از ضیایی می‌پرسیم:



اشاره

سال گذشته نمایشگاه تخصصی اسباب‌بازی از ۲۸ مهرماه به مدت پنج روز در محل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با حمایت شورای نظارت بر اسباب‌بازی کشور پذیرای بازدیدکنندگان بود. مدارس و خانواده‌ها می‌توانستند همراه فرزندان و دانش‌آموزان خود از این نمایشگاه دیدن کنند و اسباب‌بازی‌های تولید داخل را ببینند. از جمله ویژگی‌های نمایشگاه یاد شده این بود که برگه‌های نظرسنجی میان بازدیدکنندگان و غرفه‌داران توزیع می‌شد تا از پیشنهادها و انتقادهای آنان برای برپایی هر چه بهتر نمایشگاه‌های بعدی استفاده شود.

به همین مناسبت و با دقت در اثرگذاری اسباب‌بازی و ترغیب به خلاقیت به‌وسیله‌ی بازی با چنین وسایلی سعی کردیم با مسئولان و تولیدکنندگان اسباب‌بازی و مراجعه‌کنندگان گپ‌وگفتی داشته باشیم. بنابراین، در آغاز با مسئول روابط عمومی و اطلاع‌رسانی نمایشگاه به گفت‌وگو پرداختیم.



نفر نیز کارآفرینی کرده است، می‌گوید ۲۲ سال است که در حوزه تولید اسباب‌بازی فعالیت دارد. یکی از ابتکارات وی ساخت ماکت‌هایی از چرخ‌دستی‌های تحافی ایرانی و یا شخصیت‌های قدیمی محلات تهران است.

او درباره‌ی تولید اسباب‌بازی و رعایت جنبه‌های مختلف آن می‌گوید: «در چهار سبک کار می‌کنم. معرق معمولی، معرق برجسته‌ی حرفه‌ای، کارهای مشبک و ماکت سازی. البته در این نمایشگاه بیشتر کارهای خرده‌پا را عرضه کرده‌ایم. ماکت سرویس‌های خانه، پذیرایی و اتاق خواب کودک از جمله اسباب‌بازی‌های ماهستند.» سعی کرده‌ایم بیشتر از جنبه‌ی طراحی و رنگ توجه کودکان را جلب کنیم. شاید بتوان گفت که از این طریق کودکان با هنرهای معرق و مشبک و کار با چوب از سنین پایین آشنا می‌شوند.

اسباب‌بازی می‌گوید: «اسباب‌بازی در این زمینه مؤثر است اما باید تنوع هم داشته باشد. من در این جا اسباب‌بازی‌های زیاد و مناسبی ندیدم. شاید از آن‌ها در آموزش مسائل اجتماعی بیش از آموزش مطالب علمی بتوان کمک گرفت. از جمله در روش‌های زندگی، دوست‌یابی، ارتباط با دیگران، درک جنسیت و نقشی که در آینده با توجه به جنسیت باید در جامعه ایفا کنند.

الان بیشتر استفاده از اسباب‌بازی‌های فکری رایج شده است. انتظار بیشتری از این نمایشگاه داشتیم اما دیدیم که خیلی از وسایل تبلیغی یا تفریحی هستند. دوست داشتم بچه‌ها با دست پُر به خانه برگردند.»

صاحب سبک هستیم

رضا فریادی از تولیدکنندگان انواع عروسک است. او که از این راه برای چند

انتظار بیشتری داشتم

سعی کردیم در این نمایشگاه با یکی از آموزگاران هم گفت‌وگو کنیم. محمدرضا لطفی آموزگار پایه‌ی ششم دبستان پیام غدیر دو از منطقه‌ی دوازده تهران دانش‌آموزان خود را به این نمایشگاه آورده بود. از طریق اطلاع‌رسانی به موقع، دانش‌آموزانش تصمیم گرفته بودند به جای رفتن به ورزشگاه به این محل بیایند. لطفی درباره‌ی آثار تعلیم‌و‌تربیتی



داستان

اسباب بازی

اصغر ندیری

مادر اضافه کرد: «بهار، وانیا و یکتا-هم کلاسی‌های دخترمون-از سه سال پیش در مهد با هم بودند و دوستی‌ای به هم زدند. وقت تعطیل شدن به زحمت از هم جدا می‌شدند... تا به هم می‌رسند مثل مورچه‌ها که شاخک‌هاشون رو به هم می‌زنن، سرهاشون رو تو هم می‌کنند و تندتند، دانسته و ندانسته‌ها رو به همدیگه می‌رسوند. فکر کنم این کار یکی از اون وروجک‌هاست. چون وقتی پرسیدم، گفت دوستام می‌گن: من که کمی به فکر فرو رفته بودم، رو به بهار گفتم: «حالا که اردیبهشت ماهه، تو شاگرد خوبی هستی و مربی‌ها و مدیر پیش دبستان از تو رضایت دارن. خطت هم خوبه، چرا نمی‌خوای بری کلاس اول؟» بهار با نگاهی حق به جانب گفت: «بابا جون وانیا گفته نریم کلاس اول.»

با شوخی و لیخند گفتم: «امان از دست وانیا. تازه از مسابقه‌ی پیدا کردن اسم ماشین‌ها خلاص شدیم. حالا نوبت این چشمه‌ست؟»
به هر حال، اصل ماجرا این بود که چرا بهار نمی‌خواهد به پایه‌ی اول برود.
یواش یواش که او را به حرف گرفتم و

عصر بود. تازه از اداره به خانه رسیده بودم که به ناگهان بهار از اتاق خودش بیرون آمد و رو به من گفت: «بابا جون، من کلاس اول نمی‌رم.» من که انتظار شنیدن این حرف‌ها را از او نداشتم، بیشتر خنده‌ام گرفت تا متحیر شوم. با تعجب به همسرم نگاهی انداختم. ظاهراً او از ماجرا اطلاع داشت.

- چی شده، این بچه چی می‌گه خانم؟

- دخترت رو نمی‌شناسی. از این جور حرف‌ها و نظرات زیاد داره! شانهای بالا انداختم و گفتم: «خب، از آن موقع که به مهد کودک رفته سر زبون دارتر و آگاه‌تر شده و الان هم که پیش دبستانی می‌ره، سطحش بالاتر رفته...»

- بله دیروز به او گفتم صدای تلویزیون اتاقش رو کم کنه، چون من نمی‌تونستم اخبار رو به خوبی بشنوم. به نظر شما به من چه جوابی بده خوبه؟ ... بی‌مقدمه و به سرعت گفت: شما صدای تلویزیون خودتونو زیاد کنید...!

من که چندان از رفتار و گفتارهای ناب دخترمان تعجب نمی‌کردم، رو به مادرش گفتم: «می‌بینی این که از چند ماهگی مداد رو خوب دست می‌گرفت، به نوشتن و نقاشی علاقه نشان می‌داد و کتاب و روزنامه را از دست ما می‌گرفت و برعکس نگه داشته و شروع به زمزمه‌های نامفهوم می‌کرد، حالا باید چنین حرف‌هایی بزنه. شاید مربی مهدشان چیزی گفته و بچه رو ترسونده؟»

مادر بهار گفت: «نه، بچه‌ها رو که می‌شناسی. اگه یک جا جمع بشن، بدتر از بزرگ‌ترها یک‌کلاغ و چهل کلاغ می‌کنند. یادت هست که این وسایل بازی پزشکی چقدر در کم کردن وحشت او از پزشک مؤثر بود.»
- بله، وسیله‌های بازی مناسب می‌تونه به ما کمک کنه.





نیست. یک لحظه است...»
 یاد آمد که اکنون به عنوان
 آموزگار یا ولی دانش آموز وظیفه‌ای
 دارم و اگر کتاب درسی یا مدرسه
 به این مسئله اشاره‌ای نکرده است،
 خودم به نوعی شیرین و قطعی
 باید برای این معضل راه چاره‌ای
 بیابم. به هر حال، امروزه مسائل
 شکل‌های دیگری یافته است.
 بهار باز هم داشت تلویزیون تماشا
 می‌کرد. اصلاً هر چه می‌گویم باید
 بعضی ساعت‌ها تلویزیون ببینیم،
 گوش او بدهکار نیست. به هر
 حال، خوشبختانه در آن ساعت
 برنامه‌ی کودک پخش می‌شد و
 از قضا نوعی بازی را به بچه‌ها یاد
 می‌داد. خوشحال شدم که بالاخره

برنامه‌ای مفید واقع شده و راهی پیش پایم گذاشته است. بازی؛ باید
 موضوع نترسیدن از آمپول یا واکسن را به وسیله‌ی بازی به بهار تفهیم
 می‌کردم. همان نتیجه‌ی خوبی که قبلاً از وسایل بازی پزشکی گرفتم
 و باعث شد ترس بهار از پزشک بریزد. سختی کار همین بود که بتوانم
 بازی را طراحی کنم. با طرح موضوع و هم‌فکری مادر بهار توانستم به
 روشی برسم. یاد گذشته هم کمک کرد و لحظاتی کودک شدم. به
 بهار گفتم: «می‌خواهی بدونی وقتی ما می‌خواستیم واکسن بزنینم، تو
 مدرسه چه کار می‌کردیم؟»

- چه کاری بابا جون؟

گفتم: «خب. تو بیا اینجا مثلاً تو صف بایستی، من هم می‌شوم
 و انبیا. این عروسک هم یکتا. ما وقتی می‌خواستیم آمپول بزنینم، صف
 می‌بستیم و یکی یکی همین که به دکتر نزدیک می‌شدیم از جلو به
 عقب برمی‌گشتیم و نفر اول را به آرامی هل می‌دادیم. بیا بازی کنیم و
 به صف، بریم واکسن بزنینم.»

بهار از این بازی و به هم خوردن صف خوشش آمد. مخصوصاً موقعی
 که من خودم را عروسکی ترسان نشان می‌دادم و پشت بقیه پنهان
 می‌شدم. در آن لحظه می‌گفتم: «بهار نمی‌ترسه. اون شجاعه» و در این
 موقع بود که آقای مدیر فرضی می‌آمد و مرا به اتاق هدایت می‌کرد.
 من روی صندلی می‌نشستم و چشمانم را می‌بستم و می‌گفتم: «خانم
 دکتر، پس چی شد. چرا آمپول نمی‌زنید؟» و خانم دکتر می‌گفت:
 «عزیزم، تمام شد؟»

دخترم از این قسمت هم خیلی لذت می‌برد و مدام تکرار آن را
 خواستار می‌شد. خودش هم وقتی این قسمت بازی را اجرا می‌کرد، به
 من می‌گفت: «خانم دکتر، آمپول زدی؟ من که متوجه نشدم. واکسن
 که درد نداره. مگه نه یکتا!» و در این هنگام بود که من سر عروسکی
 یکتا را به نشانه‌ی تأیید تکان می‌دادم.

آلوجه و لواشک کار خودش را کرد، دخترم اعتراف کرد که از آمپول
 می‌ترسد. گفتم: «آمپول که ترس نداره... دکتر عزیزی رو دیدی که
 چقدر مهربونه!»

- بابایی، و انبیا می‌گه اگه بریم کلاس اول به ما واکسن می‌زنند...
 بله، تازه فهمیدم چه خبر است. چند روزی گذشت و دنبال راه
 چاره‌ای بودم که به دختر کم‌بفهمانم نگرانی‌اش نابجاست. تا حدی هم
 از این در حیرت بودم که مگر می‌شود مریبان پیش دبستانی به این
 امر توجه نداشته باشند. یعنی بچه‌ها به آن‌ها چیزی بروز نداده‌اند؟
 بالاخره با مرور همه‌ی زوایا به یاد کلاس اول خودم افتادم. اما دیدم
 ما چندان اطلاعی از همسالان خود نمی‌گرفتیم. کارهای ما بیشتر
 بازی و به دنبال توپ دویدن بود. شاید هم دختر و یا پسر بودن در نوع
 ارتباطات انسانی اثر دارد! مادرش می‌گوید که این بچه خیلی حرف
 می‌زند. برخلاف من که کلاً کم‌حرف هستم.

یادم آمد که یک روز صبح در مدرسه به ما گفتند همه‌ی
 اولی‌ها در حیاط مدرسه به صف شوند و آستین‌ها را بالا بزنند، ما
 هم بی‌خبر از همه‌جا در محوطه‌ی مقابل دفتر مدیر به ستون
 یک ایستادیم. یعنی چه اتفاقی می‌خواست بیفتد؟ با خروج اولین
 دانش‌آموز گریان از اتاق مدیر به همه‌ی سؤال‌ها جواب داده شد. یک
 سه یک از جلویی‌ها به عقبی‌ها خبر رسید که می‌خواهند آمپول یا
 واکسن بزنند. با شنیدن اسم آمپول چنان ولوله‌ای در ستون افتاد
 که آموزگاران و ناظم مدرسه آمدند و با تهدید و فریاد صف را به
 حال سابق برگرداندند. خلاصه یکی یکی و وحشت زده می‌رفتیم
 داخل و گریه‌کنان خارج می‌شدیم. این در حالی بود که
 به جای واکسن نگاه می‌کردیم و برای اینکه در مقابل سایر دانش‌آموزان
 از گریه کردن خود خجالت نکشیم به بچه‌ها می‌گفتم: «چیزی



آلبوم مشق اول

فاطمه اسفندیاری

آموزگار دبستان حافظ، بابلسر



دفتر مشق به صورت مجموعه‌ای یکپارچه و صحافی شده و با نام دانش‌آموز در جشن پایان سال تحصیلی به تک‌تک آنان تحویل داده شود. به این ترتیب، هر دانش‌آموز آلبومی از موارد یادشده‌ی مربوط به خودش را تحویل می‌گرفت. «آلبوم مشق اول»، آلبومی پر از خاطرات زیبای کلاس اول: اولین آب-بابا، اولین جمله‌ها.

هر دانش‌آموز کلاس اولی تا پایان سال تحصیلی چند دفتر مشق مصرف می‌کند و معمولاً دفترهای مصرف شده دور انداخته می‌شوند. اما با اجرای این طرح همه‌ی دفترهای مشق بچه‌ها پس از تمام شدن، به من تحویل داده می‌شد تا در پایان سال با در کنار هم گذاشتن این دفترها، برگه‌های جمله‌نویسی، دیکته به پدر و مادر، اولین آب-بابا، تشویق‌های معلم در

جلسه‌ی آموزش خانواده تقریباً در حال تمام بود. اکثر خانواده‌ها هم حضور داشتند. پس از پاسخ دادن به آخرین سؤال‌ها پیشنهادم را مطرح کردم. فکرم را هم نمی‌کردم که تا این حد با استقبال اولیا مواجه شود. وقتی عکس‌العمل خانواده‌ها را دیدم انرژی مضاعفی پیدا کردم. «آلبوم مشق اول» پیشنهادی بود که مطرح کردم. همان‌طور که می‌دانیم،

خدایا به من خواهر بده!

فیناحریری

دبستان ایمان، منطقه‌ی دو تهران

مادر خوبی بشوم.
- خدایا، دست مادرم که همیشه درد می‌کند، خوبش کن...
- خدایا حالا که داری به من یک خواهر یا برادر می‌دهی، دوست دارم سالم باشم ولی لاغر باشد تا بتوانم بغلش کنم. دوست دارم چشم‌هایش به رنگ چشم بابایم باشد. خدایا هر چه آرزو کردم، برعکس نشود!

آن‌ها کمتر توانسته‌اند منظور خود را بیان کنند اما از میان آن‌ها چند مورد بسیار جالب توجه را استخراج کردم. در این میان، آنچه نظر مرا به خود جلب می‌کرد، آرزوهای زیبای بچه‌ها بود که فکر کنم شما هم با خواندن آن‌ها لذت خواهید برد.

- خدایا به من یک خواهر بده.
- من آرزو دارم یک روزی برای فرزندانم

ریشه و بنای فکری انسان‌ها در دوران کودکی شکل می‌گیرد و آموزگاران نیز در جهت‌دهی به آن مؤثرند.
در یکی از جلسات کلاسی در ارتباط با تحولات جامعه و اینکه کشور ما به جمعیت بیشتر و نیروی جوان و بانشاط نیاز دارد، از دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم خواستم نظر خودشان را در قالب یک انشا بگویند. با بررسی نوشته‌های بچه‌ها متوجه شدم که

چلچراغ

خاطره‌های ۴۰ ساله

چاپ سوم کتاب «چلچراغ خاطره‌ها» دیر به دستمان رسید. اهمیت این کتاب به دلیل آن است که نویسنده‌ی آن عضو شورای عالی آموزش و پرورش یا رئیس منطقه بوده و البته پیش از همه‌ی مسئولیت‌ها آموزگاری کرده است.

محمدحسین توکلی که در سال تحصیلی ۳۸-۱۳۳۷ به دانشسرا وارد شده است، داستان اولین توصیه‌ی دلسوزانه برای معلم نشدن

را چنین بازگو می‌کند: «برای اخذ گواهی قبولی جهت ثبت‌نام در آزمون ورودی دانشسرا با هدف انتخاب شغل معلمی به دبیرستان محل تحصیل خود مراجعه کردم. معاون دبیرستان که از وضع درسی و اخلاقی من راضی بود، از سر دلسوزی چنین [در گوشم] زمزمه کرد: پسر، حیف نیست با این همه استعداد خودت را گرفتار شغل معلمی کنی؟ انسان باید هدفی متعالی تر داشته باشد. مثلاً من از اول آرزو داشتم دکتر بشوم ولی شدم معلم. تو که می‌خواهی معلم بشوی، می‌ترسم پایان کارت به عملگی بگشدد».

توکلی می‌گوید؛ معاون مدرسه فکر می‌کرد من با اصرار پدرم دارم معلم می‌شوم. بنابراین، باز سفارش کرد که «اگر خودت مایل نیستی و با اصرار پدرت می‌خواهی معلم شوی، می‌توانی ثبت‌نام کنی ولی در جلسه‌ی امتحان طوری پاسخ بده که نمره‌ی قبولی نیآوری...» به هر حال، سودای معلمی در او رخنه کرده بود. خودش در این باره می‌گوید:

«روز اول مهر سال ۱۳۳۹ در حالی که ابلاغ آموزگاری یکی از

دبستان‌های شهرستان «دورود»، از توابع استان لرستان را در دست داشتم، وارد دفتر مدرسه شدم. مرد میان‌سالی با عینک ذره‌بینی پشت تنها میز دفتر نشسته بود. سلام کردم و ابلاغم را نشان دادم. وی که بعدها فهمیدم مدیر مدرسه است، قد و بالایم را براندازی کرد و گفت: «بچه‌ها سر کلاس‌اند. تشریف بیاورید تا کلاستان را نشان بدهم».

در حالی که او جلو افتاده بود و من در پی‌اش حرکت می‌کردم، راهروی تنگ و تاریکی را پیمودیم تا به پشت در کلاسی رسیدیم که در سر در آن نوشته شده بود: «کلاس پنجم». مدیر مدرسه که تا آن موقع خود را هم معرفی نکرده بود، تک‌سرفه‌ای کرد و گفت: «تا اینجایش با من بود، از اینجا به بعدش با خودت».

نمی‌دانم چرا با حاضر جوابی پاسخ دادم: «نه تا اینجایش با شما بود و نه از اینجا به بعدش با من، بلکه تا اینجایش با خدا بود و از اینجا به بعدش نیز با خداست».

از زیر عینک به من نگاهی انداخت؛ سرش را تکانی داد و رفت. من ماندم و در بسته‌ی کلاس و روز اول کار آموزگاری، بعد از گفتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» با زدن ضربه‌ای به در کلاس، آن را گشودم و داخل شدم. مبصر کلاس برپا داد و همه برخاستند. گفتیم: «بفرمایید» یکی دو تا از بچه‌ها نشستند اما بقیه پرپر مرانگه‌می کردند که مبصر سکوت را شکست و گفت: «آقا کجا بفرماییم» تازه فهمیدم که بچه‌ها مفهوم «بفرمایید» معادل «بنشینید» را نمی‌دانند.

خلیج فارس و دریای عمان

صفورا زواران حسینی

کارشناس آموزش انجمن یوزپلنگ ایرانی



اشاره

دهم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس است. به همین دلیل، در این شماره مقاله‌ی محیط زیست به مبحث دریاهای ایران از جمله خلیج فارس و مشکلات زیستی آن اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: خلیج فارس، تخریب اکوسیستم، دریای عمان

دانستنی‌های آموزگاران

محققان و صاحب نظران اعلام کرده‌اند که آلودگی خلیج فارس بیش از ظرفیت طبیعی آن است.^۱ چرا چنین شده است؟ خلیج فارس دریایی نیمه بسته است که گردش آب در آن هر پنج تا هفت سال یکبار رخ می‌دهد. در نتیجه، آلودگی‌ها در آن ماندگار می‌شوند و حیات آبریان و انسان‌های وابسته به آن را به خطر می‌اندازند. تخریب اکوسیستم خلیج فارس، تخریب آب‌سنگ‌های مرجانی - که محل زندگی و زادآوری بسیاری از آبریان هستند - از بین رفتن صدف‌های مرواریدساز (این صدف‌ها شاخص آلودگی دریا هستند و کاهش آن‌ها نشانه‌ی افزایش آلودگی به خصوص آلودگی نفتی است)، از بین رفتن تخم موجودات آبی، بارور نشدن و از بین رفتن آبریان در مرحله‌ی نوزادی و در نتیجه از بین رفتن شغلی صیادان، از

عواقب آلودگی محیط زیست دریایی است.^۲ آلودگی‌ها از کجا می‌آیند؟ روزانه بیش از ۱۵۰۰ نفتکش بزرگ در خلیج فارس و دریای عمان تردد می‌کنند. آلودگی ناشی از نشت و یا تخلیه‌ی مواد نفتی و تخلیه‌ی آب توازن کشتی‌ها که مخلوط با نفت هستند، سهم بالایی در آلودگی این پهنه‌ی آبی دارد. سالانه حدود ۱/۲ میلیون بشکه نفت و ترکیبات هیدروکربنی وارد خلیج فارس می‌شود. این میزان نفت، معادل ۱۶۰ هزار تن مواد سمی است. البته به این میزان باید روزانه حدود ۲/۶ میلیون بشکه آب مخلوط به نفت را نیز اضافه کرد!

عوامل آلودگی

آلودگی خلیج فارس با مواد نفتی. غرق شدن ۴۷ شناور، انفجار چاه‌های نفت و راه‌یابی نزدیک به چهار میلیون بشکه نفت به خلیج فارس، نشت نفت در سال ۱۹۹۱ (طی جنگ عراق با کویت)، انفجار دو پایانه‌ی نفتی در عراق و کویت، ورود نه میلیون بشکه نفت ناشی از این انفجار به خلیج فارس و به آتش کشیده شدن ۷۰۰ چاه نفت کویت تاریخی

مصیبت بار برای خلیج فارس ساخته‌اند. البته کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست ایران اعلام کرده‌اند امروزه خلیج فارس از این نظر در شرایط بحرانی قرار ندارد و اقداماتی کارساز برای مقابله با این آلودگی‌ها در دستور کار قرار گرفته است.^۳

منبع آلودگی مهم دیگر آب‌های جنوب ایران، آب شیرین کن‌ها هستند. طبق آمارهای منتشر شده، ۴۵ تا ۶۰ درصد کارخانه‌های آب شیرین کن دنیا در منطقه‌ی خاورمیانه و به خصوص در ساحل جنوبی خلیج فارس واقع شده‌اند. بنابر همین آمارها، در هر ثانیه حدود ۳۰۰ کیلوگرم فلز سنگین مس از طریق کارخانه‌های مذکور وارد خلیج فارس می‌شوند. علاوه بر این، پساب کارخانه‌های آب شیرین کن موجب افزایش هفت تا هشت درجه دمای آب و افزایش شوری ۱۰ تا ۲۰ درصدی آن می‌شود. کاهش اکسیژن محلول در آب در اطراف آب شیرین کن‌ها نیز یکی دیگر از مضرات آن‌هاست.^۴

صید بی‌رویه‌ی آبریان عامل تهدید دیگری است که چرخه‌ی طبیعی خلیج



در این میان، پژوهشگران بیش از همه نگران خطرهای ریزپلاست‌ها هستند. مواد پلاستیکی بسیار بادوام‌اند و تجزیه‌ی آن‌ها اغلب صدها سال طول می‌کشد. زباله‌های پلاستیکی به تدریج به ریزپلاست‌ها تبدیل می‌شوند و به چرخه‌ی غذایی موجودات دریایی راه می‌یابند. این ذرات سمی هستند و می‌توانند موجب سرطان و اختلال در سیستم هورمونی بدن انسان شوند^۱.

به‌طور کلی، آلاینده‌هایی که وارد دریا می‌شوند به تدریج به چرخه‌ی حیات راه می‌یابند. در این زمینه دو پدیده وجود دارد: «بزرگ‌نمایی زیستی» و «تراکم زیستی». در بزرگ‌نمایی زیستی، آلودگی فیتوپلانکتون وارد زوپلانکتون و سپس لارو ماهی می‌شود و به زنجیره‌ی غذایی راه می‌یابد. در واقع، هرچه طول زنجیره‌ی غذایی بیشتر شود، حجم آن افزایش می‌یابد اما در تراکم زیستی مثلاً نیزه‌ماهی می‌تواند تا هزار برابر حد مجاز مواد آلوده در بافت عضلانی و امعا و احشای خود ذخیره کند؛ بی‌آنکه آسیبی ببیند در حالی که انسانی که این ماهی را می‌خورد ممکن است از شدت آلودگی بمیرد^۲.

آب‌سنگ‌های مرجانی یکی از مهم‌ترین اجزای اکوسیستم دریاها و در عین حال از حساس‌ترین آن‌ها هستند. آب‌سنگ‌های مرجانی هشت درصد کل مرجان‌های دنیا در خلیج فارس و دریای عمان هستند که متأسفانه دو سوم آن‌ها در معرض خطر تخریب‌اند^۳. آب‌سنگ‌های مرجانی محل زادآوری و زندگی بسیاری از آبزیان هستند. بیشترین تنوع زیستی در دریاها و اقیانوس‌ها در اطراف آب‌سنگ‌های مرجانی وجود دارد. برخی دانشمندان تخمین زده‌اند در حدود یک تا هشت میلیون گونه در اطراف آب‌سنگ‌های مرجانی زندگی می‌کنند که هنوز کشف نشده‌اند. آب‌سنگ‌های مرجانی خدمات زیستی و اقتصادی برای انسان‌ها فراهم می‌کنند. طبق یک برآورد، ارزش خدماتی که آب‌سنگ‌های مرجانی ارائه می‌دهند معادل حدود ۳۷۵ میلیارد دلار در سال است. این رقم برای اکوسیستمی که تنها یک درصد سطح کره‌ی زمین را پوشانده، شگفت‌انگیز است و نشان از اهمیت

سرخ آسیب زیادی به تنوع زیستی آب‌های جنوب ایران و صیادی زده است. این پدیده حاصل شکوفایی جمعیت برخی پلانکتون‌هاست. پلانکتون‌های مذکور مواد سمی ترشح می‌کنند و آب دریا را به رنگ قرمز در می‌آورند. افزایش مواد مغذی نیتراتی و فسفاتی در آب (موجود در پساب‌های صنعتی، خانگی و کشاورزی تخلیه شده در آب) به همراه عوامل طبیعی مانند گرمای هوا، بارش پس از روزهای آفتابی و دریای آرام موجب ایجاد کسند سرخ می‌شود^۴.

ساخت مجموعه‌های نفت، گاز و پتروشیمی در کنار منافع اقتصادی موجب تخریب جدی محیط زیست می‌شوند. پساب‌های نفتی و شیمیایی این مراکز به همراه ایجاد آلودگی صوتی، آلودگی ناشی از سوزاندن گازهای تفکیکی و جمع شدن مواد زاید شیمیایی و زباله، اکوسیستم خلیج فارس را تهدید می‌کند. پژوهشگرانی از دانشگاه آزر در کشور پر تغال دریافتند که در تمامی نقاط دریای مدیترانه، صرف‌نظر از عمق آب، از سطح آب مناطق ساحلی گرفته تا عمق چند هزار متری دریا زباله‌هایی مانند بطری‌ها و کیسه‌های پلاستیکی، بطری‌های شیشه‌ای، تورها و طناب‌های ماهیگیری وجود دارد.

زباله‌ها علاوه بر تخریب زیستگاه مناسب زندگی موجودات دریایی، گاهی به اشتباه توسط آنان به‌عنوان غذا خورده می‌شوند و موجب مرگ آن‌ها می‌شوند. برخی موجودات نیز در میان این زباله‌های شناور یا انباشته شده در بستر گیر می‌افتند و می‌میرند.



فارس و دریای عمان را تهدید می‌کند. به گفته‌ی کارشناسان، ادامه‌ی روند فعلی صیادی در این منطقه در کمتر از ده سال، به نابودی ذخایر شیلاتی آب‌های جنوبی کشورمان منجر خواهد شد^۵. برای مثال، ماهی سپور که در فروردین‌ماه در اروندرود انشعابات کارون زاد و ولد می‌کند، در برگشت از این آبرها به اندازه‌ی صید می‌شود که اکنون ذخایر آن با خطر جدی مواجه است. همین‌طور جمعیت کوسه‌ماهیان به‌دلیل صید بیش از حد و غیرمجاز (جهت صدور باله‌ی کوسه) به‌شدت کاهش یافته است^۶.

سدسازی‌های بی‌رویه و بی‌مطالعه، علاوه بر دریاچه‌ها و اکوسیستم‌های داخلی بلای جان خلیج فارس نیز شده است. سدسازی موجب کاهش آب ورودی به خلیج فارس و هم‌چنین از بین رفتن محل تخم‌ریزی و رشد ماهیان در پهنه‌های جزر و مدی و مصب‌ها در سواحل خلیج فارس شده است^۷. متأسفانه در مقابل این کاهش، میزان ورود فاضلاب صنعتی، خانگی و کشاورزی به این پهنه‌ی آبی روزبه‌روز افزایش یافته است. **در سال‌های اخیر پدیده‌ی «کسند**

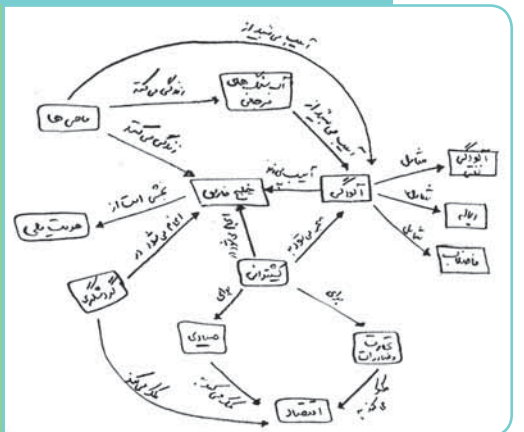
آن دارد^{۱۲}.

شرایط شکننده‌ی زیست‌محیطی خلیج فارس و دریای عمان ۱۹ گونه‌ی پستاندار دریایی^{۱۳} موجود در این مناطق را در معرض خطر انقراض قرار داده است.



فعالیت آموزشی پیشنهادی^{۱۴}

در پایان مرتبط با دریاهای ایران، می‌توانید یک شبکه‌ی کلمات بسازید. برای ساخت شبکه، چند کلمه‌ی کلیدی مانند خلیج فارس و دریای مازندران در اختیار دارید. یکی از این کلمه‌ها را انتخاب کنید و روی تخته بنویسید. از دانش‌آموزانتان بخواهید کلمه‌های مرتبط با آن را که به ذهنشان می‌رسد، بگویند. در آخر، کلمات را دسته‌بندی و کلمه‌های زاید را حذف کنید. سپس از دانش‌آموزان بخواهید شبکه‌ی کلمات خلیج فارس را رسم کنند.



تصویر (۱)

برای این کار لازم است کلمه‌ی کلیدی (خلیج فارس) را در وسط صفحه بنویسند؛ بقیه‌ی کلمات را در اطراف آن قرار دهند و رابطه‌ها را بکشند. به آن‌ها بگویید نوع رابطه را نیز مشخص کنند. آن‌ها برای مشخص کردن رابطه‌ها می‌توانند از عبارتهایی مانند: «سود می‌برند از»، «به‌دست می‌آید از»،

«منبعی است برای»، «پیدا می‌شود در» و غیره استفاده کنند. در تصویر (۱)، مثالی ساده از شبکه‌ی کلمات خلیج فارس را می‌بینید. می‌توانید دانش‌آموزانتان را به چند گروه تقسیم کنید و به هر گروه یک کلمه‌ی کلیدی بدهید و بخواهید که در آخر، شبکه‌ی کلماتشان را با هم مقایسه کنند. پس از رسم شبکه‌های کلمات، یک گفت‌وگوی گروهی در کلاس شکل دهید. می‌توانید با طرح چند سؤال هدفمند به شکل گرفتن گفت‌وگو کمک کنید.

۱. برداشت شما از شبکه‌ی کلماتی که رسم کردید چه بود؟
۲. با رسم این شبکه، آیا متوجه‌ی رابطه‌ای شدید که پیش از این نمی‌دانستید؟
۳. انسان در کدام قسمت شبکه و به چه شکل نقش دارد؟ نقش مثبت دارد یا منفی؟ آیا انسان می‌تواند نقش مثبتی در این شبکه داشته باشد؟ شما به‌عنوان دانش‌آموزان پایه‌ی ششم چه نقشی می‌توانید در این شبکه داشته باشید؟
۴. نظرتان درباره‌ی این جمله چیست؟ «جهان یک شبکه است.»

معرفی کتاب‌های مرتبط

- **شگفتی‌های جهان آزیان؛ حسین عمادی، نشر آزیان**
- **جنگل‌های مانگرو ایران و جهان؛ با نگاهی اجمالی به جنگل‌های حرای خلیج گواتر، فرشته آذرنوید و همکاران، انتشارات کلام**
- **اطلس ماهیان حوزه‌ی جنوبی دریای خزر (آب‌های ایران)؛ مهدی نادری و همکاران، مؤسسه‌ی تحقیقات شیلات ایران**
- **اطلس ماهی‌های زینتی خلیج فارس، همایون حسین‌زاده و عیسی کمالی، مؤسسه‌ی تحقیقات شیلات ایران**
- **اطلس جلبک‌های دریایی سواحل خلیج فارس و دریای عمان؛ بایرام محمد قرنجیک و کیومرث روحانی، مؤسسه تحقیقات شیلات ایران**
- **فرهنگ‌نامه‌ی حیات‌وحش ایران؛ مهره‌داران (گونه‌های دریازی)، حسینی و**

همکاران، نشر طلائی

- **راهنمای پستانداران ایران (گونه‌های پستانداران دریایی ایران، هوشنگ ضیایی، کانون آشنایی با حیات‌وحش**

معرفی فیلم‌های مرتبط^{۱۵}

- **مستند «سرپایان خلیج فارس»، کارگردان: سیدعلی محترمی**
- **مستند «هم‌زیستی خلیج فارس»، کارگردان: سیدعلی محترمی**
- **«بهار در زیر آب‌های خلیج فارس»، کارگردان: محمد عزیزاده**
- **مستند «عجاز خلیج فارس»، کارگردان: کاظم بایرام‌بخش**
- **مجموعه‌ی مستند «جان مرجان»، کارگردان: سیدمانی میرصادقی**

مرتبط با ...

کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم/ فصل ۹

پی‌نوشت‌ها

۱. مصاحبه با دکتر نبوی، معاون وقت محیط‌زیست دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست iran.ir
2. yjc.ir
3. hamshahronline.ir
۴. همان iran.ir
۵. (مصاحبه با دکتر بیژن فرهنگ دره‌شوری) hamshahronline.ir
۶. (مصاحبه با دکتر نبوی، معاون وقت محیط‌زیست دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست) irna.ir
۷. (مصاحبه با دکتر بیژن فرهنگ دره‌شوری) hamshahronline.ir
8. mass.gov
9. dw.de/
۱۰. (مصاحبه با دکتر نبوی، معاون وقت محیط‌زیست دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست) iran.ir
۱۱. (مصاحبه با عبدالرضا کرباسی، معاون وقت محیط‌زیست دریایی سازمان محیط‌زیست) farsnews.com
12. oceanservice.noaa.gov
۱۳. کتاب راهنمای صحرایی پستانداران ایران، هوشنگ ضیایی، کانون آموزش حیات‌وحش
۱۴. با الهام از فعالیت ۱ کتاب طبیعت در کلاس درس، تألیف زوران و همکاران، شرکت انتشارات فنی ایران، ۱۳۹۱
۱۵. مستندهای مذکور تولید صداوسیما جمهوری اسلامی ایران هستند و می‌توانید با سروش سیما تماس گرفته و آن‌ها را تهیه کنید.

بدون کتاب‌خانه پیشترین کتاب‌خوان را داوود

سید
اسماعیل موسوی
معاون - آموزگار دبستان
شهید اشرفی اصفهانی،
مسینک

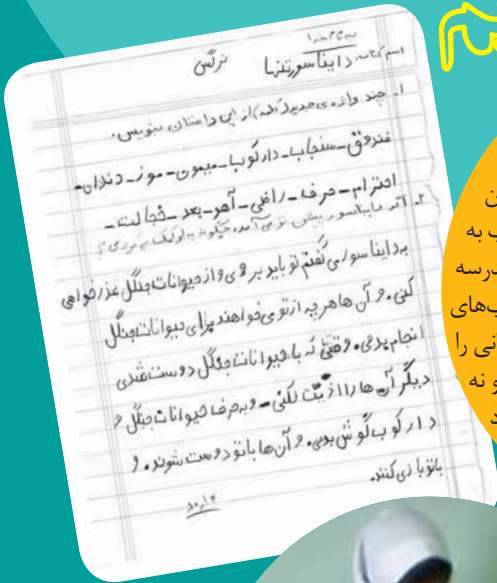
در سال تحصیلی گذشته به‌عنوان معاون - آموزگار به این دبستان اعزام شدم. مدرسه‌ای با دو دانش‌آموز پایه‌ی اول و دوم و دانش‌آموز در پایه‌ی چهارم. که در یکی از کم برخوردارترین روستاهای رزن واقع شده و حتی فاقد گاز است و اهالی از نفت و دیگر سوخت‌ها برای زمستان‌های سرد این منطقه استفاده می‌کنند. با بررسی‌هایی که انجام دادم، متوجه شدم که **گنجینه‌ی لغات فراگیرندگان** بسیار ضعیف است و جمالتی که می‌نویسند سطح پایینی دارد و در واقع چیزی برای گفتن و نوشتن ندارند. بهترین کاری که برای حل این مشکل می‌شد انجام داد، مطالعه و کتاب‌خوانی بود اما این مدرسه نه سرانه‌ای داشت و نه کتاب و کتاب‌خانه‌ای. با توجه به بی‌سواد بودن بیشتر اولیا زمینه‌ی قبلی نیز وجود نداشت؛ یعنی خانواده‌ها هم مطالعه نمی‌کردند.

چاره چه بود؟

با توجه به اینکه عضو کتاب‌خانه‌ی عمومی دهخدا در قروه بودم. با مسئولان این کتاب‌خانه هماهنگ کردم که هفته‌ای پنج کتاب به من امانت بدهند. پس از مطالعه‌ی این کتاب‌ها در مدرسه می‌توانستم آن‌ها را به کتاب‌خانه برگردانم و کتاب‌های جدیدی بگیرم. اما چگونه می‌توانستم دانش‌آموزانی را که نه زمینه‌ی کتاب‌خوانی در خانواده‌هایشان و نه در طی سال‌های گذشته کاری در این مورد برایشان انجام شده بود، به مطالعه و کتاب‌خوانی علاقه‌مند کنم؟

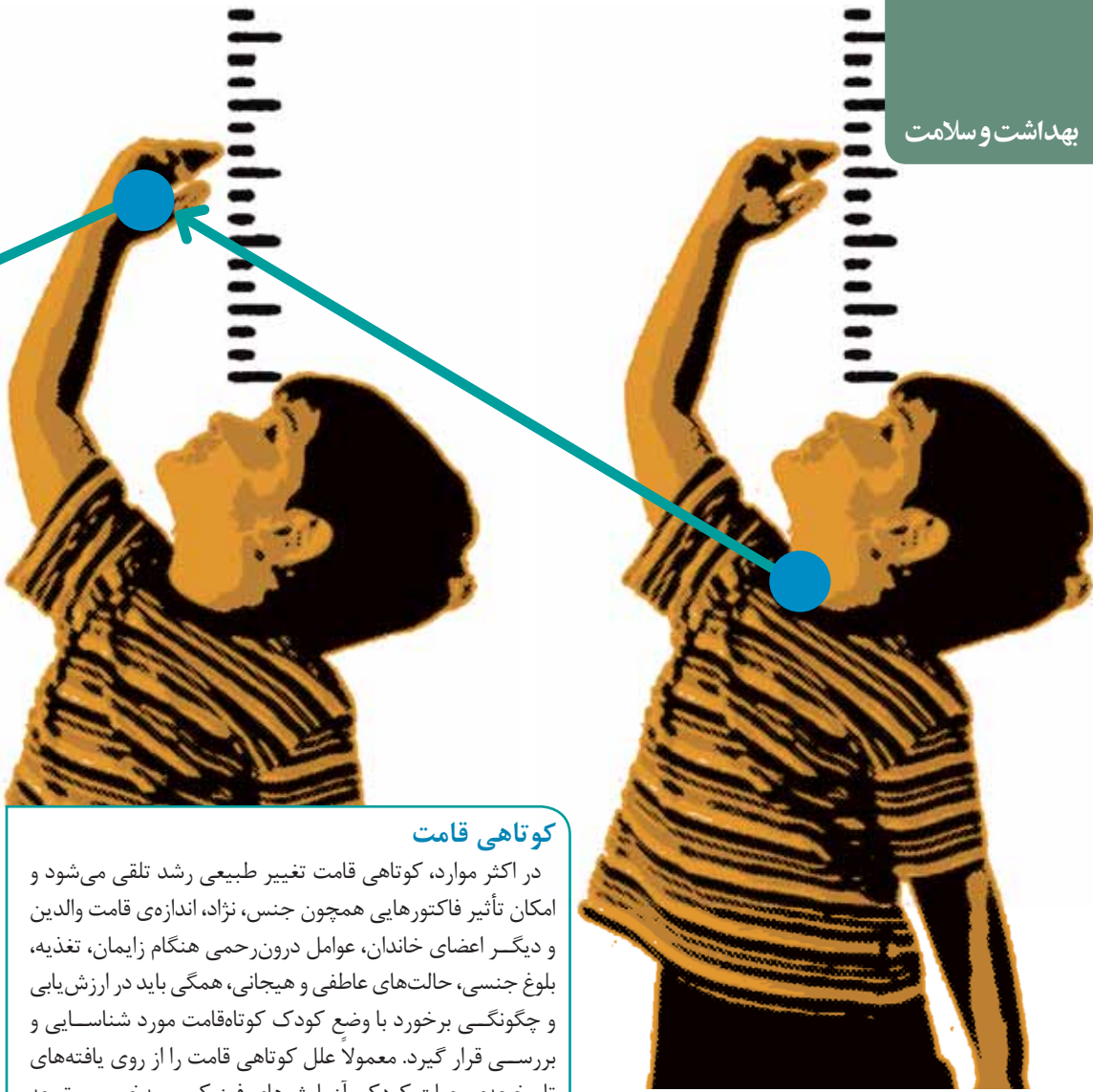
فعالیت‌های انجام شده برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به مطالعه

۱. تهیه‌ی کتاب‌های کمتر از گروه سنی دانش‌آموزان این کار باعث می‌شد که بچه‌ها بتوانند بخوانند و به این کار علاقه‌مند شوند.
۲. تهیه‌ی کتاب‌های مصور و کتاب‌خوانی جمعی
۳. روزی که کتاب‌ها را به کلاس می‌بردم ابتدا کتاب‌ها را تبلیغ می‌کردم و قسمتی از داستان را برایشان می‌خواندم. این کار باعث ایجاد انگیزه می‌شد که دانش‌آموزان بقیه‌ی داستان کتاب را بخوانند.
۴. اوایل که بچه‌ها کتاب به خانه می‌بردند، اصلاً از آن‌ها سؤال نمی‌کردم که آیا کتاب را خوانده‌اید یا نه.
۵. تهیه‌ی فرم ویژه‌ای برای ثبت کتاب‌های به امانت گرفته شده و هم‌چنین مطالعه شده این فرم را خود دانش‌آموزان تکمیل می‌کردند این فعالیت مزایای زیادی داشت؛ از جمله اینکه به تقویت احساس مسئولیت در بچه‌ها و شکل‌گیری رابطه‌ای صمیمی و عاطفی بین من و آن‌ها کمک می‌کرد. به تدریج کار به جایی رسید که وقتی بچه‌ها کتاب‌ها را می‌خواندند و تمام می‌شد، چندین بار در طول روز یادآوری می‌کردند که برایشان باز هم کتاب بیاورم حتی صبح که به مدرسه می‌رسیدند، اولین سؤالی که می‌کردند این بود: «آقا کتاب آورده‌ای؟» و این سؤال برای من زیباترین و بهترین سؤال بود؛ چون نه از سرما می‌پرسیدند و نه از نبود امکانات.



خود بچه‌ها نیز متوجه شده بودند که کتاب‌خوانی باعث شده است انشا خوب بنویسند و در خواندن کتاب‌های دیگر مثل فارسی، علوم و مطالعات اجتماعی هم مشکلی ندارند. آن‌ها وقتی نوشته‌ها و جمله‌هایشان را با اوایل سال مقایسه می‌کردند، خودشان خنده‌شان می‌گرفت. به لطف خداوند متعال و با حمایت‌های مسئولان کتاب‌خانه‌ی قروه، از آبان ۱۳۹۲ تا ۹۳/۳/۳۱ دانش‌آموزان ۱۲۰ جلد کتاب مطالعه کردند. قرار گذاشتیم تابستان هم برایشان کتاب ببرم. این فعالیت در سال تحصیلی جدید هم صورت می‌گیرد. البته بچه‌ها دیگر کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای شده‌اند و باید در حدود ۴۰ دقیقه در کتاب‌خانه وقت صرف کنم تا کتاب‌های مورد علاقه‌شان را پیدا کنم. من فاصله‌ی پنج کیلومتری محل زندگی‌ام تا کتاب‌خانه را در سرما و برف طی می‌کنم تا صبح که به مدرسه می‌روم، بچه‌ها از دیدن کتاب‌ها خوشحال شوند و با همان زبان کودکانه تشکر کنند. این کار باعث می‌شود بچه‌های مدرسه‌ام بدانند با وجود آنکه در محروم‌ترین روستاها زندگی می‌کنند ولی فراموش شده نیستند و کسانی هستند که آن‌ها را دوست دارند و به علاقه‌شان توجه می‌کنند.





کوتاهی قامت

در اکثر موارد، کوتاهی قامت تغییر طبیعی رشد تلقی می‌شود و امکان تأثیر فاکتورهایی همچون جنس، نژاد، اندازه‌ی قامت والدین و دیگر اعضای خاندان، عوامل درون‌رحمی هنگام زایمان، تغذیه، بلوغ جنسی، حالت‌های عاطفی و هیجانی، همگی باید در ارزش‌یابی و چگونگی برخورد با وضع کودک کوتاه‌قامت مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. معمولاً علل کوتاهی قامت را از روی یافته‌های تاریخچه‌ی حیات کودک، آزمایش‌های فیزیکی و به‌خصوص توجه به سن استخوانی او به دست می‌آورند.

کوتاهی قدی یا کوتولگی سرشتی

بسیاری از کودکان از نظر رشد و تکامل اسکلت تأخیر دارند. این تأخیر کاملاً جنبه‌ی سرشتی دارد و اصلاً جای نگرانی نیست. چرا که در این کودکان بلوغ طبیعی خواهد بود اما زمان آن تأخیر دارد و کودک کاملاً در همه‌ی جهات طبیعی است. اغلب اوقات در روند رشد تاریخچه‌ی مشابهی با یکی از والدین یا دیگر اعضای خاندان مشاهده می‌شود. یادمان باشد به جای هرگونه پریشانی، انتظار عبور زمان را باید داشت؛ چرا که کودکان کوتاه‌قد این گروه، پس از بلوغ قامتی کاملاً طبیعی پیدا می‌کنند.

کوتولگی هیپوفیزی یا کوتولگی نقصان هورمون رشد

نقصان هورمون رشد یکی دیگر از علل کوتاهی قامت است که تقریباً در نیمی از موارد علت آن مشخص نیست. کودکان با کوتولگی هیپوفیزی به هنگام تولد کوچک‌اند، در دوره‌ی شیرخواری، تأخیر رشد واضح دارند و پیوسته آثار عارضه، به شکل قیافه‌ی ثابت خردسالانه با دست‌ها و پاهاى کوچک نمودار است. آن‌ها در بلوغ جنسی تأخیر دارند و هرچه سنشان بالاتر

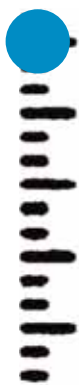
کوتاهی قد دختران و پسران

دکتر احسان‌الله محمدی

عضو مستقل انجمن بین‌المللی پژوهشگران مغز

اشاره

برخی خانواده‌ها نگران رشد فرزندان خود یا مشکلی مانند کوتاهی قامت آن‌ها هستند. در سال‌ها و پایه‌های اول تحصیل، ممکن است این عارضه خود را بیشتر نشان دهد. در این مقاله به دنبال پاسخ دادن به این پرسش هستیم که فضای غیرطبیعی رشد ناشی از چیست؟ کندی افزایش وزن کودک چگونه باید بررسی شود و کمبود غذایی در نارسایی رشد چه تأثیری دارد؟



ناهنجاری‌های استخوانی و ستون فقراتی و کاهش هورمون‌های تیروئیدی (به‌خصوص کاهش شدید T_4 و افزایش غلظت TSH هیپوفیزی) را در این کوتوله‌ها کاملاً نشان می‌دهد.

کوتاه‌قامتی یا کوتولگی بدوی

در این نوع کوتولگی اختلالاتی مانند نبود تناسب جمجمه و صورت دیده می‌شود. این کوتوله‌ها جز تناسب نداشتن جمجمه و صورت، ناهنجاری قابل توجه دیگری ندارند.

عقب‌ماندگی رشد اولیه، از زمان سن درون‌رحمی که قد و وزن پایینی دارند، آغاز می‌شود، اگرچه بلوغ اسکلت با سن زمانی متناسب است و یا تأخیر مختصری دارد. به هر حال، در مقایسه با سایر کوتولگی‌ها درمان مشخصی برای این نوع کوتاهی قامت وجود ندارد.

عوامل هیجانی شدید یا محرومیت

محرومیت‌های ناشی از ناراحتی‌های روانی و هیجانی، همراه با اختلالات رشد جسمی و نمو شخصیت ممکن است این نوع کوتاهی قامت را به‌وجود آورد. در بعضی از این کودکان تأخیر رشد بیشتر در نتیجه کم‌غذایی است. در این نوع کوتاهی قامت گاه اشتباهی کودک بیش از حد طبیعی است و نوعی ولع غذایی در او وجود دارد اما هم‌چنان تأخیر رشد اسکلتی قابل توجه است. زیادی ادرار و عطش زیاد نیز در این نوع کوتولگی دیده می‌شود. مبتلایان به این نوع کوتاهی قامت توقف رشد ناگهانی دارند؛ یعنی به هنگام تولد، اندازه‌هایشان طبیعی است اما بعد از تولد برای مدتی به‌طور طبیعی رشد می‌کنند و ناگهان رشدشان متوقف می‌شود. تاریخچه‌ی دقیق این نوع کوتولگی از مشکلات غذایی دوران شیرخواری حکایت دارد. این کوتولگی در مسیر دیگر، ناشی از وجود انواع استرس‌های مشکل‌آفرین هیجانی و عاطفی در خانواده‌ی کودک نیز می‌باشد.

به محض برخورد با کوتاهی قد اطفال، باید به مطالعات نُه‌گانه‌ی آزمایشگاهی توجه کنیم. در واقع، در صورتی که علت کوتاهی قد با مطالعه‌ی کامل تاریخچه‌ی فیزیکی اطفال مشخص نشود، علاوه‌بر تعیین سن استخوانی، مطالعات آزمایشگاهی برای تشخیص نوع رده‌بندی کوتاه‌قامتی مفید است.

۱. شمارش کامل عناصر خونی
۲. سرعت رسوب گلبولی
۳. تجزیه‌ی کامل ادراری
۴. آزمایش مدفوع
۵. اندازه‌گیری الکترولیت‌های سرم خونی
۶. ازت اوره
۷. فروتنی دهان برای تعیین کاربوتایپ. به‌خصوص در کلیه‌ی دختران کوتاه‌قد برای شناسایی سندروم ترنر، تعیین کاربوتایپ دهانی در زمانی که دخترچه‌های کوتاه‌قد تأخیر بلوغ جنسی دارند، بیشتر اهمیت پیدا می‌کند.
۸. تست‌های عملی تیروئید
۹. تعیین غلظت هورمون رشد GT.

می‌رود چین و چروک‌های پوستی آن‌ها بیشتر می‌شود. قند خون پایینی دارند (هیپوگلیسمی) و سر کوچک در این نوع کوتولگی قابل توجه است (میکروسفال).

آن‌ها در رشد دندان‌ها تأخیر دارند و تأخیر در رشد قامت هم موجود است. سردرد، نقص در میدان بینایی، داشتن تصویر غیرطبیعی استخوان‌های جمجمه در تصاویری مانند سی‌تی اسکن و MRI، زیادی ادرار و عطش زیاد - که هر دو ناشی از نارسایی غده‌ی هیپوفیز خلفی است (دیابت بی‌مزه) - در این کوتولگی مشهود و قابل پیگیری است. آغاز حرکت شناسایی و بررسی این نوع کوتولگی کودکان با تست‌های آزمایشگاهی خواهد بود. کمبود غلظت سوماتومدین C و خود هورمون رشد در سرم خون کودک کاملاً مشخص است. و اما در زمان این نوع کوتولگی هیپوفیزی؛ با تجویز هورمون رشد (GH) و دیگر مواد دارویی آنالولیک پروتئینی مانند تستوسترون و فلواکسی مسترون می‌توان رشد طولی استخوان‌ها را افزایش داد اما گاهی افزایش سریع اپی‌فیز استخوان‌ها (سر استخوان‌ها) در نهایت، خود موجب کوتاهی قامت می‌شود.

کوتاهی هیپوتیروئیدسم یا شایع‌ترین نوع کوتولگی در ایران (کم‌کاری غده‌ی تیروئید)

هیپوتیروئیدسم مادرزادی یا اکتسابی این نوع کوتولگی را سبب می‌شود. در اینجا به یافته‌های مشخص سریع این نوع کوتولگی برای ردیابی و بررسی توجه می‌کنیم.

۱. مبتلایان به کوتولگی هیپوتیروئیدسم دارای علائمی در اختلال اعمال هستند، تنبلی و سستی روانی و جسمی و پوست سرد به پریده‌رنگ و خاکستری‌مانند دارند، فعالیت روده‌هایشان کم است و اغلب به یبوست دچارند. این نوع کوتوله‌ها علائمی چون زبان بزرگ، شکم برجسته، فتق نافی، قوس کم‌ری خمیده (لوردوز کم‌ری)، درجه‌ی حرارت پایین، برادیکاردی (ضربان آهسته قلبی)، تعریق کم، کاهش فشار نبض، صدای خشن و بزرگی جثه هنگام تولد دارند.
۲. تأخیر رشد و نمو دارند و فیزیک بدنی و عکس‌العمل‌های روانی و تأخیری مغزی‌شان در کندی قرار دارد.
۳. در اکثر موارد تأخیر بلوغ جنسی دارند.
۴. یافته‌های رادیولوژی و یافته‌های آزمایشگاهی تابلوهای انواع

غنی سازی دبستانی

رونمایی از موزهی ایران شناسی در مدرسه

نسرین رضایی
دبستان شهید شوندی

کمی در زندگی دارد. ما به عنوان آموزگار از مخاطبان خود در مدارس انتظار داریم صرفاً درس بخوانند و یاد بگیرند و کمتر به فکر کیفیت یادگیری خروجی های مدرسه هستیم. در نظام تعلیم و تربیت جدید فضای فیزیکی مدرسه نه تنها یک محیط بی روح فاقد تأثیر در فرایند یادگیری محسوب نمی شود، بلکه به عنوان عاملی پوینده در کیفیت بخشی به فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان ایفای نقش می کند. در عصر ما پدیده های متنوع و به هم پیچیده آنچنان فراوان و نو به نو شده اند که توجه به دانایی ها، توانایی ها و امکانات را اجتناب ناپذیر کرده است. البته این دانستنی ها و مهارت ها باید قادر باشند امنیت روانی و احساس زیبایی دوستی را در مواجهه با مشکلات زندگی تضمین کنند.

در شرایطی که اکثر منازل در مناطق شهری به آپارتمان های کوچک و به دور از فضاهای بازی و تحرک کودکان تبدیل شده یا آنکه بچه ها در مدارس تحصیل می کنند که در محله ها و مناطق پراسیب واقع شده است؛ حداقل کاری که می توان در تأمین بهداشت جسمی و روحی آنان انجام داد، ایجاد فضای مفرح و دیدنی در مدرسه است. چرا که دانش آموزان چندین ساعت از روز خود را در مدرسه می گذرانند. در این حالت مدیر یا راهبر

با ۲۶ سال آموزگاری که حدود نه سال آن مدیریت مدرسه است به تجربه دریافته ام که یکی از مشکلات مدارس کشور عزیز ما کمتر فراهم بودن محیط های پویاست. یکی دیگر از مشکلات دانش آموزان و خانواده ها این است که امکانی برای آن ها وجود ندارد تا از نقاط دیدنی، آثار باستانی، تاریخی و موزه های استان های مختلف دیدن کنند. آشنایی این عده با آثار باستانی، نقاط دیدنی و شخصیت های برجسته معمولاً در کتاب درسی است که آن هم فرار بوده و به زودی فراموش می شود و کاربست

اشاره

درج چند خبر دربارهی موزه ها در مجلهی رشد آموزش ابتدایی عاملی برای آموزگاران شده است تا دست به کار شده و آن را به ایده های کاربردی تبدیل کنند. نسرین رضایی از رزن استان همدان و مدیر دبستان شهید شوندی نیز همچون دیگر فرهنگی های خلاق بر آن شده تا تجربهی خود در برپایی موزه به سبک دبستانی را توضیح دهد. از ویژگی های نوآوری او دعوت به همکاری اولیا و دانش آموزان و همکارانش بوده است.





در ایجاد و افتتاح موزه‌ی ایران‌شناسی مدرسه‌ای، توجه به امکانات و قابلیت‌های آن بوده است. در مرحله‌ی اول و بهترین موزه به واسطه‌ی استفاده از تخصص یکی از اولیای دانش‌آموزان تهیه و نصب گردید. به این ترتیب توانستم بخش‌های موزه را نیز به شرح زیر راه‌اندازی کنم.

۱. غرفه‌ی آشنایی با شخصیت‌ها و مشاهیر ایران

۲. غرفه‌ی سکه‌های قدیمی و تمبرهای

بازرزش

۳. غرفه‌ی پرچم‌ها و ظروف قدیمی

۴. غرفه‌ی نقاط دیدنی و زیارتی از

جمله تخت‌جمشید، مشهد و زیارتگاه‌ها

۵. غرفه‌ی کتاب‌های قدیمی پایه‌ی ششم.

موضوعی که برایم بسیار جذاب بود این

که ما هم می‌توانیم با کمک همدیگر در

سطح مدرسه یک کار بزرگ فرهنگی

انجام دهیم. این در حالی است که از

وسایل ساده و ارزان قیمت و در حد توان

مالی و فکری مدرسه استفاده شده و در

عین حال تأثیر فرهنگی بسیار عمیقی بر

افکار مخاطبان داشته است.

اکنون این موزه هر روز غنی‌تر و

بازرزش‌تر می‌شود.

۲. فراهم ساختن زمینه‌ی مساعد برای آشنایی دانش‌آموزان با آثار تاریخی و باستانی و نقاط دیدنی و حفظ ارزش‌های کشور

۳. توجه ویژه به دروس فارسی و علوم اجتماعی، به ویژه تاریخ

آموزشی مسئولیتی بس اساسی برعهده دارد، چون با روح و روان و جسم کودک و نوجوان سروکار دارد. بنابراین با چنین ویژگی‌هایی بود که به فکر راه‌اندازی موزه‌ی مدرسه افتادم.

مراحل اجرای طرح

برای رسیدن به اهداف بالا و با توجه به اهمیت طرح یکی از اقدامات انجام شده

اهداف طرح

۱. ایجاد محیطی بانشاط و پویا برای دانش‌آموزان، اولیا و معلمان



پیرمردانِ نوجوان

گردهمایی یاران دبستانی مدرسه‌ی شاهپور

محمود اردوخانی | عکاس: رضا بهرامی

نمی‌گذارد. بعضی با صدا و بعضی بی‌صدا می‌گیرند. معلم پیرشان می‌گوید: «گریه نکنید». او به برخی از دور با سلام اظهار محبت می‌کند و به آن‌ها که نزدیک‌ترند با لبخند و نوازش. در همین حال به یکی از شاگردانش که امروز خود معلم است، راه و روش تدریس و چگونه کلاس‌داری کردن و با دانش‌آموزان برخورد کردن را با جملاتی پر از مهر و محبت و تجربه آموزش می‌دهد. این معلم کسی نیست جز استاد حسین وحیدی. او متولد هشتم اسفند ۱۳۰۴ است. از این معلم فرهیخته خواستیم برای ما بگوید که چند سال در این دبستان قدیمی که امروز به دلیل بافت تاریخی‌اش به موزه تبدیل شده تدریس داشته است؟ پاسخ ایشان ما را متعجب می‌کند. با متانت می‌گوید: «ز سال ۱۳۳۱ به این مدرسه آمدم و امسال هفتادمین سالی است که تدریس می‌کنم». از او که مدرس ریاضی است، می‌خواهیم که درباره‌ی روش‌های تدریس آن روزها و امروز برایمان بگوید.

«... من همیشه به‌روز بودم. یکی از

چشم‌مانش اشک‌های زلال او را در خود می‌چرخاند، می‌گوید:

«من هرگز چهره‌های ملکوتی و مهربان شما را که با این خلوص نیست و با تمام وجود از معلم خود تجلیل می‌کنید، از یاد نمی‌برم. فقط از پیشگاه خداوند متعال برای شما خوبان و نیکان سلامت و سعادت را مسئلت می‌نمایم. عزیزانم، قسمت اعظم عمر من در راه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در آموزش و پرورش سپری شد. خوشحالم از اینکه ده‌ها شخصیت برجسته‌ی علمی و اخلاقی را به مملکت تحویل داده‌ام».

در گوشه‌ای دیگر مردانی پیر هم چون پروانه به دور یکی از معلمان خود می‌چرخیدند. به سراغ این جمع رفتیم. می‌خواهند دست استاد را ببوسند، اما او

دانش‌آموزان دبستان شاهپور، از جمله نعمت کدیری و هم‌کلاسی‌های دیگر تلاش کرده‌اند هم‌دوره‌های دبستانی خود را از سال ۷۷ تاکنون در این محل جمع و دیدارها را تازه کنند. اولین جمع‌هی همراه هر سال دانش‌آموزان ۷۵ تا ۸۰ ساله و معلمان ۸۵ تا ۹۰ ساله در محل دبستان قدیم خود گردهم می‌آیند و خاطره‌های قدیم را زنده می‌کنند.

همه هستند!

در بیرون مدرسه تعداد زیادی از دانش‌آموزان دبستانی دیروز و پیرمردهای امروز جمع شده‌اند. معلمی که سن‌وسالی از او گذشته است با صدایی لرزان و بغض‌آلود، در حالی که تنومند آن قدمت آن را نشان می‌دهد. در میان این چنارها ساختمان سفیدرنگی قرار دارد که عمر آن بسیار طولانی است. این بنا کاخی متعلق به دوره‌ی قاجار است که نام محمدشاه قاجار، فتحعلی‌شاه و ناصرالدین شاه را یدک می‌کشد. در سال ۱۳۱۶ شمسی میرزا علی‌اصغرخان حکمت، وزیر فرهنگ، این ساختمان و اراضی باقی‌مانده‌ی آن را برای مدرسه‌ی شاهپور خریداری کرد. از آن سال این ساختمان به دولت تعلق گرفت و ابتدا به مدرسه‌ی شاهپور تجریش و سپس به مؤسسات فرهنگی شمیران تبدیل شد. امروز دیگر دبستان و دبیرستان در آنجا نیست و بنا جزو مایملک میراث فرهنگی شده است.

اشاره در خیابان

و لیعصر (عج)

تهران، نرسیده به پل

تجریش، خیابان باغ‌فردوس

قرار دارد. باغی که چنارهای

تنومند آن قدمت آن را نشان

می‌دهد. در میان این چنارها ساختمان

سفیدرنگی قرار دارد که عمر آن بسیار طولانی

است. این بنا کاخی متعلق به دوره‌ی قاجار است

که نام محمدشاه قاجار، فتحعلی‌شاه و ناصرالدین شاه را

یدک می‌کشد. در سال ۱۳۱۶ شمسی میرزا علی‌اصغرخان

حکمت، وزیر فرهنگ، این ساختمان و اراضی باقی‌مانده‌ی آن

را برای مدرسه‌ی شاهپور خریداری کرد. از آن سال این ساختمان

به دولت تعلق گرفت و ابتدا به مدرسه‌ی شاهپور تجریش و سپس به

مؤسسات فرهنگی شمیران تبدیل شد. امروز دیگر دبستان و دبیرستان در آنجا

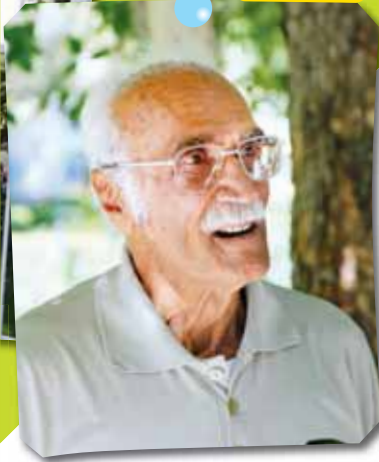
نیست و بنا جزو مایملک میراث فرهنگی شده است.

دانش‌آموزان دبستان شاهپور، از جمله نعمت کدیری و هم‌کلاسی‌های دیگر تلاش

کرده‌اند هم‌دوره‌های دبستانی خود را از سال ۷۷ تاکنون در این محل جمع و دیدارها را تازه

کنند. اولین جمع‌هی همراه هر سال دانش‌آموزان ۷۵ تا ۸۰ ساله و معلمان ۸۵ تا ۹۰ ساله در

محل دبستان قدیم خود گردهم می‌آیند و خاطره‌های قدیم را زنده می‌کنند.



دانش آموزانم از آمریکا آمده بود. می گفت: شما چند سال آمریکا بوده‌اید؟ چون مطالبی را که در آنجا درس می‌دهند، شما در کلاس‌ها می‌گفتید. هیچ وقت در سه کلاسی که در یک پایه بودند، مطالبم را یک شکل و تکراری مطرح نمی‌کردم».

پس قلعه!

یکی دیگر از معلمان مدرسه آقای سمندری است که از دوران کودکی در باغ فردوس بوده و ادبیات فارسی تدریس می‌کرده است. او می‌گوید اول خدمتش برای تدریس به پس قلعه در دل کوه فرستاده می‌شود تا در آنجا به دلیل قدیمی و مورد اعتماد بودنش دختران و پسران را برای مدرسه ثبت‌نام کند. او مردم را در قهوه‌خانه‌ی «مشت اصغر» جمع می‌کند و اسم بچه‌هایشان را برای کلاس اول مدرسه می‌نویسد. می‌پرسیم:

آقای سمندری، از شرکت در گردهمایی پیرمردان امروز و دبستانی‌های هفت یا هشت دهه‌ی گذشته چه احساسی دارید؟ می‌گوید: «احساس بسیار خوبی دارم. از اینکه خداوند سلامتی داده است تا بیایم اینجا و این عزیزان را ببینم، بهترین روحیه و نشاط را احساس می‌کنم».

از ویژگی‌های این اجتماع دیدن لحظاتی است که افراد رودرروی هم قرار می‌گیرند. می‌خندند. بغض می‌کنند، اشک می‌ریزند. دست معلمان و بزرگ‌ترها را می‌بوسند. گویی بار فراق دوستان سنگینی عجیبی بر دلشان داشته است و برای رسیدن ماه مهر امسال و سال‌های بعد لحظه‌شماری می‌کنند. دبستانی‌های هفتاد هشتاد ساله‌ای که بمانند همان روزهای هفت و هشت سالگی خود هستند. آن‌ها بازیگری نمی‌کنند. آن‌ها این نقش‌ها را زندگی می‌کنند.

خانم فرانک سالور از دانش‌آموزانی است که چهار سال در این دبستان قدیمی درس خوانده است. او می‌گوید:

«دبستان شاهپور یکی از اولین مدرسه‌های ایران است که دانش‌آموزان دختر و پسر داشت. به همین دلیل، محلی‌ها

کمتر به این

مدرسه می‌آمدند. کتاب‌های درس هم تا سال چهارم یکی بود. اما از آن سال کتاب‌های درسی دختران و پسران جدا می‌شد». او از خاطراتش می‌گوید: «آن موقع افراد سرشناس، شب‌های جمعه نشست پرورش افکار داشتند. دخترها و پسرهایی برای خواندن سرود انتخاب شده بودند که من و خواهرم چون دوقلو بودیم جلوی گروه می‌ایستادیم، با روپوش‌های یقه سفید و پاپیونی سفید به سر. بعد از سرود پیش‌برده بود و تئاتر هم برگزار می‌شد. من تئاتر مولیر دیدم. البته بعد از آنکه کارمان تمام می‌شد، چون بچه‌سال بودیم به ما می‌گفتند بروید خانه. اما ما شیطنت می‌کردیم و پشت درختان مخفی می‌شدیم و یواشکی تئاتر را تماشا می‌کردیم».

عباس نعمتی و برادرانش همگی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در این مدرسه گذرانده‌اند. او محل زمین والیبال و کلاس‌های درس، کتاب‌خانه و سالن نمایش را به ما نشان می‌دهد. از وی می‌خواهیم خاطره‌ای برایمان بگوید.

«بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ من کلاس سوم دبستان بودم. آن روزها همه چیز کوپنی بود، قند و شکر و چای و... یک روز موقع رفتن به مدرسه یک بسته کوپن روسی باطل شده پیدا کردم. به محض ورود به مدرسه به دفتر رفتم و بسته را تحویل آقای شهشهانی - که ایشان هم بنیان‌گذار مدرسه در شمیران بود - دادم. معمولاً زنگ آخر نیمکت می‌گذاشتند و دانش‌آموزان خاطی را تنبیه می‌کردند. اسم افراد را یکی یکی می‌خواندند و دلیل تنبیه آن‌ها را که مثلاً نارضایتی پدر و سایر موارد بود، اعلام



می‌کردند.

افراد را صدا کردند. آخرین نفر هم نام مرا خواندند. ترس و دلهره از فلک، سراسر وجودم را گرفت. «مگر من چه کرده‌ام؟» بچه‌ها یکی یکی تنبیه شدند تا اینکه نوبت من رسید. خیلی ترسیده بودم که یک مرتبه آقای قاسمی، ناظم مدرسه، گفت: «این‌ها یک بچه هستند» و در حالی که دست روی شانه من می‌گذاشت ادامه داد: «این هم یک بچه!»

«او این دسته‌ی کوپن را پیدا کرده و تحویل دفتر مدرسه داده است. می‌خواهیم او را تشویق کنیم» خلاصه یک کتاب سعدی به من جایزه دادند. آن ترس از فلک و دلهره و وحشت یکباره به تشویق تبدیل شد.

نعمت‌الله کدیری که از بنیان این گردهمایی است، می‌گوید: «از سال ۱۳۷۷ به این کار اقدام کرده‌ایم و هدف دیدار دوستان بوده است. ابتدا برنامه فقط برای همکلاسی‌ها بود. اما این دیدارها گسترش پیدا کرد و به هم‌مدرسه‌ای‌ها تبدیل شد». او می‌گوید: «سن‌ترین فرد شرکت‌کننده بیش از ۹۰ سال دارد».



فرانک سالور

مدرسه - موزه

کدیری در مورد چگونگی موزه شدن مدرسه می‌گوید: «وقتی مدرسه منتقل شد، مدت دو سال این محل خالی بود تا وزارت فرهنگ روی آن دست گذاشت و موزه شد؛ چون ساختمان آن مربوط به دوره‌ی قاجار است.»

بهرام وحیدی که از شاگردان قدیمی مدرسه است و از سال ۱۳۳۱ خود و برادرانش دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در این محل گذرانده‌اند، می‌گوید: «روزهای اول سال چون هوا خوب بود

کلاس‌ها در حیاط تشکیل می‌شدند. واقعاً دوران فوق‌العاده‌ای بود. الان که همدیگر را می‌بینیم، افراد را از چهره‌هایشان تشخیص نمی‌دهیم و حتماً باید اسم آن‌ها برده شود.»

بهرام وحیدی اکنون در خارج از کشور اقامت دارد و یکی از دلایل حضورش در ایران را شرکت در این گردهمایی ذکر می‌کند. از او درباره‌ی تأثیر حضور چنین اجتماعاتی می‌پرسیم، می‌گوید: «من از حضور در این جمع به اندازه‌ی یک سال روحیه می‌گیرم.»

محمد شمالی که فقط یک سال در این مدرسه درس خوانده است، از آن دوران خاطره‌ی تلخی دارد. می‌گوید: «مریض شدم و نتوانستم امتحان انشا بدهم. کسی هم به من نگفت که باید شهریورماه برای امتحان انشا بروم. نزدیک مهر برای ثبت‌نام به مدرسه آمدم. گفتند باید بروی همان کلاس سال قبل؛ چون امتحان انشا نداده‌ای. یک روز در سال که اینجا می‌آیم با دیدن همه دوستان آن روزها برای یک سال انرژی می‌گیرم.» نکته‌ی جالب توجه اینکه آقای محمد شمالی در حال حاضر در دانشگاه ادبیات تدریس می‌کند. استاد ادبیاتی که از انشا مردود شده است! این را که به او می‌گویم، می‌خندد تلخ اما خیلی زیبا و شیرین.

دکتر مهدی باذلی دوران ابتدایی و متوسطه را در این مدرسه گذرانده است. از او که متخصص علوم آزمایشگاهی است، می‌خواهیم خاطره‌ای از دوران مدرسه تعریف کند. می‌گوید: «همه‌ی آن روزها خاطره است و خوب. یک روز آخر وقت که نیمکت‌ها را می‌چیدند تا خاطیان را فلک کنند، نام مرا هم خواندند. وقتی همه تنبیه شدند، نوبت به من که رسید خودم را زدم به اینکه پایم خیلی درد می‌کند. خلاصه با نمایش دولا راه رفتن و پا را روی زمین کشیدن از وحشت فلک و تنبیه نجات پیدا کردم و بخشیده شدم. جلال آل‌احمد در متوسطه دبیر ما بود. می‌گفت سر کلاس من حاضر باشید یا غایب نمره‌ی ده را به

شما می‌دهم. اما اگر می‌خواهید ادبیات را بیاموزید، برای ده نمره‌ی دیگر سر کلاس حاضر شوید.»

در حیاط مدرسه پیرمردی که نامش ابوالقاسم البرزی است، روی پله‌ها ایستاده بود و از طریق همان بلندگوی دستی این اشعار را که یکی دیگر از این پیرمردها به نام محمدرضا عبادی سروده بود قرائت می‌کرد. گاهی هم بغض و اشک امانش را می‌گرفت.

مهر است و مهرانی دورانم آرزوست
آن کیف و کفش و زنگ دبستانم آرزوست

آن مبصر و مدیر و معلم به‌جای خود
فراش مهربان به از جانم آرزوست
زنگ حساب، هندسه، جغرافیا کجاست
هم طول و عرض کشور ایرانم آرزوست
یادش به‌خیر صحبت ریب و ریا نبود
آن عم‌جزء و خواندن قرآنم آرزوست
دنبال هم دویدن یاران کودکی
در کوچه‌های تنگ شمیرانم آرزوست
بار دگر برای فرار از کلاس درس
آن ترکه‌های خیس به دستانم آرزوست...

آسایش خیال و عبادی غریبه‌اند
دعوا و مشت و چاک گریبانم آرزوست
در آخرین لحظات، بیرون مدرسه آقای علی جعفری‌واحد را می‌بینیم که روی نیمکتی نشسته است. می‌گوید از اول ابتدایی تا پایان دوره‌ی متوسطه را در این مدرسه درس خوانده است. می‌گوید شاگرد آرام و ممتازی بوده است. از اول تا آخر تحصیلاتش. به وی گفتیم مگر آن روزها دانش‌آموزان معدل ده ممتاز بودند؟ خنده‌ای می‌کند، نه، واقعاً ممتاز بودم و آرام. او که قاضی بازنشسته است، در بین دو دوست بسیار قدیمی‌اش نشسته که یکی پزشک و دیگری سرهنگ بازنشسته است. آن‌ها نیز ممتاز بودن او را تأیید می‌کنند. گپ و گفتی و خنده‌هایی از ته دل و خداحافظی...

ما هم محل تجمع را ترک کردیم. در حالی که تمام روزها و لحظات دوران دبستان خود را در ذهن مرور می‌کردیم و حظی از درون می‌بردیم.



دلهم برای مجلات رشد تنگ می‌شود

تجربه‌های مدیر آموزگار روستایی در استفاده از مجلات رشد

علاقه به مجلات رشد - آن گونه که در ادامه گفته می‌شود - داستانی دارد. این مدیر مجتمعه به دست‌اندرکاران مجلات یک پیشنهاد ضمنی هم داده است: «خیلی دوست دارم آثار همکاران و دانش‌آموزان این مجتمع - که جزو دورافتاده‌ترین مدارس استان است - در مجلات رشد چاپ شود تا انگیزه‌ی آن‌ها را افزایش دهد... ما در برنامه‌های صبحگاه معمولاً از مطالب مجلات رشد استفاده می‌کنیم!»

مینایی هم‌چنین افزوده است که برای افزایش انگیزه‌ی مطالعه در دانش‌آموزان با احساس مسئولیتی که دارد، در تمام مدتی که مدیر بوده اشتراک مجلات دانش‌آموزی را برای تمام دانش‌آموزان به رایگان انجام داده است.

او ۴۰ سال دارد اما در این زمینه مثل آدم‌های بسیار باتجربه عمل کرده و با استفاده از سازوکار درخواست همیاری از خیران و علاقه‌مندان فرهنگ و علم موفق هم شده است. مطمئناً تهیه‌ی مجله از این راه برای ۲۴۱ دانش‌آموز روستایی کار ساده‌ای نیست.

مدیر - آموزگار زحمتکش مجتمع آموزشی شهید لشکری روستای سنقرآباد قره در جزین همدان در نامه‌ای که برای ما فرستاده، نوشته است: «خدا می‌داند با رسیدن روزهای پایانی ماه لحظه‌شماری می‌کنم تا مجلات رشد (به‌ویژه رشد آموزش ابتدایی) به دستم برسد. واقعاً دل‌م برای مجلات تنگ می‌شود.»

نام این همکار رضا مینایی است. او در قسمتی دیگر از نامه‌اش نوشته است که به دلایلی از تحصیل بازمانده بوده اما به لطف خداوند از طریق کلاس‌های شبانه و به کمک معلم‌های دل‌سوز به تحصیل ادامه داده و سپس معلمی را پیشه کرده است.

مینایی که مطالعه و علم‌آموزی را دوست دارد، ادامه داده است: «به جرئت می‌گویم در تمام این دو دهه که خدمت کرده‌ام، مشترک شخصی همه‌ی مجلات دانش‌آموزی و ماهنامه‌های رشد بوده‌ام و

زیستن

عادت بد

شلخته

نگاهی به ضرورت
پرورش مهارت‌های
اولیه‌ی زندگیمرضیه معین
آموزگار، نجف‌آباد

اعتماد به مدرسه ضامن موفقیت فرزند خود در طول سال تحصیلی هستند. این‌ها همان کودکانی هستند که سال‌ها در ناز و نعمت زیسته‌اند. خیلی از آن‌ها هنوز نمی‌توانند به‌طور مستقل غذا بخورند و کارهای روزمره‌ی خود را انجام دهند. اغلب آن‌ها در شش سال اول زندگی زیر نظارت مادر و پدر بوده‌اند و به واسطه‌ی تک‌فرزند بودن یا کم‌فرزندی مورد مراقبت شدید واقع شده‌اند.

شاید یکی از بزرگ‌ترین موانع پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سال‌های اولیه‌ی تحصیل این باشد که نمی‌توانند در مدرسه «زندگی» کنند. بارها شاهد دانش‌آموزانی بوده‌ایم که یک روز تمام از دست‌شویی مدرسه استفاده نمی‌کنند، تغذیه‌هایشان را نمی‌خورند و به محض به صدا در آمدن زنگ مدرسه با فشار ناشی از تحمل نیاز دست‌شویی، گرسنگی و اضطراب به منزل برمی‌گردند. حال مادری را تصور کنید که فرزند عزیزش ساعت یک بعدازظهر، رنگ پریده از راه می‌رسد. کیفش را به گوشه‌ای پرتاب می‌کند و به سرعت به طرف دست‌شویی می‌رود. وقتی مادر کیف کودک را واریسی می‌کند می‌بیند تمام وسایلی که با قیمت بالا برای او خریده، داخل کیفش روی هم ریخته‌اند و تغذیه‌اش نیز دست‌نخورده مانده است. این موضوع ماه‌ها ادامه پیدا می‌کند. این به‌هم ریختگی در بعضی از دانش‌آموزان برطرف می‌شود اما بی‌نظمی و ناتوانی از «زندگی در مدرسه» در برخی دیگر هرگز از بین نمی‌رود و به آرامی به عادت تبدیل می‌شود؛ عادت بد شلخته زیستن در مدرسه.

کلاس‌هایی که بعد از تعطیلی مدرسه به نظافت نیاز دارند، سبدهای وسایل گم‌شده‌ای که پر از مدادها، خودکارها و پاک‌کن‌های

اشاره

معمولاً چنین مطالبی را در شماره‌ی اول مجله دیده‌اید اما در این شماره چون به پایان سال تحصیلی رسیده‌ایم و فرض می‌کنیم که فرزندانمان داریم که باید با آن‌ها کار شود تا سه ماه دیگر به کلاس اول ابتدایی بروند؛ بنابراین، چنین محتوایی را در تبیین نوع برخورد و ایجاد مهارت‌های اولیه می‌آوریم تا به قولی بتوانیم برخی راهنمایی‌ها را زودتر ارائه کنیم و در ابتدای سال تحصیلی مسائل و مشکلات کمتری داشته باشیم.

زندگی در مدرسه

تصور کنید مادر شاغلی را که قرار است کودک شش-هفت ساله‌اش را در مدرسه‌ای دور از منزل رها کند و برود؛ جایی که دیگر دسترسی به کودک خود نخواهد داشت. مادر مرتباً از خودش می‌پرسد: آیا کودک من می‌تواند به‌موقع به دست‌شویی برود؟ اگر در اثر اضطراب رنگش پرید، معلمش متوجه می‌شود؟ آیا کودک من می‌تواند به‌موقع سوار سرویس شود؟ آیا راننده‌ی سرویس می‌تواند او را تا نزدیکی خانه‌ی مادر بزرگش هدایت کند؟ و... این اضطراب از مادرها به کودکان انتقال می‌یابد. در روزهای اول سال تحصیلی این چهره‌ها را زیاد می‌بینیم: مادران مضطرب، پدران مستأصل و کودکانی که تنها چیزی که در دل‌هایشان یافت نمی‌شود شوق یادگیری است؛ همان چیزی که برای ادامه‌ی راه مورد نیاز است (البته شاید تعمیم دادن این موضوع به همه کمی بی‌انصافی باشد و مطمئناً هستند مادرانی که با پرورش صحیح فرزندان و دادن استقلال کافی و از طرفی

ریز و درشت هستند و خوراکی‌هایی که توی کیف‌ها می‌مانند و کپک می‌زنند و دور ریخته می‌شوند، همه گواه بر ناتوانی دانش‌آموزان حتی در سنین بالاتر در صحیح زیستن در مدرسه است. بسیاری از دانش‌آموزان در انضباط در زمان هم دچار مشکل‌اند. زنگ‌های استراحت را به بازی و شوخی‌های دوستانه می‌گذرانند و ساعت‌های درس را به اجازة گرفتن‌های مکرر و خروج‌های بی‌موقع. این بی‌انضباطی‌ها گاهی حتی به دوره‌ی بزرگ‌سالی هم کشیده می‌شود. گزاره نیست اگر بگوییم بسیاری از عادت‌های صحیح یا ناصحیح آموزشی‌های دانش‌آموزان در سال‌های اولیه‌ی دوره‌ی ابتدایی پرورش پیدا می‌کنند. امروزه با همه‌گیر شدن نسبی شرکت دانش‌آموزان در دوره‌ی پیش‌دبستانی و غیررسمی و غیراجباری بودن فعالیت‌ها در این دوره شاید بهترین فرصت برای آموزش «چگونه زیستن» در مدرسه فراهم آمده است؛ موقعیتی که در سال‌های بعد به دلیل اجباری بودن محتواهای آموزشی و فشرده بودن برنامه‌ی درسی کمتر دست بدهد.

مروجان نظم و ترتیب

کودکان تازه‌وارد دبستان، به آموزش نظم و ترتیب در قالب‌های متفاوت نیاز دارند. آموزگاران به این نکته واقف‌اند که کودکان در آن سن معنی نظم و ترتیب را گاهی اصلاً «نمی‌دانند». آن‌ها نیاز دارند که تمام نکات نظم و ترتیب را به صورت ریز و عملی یاد بگیرند اما این آموزش نباید به صورت نصیحت و اکتفا به یک روش خاص باشد بلکه با بازی، قصه، عملکرد، تشویق و تقویت رفتارهای مثبت می‌توان نظم را به کودکان آموخت. پایش طرح‌ها و استمرار و الزام در رعایت نظم، حتی در موارد کوچک، پایه‌گذار عادت‌های صحیح در کودکان است. از طرفی معلمان باید بدانند که الگوی نوآموزان هستند. بچه‌ها در این سن شاید نتوانند بخوانند اما بسیاری از آن‌ها روزهای هفته را می‌شناسند و برای تک‌تک روزها برنامه‌ریزی کرده‌اند. مثلاً می‌دانند که روز سه‌شنبه قرار است بعد از مدرسه به خانه‌ی دایی بروند یا روز پنجشنبه همان روزی است که فردایش تعطیل است. اگر بنا به دلیلی قرار است برنامه‌های روزانه عوض شوند بهتر است دلایل به‌صورت واضح و قاطع برای آن‌ها توضیح داده شود و گرنه طی چند دوره عدم رعایت برنامه‌ی کلاسی، نوآموزان به سرعت برنامه‌ی معلم را در ذهن خود غیرقابل استناد ترسیم می‌کنند و الگویی را که از یک آموزگار برنامه‌دار و منضبط داشته‌اند، در هم می‌شکنند.

مدیریت تغذیه و دست‌شویی

در مورد استفاده از تغذیه و دست‌شویی نیز نوآموزان در سال‌های اول حضور در مدرسه به آموزش نیاز دارند. مربی یا معلم می‌تواند با ارائه‌ی یک برنامه‌ی دقیق تغذیه‌ای و پایش آن کنترل تغذیه‌ی کودکان را در دست بگیرد. این کنترل به معنی لقمه‌لقمه کردن مواد غذایی و گذاشتن آن در دهان بچه‌ها نیست. برای مثال، اگر قرار است دانش‌آموزان در روز یک وعده میوه و یک وعده لقمه بخورند، مربی

باید این مسئله را هر روز یادآوری کند. مثلاً ساعت نه صبح وقت خوردن تغذیه است. خوردن تغذیه در دوره‌ی پیش‌دبستانی با دوره‌ی ابتدایی کمی فرق دارد. در دوره‌ی ابتدایی، در همه‌ی زنگ‌های کلاس برنامه‌ها اجباری هستند و فشرده کردن آن‌ها در اکثر موارد غیرممکن است؛ چون امکان دارد به روند آموزشی لطمه وارد کند ولی در دوره‌ی پیش‌دبستانی مربی این آزادی عمل را دارد که در بین فعالیت‌های کلاسی، زمان‌هایی را به آموزش آداب و مدیریت تغذیه‌ها اختصاص دهد. بحث آداب غذا خوردن و مدیریت تغذیه دو مقوله‌ی جدا از هم‌اند. آداب غذا خوردن و رعایت اصول آن موضوعی جدا و مدیریت تغذیه نیز امری جداگانه است. برای مثال، باید به نوآموزان یاد داده شود که اگر در منزل صبحانه نخورده‌اند، در وعده‌ی اول غذایی باید لقمه‌ی خود را مصرف کنند یا مثلاً مصرف شیر سرد و نان و پنیر و خیار به‌طور هم‌زمان، آن هم در فصل زمستان، باعث دل‌درد می‌شود یا تخم‌مرغ پخته باید در زمان کوتاهی مصرف شود و نگهداری آن به مدت طولانی درست نیست. شاید خرده گرفته شود که این‌گونه آموزش‌ها برای نوآموزان کمی زود است، ولی این‌گونه نکات در سال‌های بعد به مرور به عادت‌های بسیار مفید نه تنها در مدرسه بلکه در کل زندگی فرد تبدیل می‌شوند. در مورد دست‌شویی رفتن نیز نکات لازم باید به‌طور کامل آموزش داده شوند. چرا که شرایط استفاده از سرویس‌های بهداشتی در خانه و مدرسه یا مرکز پیش‌دبستانی کاملاً متفاوت است.

مدیریت وسایل

اغلب دانش‌آموزانی که به کلاس اول دبستان گام می‌گذارند، یک ماه اول را به کلنجار رفتن با چگونگی مدیریت وسایل می‌گذرانند. برنامه‌ی بسیار فشرده‌ی کلاس اول دبستان، به‌ویژه در یک ماه اول، این فرصت را از آموزگار می‌گیرد که بتواند مدیریت وسایل را به دانش‌آموز بیاموزد (هر چند نباید از نقش معلمان کلاس اول نیز در این مورد چشم‌پوشی کرد). مربیان دوره‌ی پیش‌دبستانی می‌توانند با استفاده از روش‌های بسیار متنوع، مدیریت وسایل از قبیل مدیریت لباس‌ها، کفش‌ها، جوراب‌ها و لوازم التحریر را آموزش دهند. دانش‌آموزان پیش‌دبستانی باید یاد گرفته باشند که چه موقع کاپشن و کلاه بپوشند، چه موقع از دستمال‌های توی کیفشان استفاده کنند یا چطور از وسایلشان مراقبت کنند. آن‌ها باید وسایل خود را به راحتی از وسایل دیگران تشخیص بدهند. برخی از مربیان پیش‌دبستانی، پاک‌کن و تراش نوآموزان را در اختیار می‌گیرند و در مواقع ضروری مداد آن‌ها را می‌تراشند و اشکالات نقاشی آن‌ها را پاک می‌کنند. به جای این کار بهتر است تراش و پاک‌کن در اختیار خود نوآموز قرار بگیرد و در عوض به او آموزش داده شود که چه موقع و چطور از آن‌ها استفاده کند. البته ممکن است آموزش این موضوعات کمی زمان‌بر باشد و نوآموزان در مراحل اولیه در این کار دچار اشتباهاتی شوند ولی یادگیری‌ای که در این سن و از این طریق حاصل می‌شود، ارزش صرف این زمان و هزینه را دارد.

پست جدید خبرنگار آموزگار

آموزگاری که دوربین را از خود دور نمی‌کند

معصومه حبیب پور
عکس: مریم فرحی

اشاره

با حرفه‌اش در آمیخته است؛ آن هم بی هیچ ادعایی. روزی در سطر نهم «یادداشت سردبیر» مجله‌ی شماره‌ی هشت سال ۹۳ (پی‌درپی ۱۴۱) با عنوان «چه می‌کنند این معلم‌ها» گفته بودیم که این آموزگار هرگاه گذارش به تهران می‌افتد، سری به دفتر مجله می‌زند و دیده و شنیده‌ها و تجارب خود در مدرسه و کلاس را با ما در میان می‌گذارد و اگر بتوانیم با وی گفت‌وگویی ترتیب خواهیم داد. خلاصه اینکه این آموزگار، یعنی زهرا ذکر باپور، از بویین‌زهرا

صاحب‌نظران رسانه معتقدند که دوربین یکی از مهم‌ترین ابزارهای روزنامه‌نگاری است و عکس به‌خاطر افزایش جذابیت بصری از مهم‌ترین مواد مورد نیاز رسانه‌هاست. ژورنالیست، خبرنگار یا روزنامه‌نویس کسی است که در صحنه‌ی رویدادها حاضر می‌شود و از محل وقوع خبر گزارش تهیه و ارسال می‌کند. روزنامه‌نویس‌ها خبرهای خود را از راه‌های متفاوتی تهیه می‌کنند.

البته منظور این نوشته ارائه‌ی تعریف «علم روزنامه‌نگاری» نیست. هدف، صحبت کردن با آموزگاری است که مانند روزنامه‌نگاران حرفه‌ای همیشه دوربین به همراه دارد و از لحظات و فرایندهای یاددهی - یادگیری تصویر برمی‌دارد و آن را با هنر تدریس درمی‌آمیزد. تصویربردار یا عکاس نیز در روزنامه‌نگاری وظیفه‌ی ثبت و ضبط مصور یک رویداد خبری را برعهده دارد. می‌بینید که به همین راحتی و فقط با علاقه و خلاقیت می‌توان آموزگاری بود که روزنامه‌نگاری را



آمد و ما گفت‌وگویی با وی داشتیم که آن را در این شماره‌ی مجله درج می‌کنیم. طبق معمول او دوربینی نیز همراه داشت.



خانم ذکریا پور، به‌عنوان یک آموزگار چرا و از چه زمانی به فکر استفاده از دوربین عکاسی افتادید؟

از زمانی که گوشی همراه خریدم، همیشه دوست داشتم از دانش‌آموزان و فعالیت‌های مدرسه‌ی خودم عکس یا فیلم بگیرم ولی چون گوشی‌ام ظرفیت چندانی نداشت، با مشکل مواجه می‌شدم. بنابراین، از حدود هشت سال قبل تصمیم گرفتم دوربین بخرم و آن را یار و همراه همیشگی خود بدانم. دوستی که با آن می‌توان خاطرات تلخ و شیرین داشت. این دوست از آن زمان حتی لحظه‌ای از من جدا نشده است.

من معمولاً علاوه بر فعالیت‌های کلاسی و آموزشی، فعالیت‌های پرورشی و فوق‌برنامه‌ی زیادی در طول سال تحصیلی انجام می‌دهم. گاه مستنداتی را همراه گزارش برای اداره می‌فرستم و یا مواردی را که لازم است اولیا یا مدیر مدرسه بدانند مستند می‌کنم. حتی گاهی در پایان سال از فعالیت‌های بچه‌ها، از آموزشی و پرورشی گرفته تا تفریحات و

درمی‌آورم و به‌عنوان یادگاری آن سال تحصیلی به همه‌ی دانش‌آموزان هدیه می‌کنم.

عکس‌العمل دانش‌آموزان یا همکاران مدرسه در این زمینه چیست؟

چون دانش‌آموزان می‌دانند که بیشتر کارها و فعالیت‌های آن‌ها به‌طور مستمر با دوربین ثبت و ضبط می‌شود، تشویق می‌گردند و کارهای خوبشان روزبه‌روز افزایش می‌یابد. آن‌ها خوشحال‌اند که با وجود این مستندات حق کسی ضایع نمی‌شود. همچنین آن‌ها هم مثل من یاد گرفته‌اند که وقتی فعالیت یا برنامه‌ای دارند، می‌توانند با این دوربین عکاسی کنند. شاید برای همکارانم روشن باشد که من چقدر به کار بچه‌ها و مدرسه اهمیت می‌دهم. آن‌ها دوربین را سندی محکم برای مستندات و فعالیت‌های من می‌دانند.

معمولاً از کجا و چه چیزهایی بیشتر عکس می‌گیرید؟

معمولاً بیشتر از فعالیت‌های آموزشی و پرورشی

مدرسه ممکن است اتفاق بیفتد، عکس می‌گیرم.

اگر خاطره‌ای از این کار دارید بیان کنید.

به‌نظر من همه‌ی این چند سالی که عکاسی کرده‌ام و هزاران عکسی که از این سال‌ها به یادگار مانده است، همگی خاطره‌اند. چه خاطره‌ای بهتر از اینکه وقتی صفحه‌ی رایانه‌ام را باز می‌کنم، چهره‌های پاک و معصوم دخترانی را می‌بینم که به من خیره شده‌اند و من تمام خاطرات روزهای گذشته‌ی آن‌ها را به یاد می‌آورم. این خاطرات گاهی لیخند و گاهی هم اشک به همراه دارند. شاید پرسید چرا اشک! چون هنوز هم در سراسر ایران بزرگ، دخترانی هستند که در سنین پایین - حتی کلاس چهارم - در حالی که هنوز بازی‌های کودکانه‌ی خود را یاد نگرفته‌اند، باید آن‌ها را فراموش کنند و تسلیم خواسته‌های پدر و مادر یا پدربزرگ شوند و به نامزدی کسانی درآیند که شاید بیش از ده سال با آن‌ها تفاوت سنی دارند. من به‌عنوان معلم هرروز در کلاس چنین دخترانی حاضر می‌شوم ولی نمی‌توانم کاری برایشان انجام دهم.

پی‌نوشت

۱. کتاب «سیر تحول و تکامل ژورنالیسم» علی‌اکبر عبدالرشیدی، انتشارات سیمای شرق، تهران، ۱۳۹۲.



دانش‌آموزان، مناسبت‌های مختلف یا اردوها و بازدیدهای داخل شهری و یا از جریان آزمایش‌ها در آزمایشگاه و یا جلساتی که اولیا به آن‌ها دعوت می‌شوند و یا هر چیز جالب و پیش‌بینی نشده‌ای که در

مسابقات و اردوها عکس می‌گیرم. جالب‌تر از همه روزی است که آن‌ها در کلاس آشپزی می‌کنند و دست‌پخت‌های یکدیگر را می‌خورند. من از همه‌ی این‌ها عکس می‌گیرم. بعد آن را به‌صورت (سی‌دی)

آموزش مهارت خواندن قبل از دبستان؛

محمدحسن بهروزیان

اشاره

مهارت خواندن فرایندی پیچیده است که مراحل گوناگونی دارد. توانایی خواندن زمانی به شکل واقعی و علمی ایجاد می‌شود که این مراحل به ترتیب و با رعایت فاصله‌ی زمانی خاص انجام پذیرند. از طرفی، شروع مراحل خواندن نیز در هر زمانی از سن کودک جایز نیست. به‌راستی خواندن شامل چه مراحل است؟ با مطالعه‌ی این مقاله به پاسخ‌ها و راه‌های ارائه شده فکر کنید و در صورت امکان آن‌ها را تجربه کنید.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات آوایی، اطلاعات ترسیمی، اطلاعات معنایی، سن شروع خواندن

کاهش مجهولات

خواندن مهارتی است که معمولاً آن را عادی می‌شماریم ولی در واقع فرایندی پیچیده و عالی است که توانایی‌های بسیار متفاوتی می‌طلبد.^۱ «فرانک اسمیت» خواندن را روش کاهش مجهولات می‌داند و برای آن چهار مرحله قائل است: «اطلاعات آوایی، اطلاعات ترسیمی، اطلاعات ترکیبی و اطلاعات معنایی».^۲

به‌نظر «گودمن» مشکلات خواندن به ندرت در یک سطح رخ می‌دهد و ممکن است در هر چهار مرحله پیش آید.

خواندن مستلزم درک معنی از مطالب نوشتاری است. بنابراین، کودکان زمانی قادر به خواندن خواهند شد که بتوانند بین حرف‌ها و صداهای مربوط رابطه برقرار کنند و از طریق ترکیب آن‌ها به شناختن کلمه و سپس جمله نایل شوند و به معنی و مفهوم آن پی ببرند.

در صورتی که یادگیری حروف یا صدا و یا کلمه براساس عادت و یا شرطی شدن انجام گیرد، یقیناً موفقیتی در خواندن به دنبال نخواهد داشت. یکی از مهم‌ترین فرایندهای شناختی ادراک است که فراتر از احساس قرار می‌گیرد.

درک یک محرک از محیط زمانی میسر است که فرد بتواند معنایی را بدان نسبت دهد. تفاوت بین احساس و ادراک شبیه تفاوت بین دیدن

چیزی و شناختن آن است. قبل از آنکه فرد بتواند معنای محرکی را تشخیص دهد، چند فرایند شناختی باید انجام پذیرد. هر یک از این فرایندهای شناختی زمان مناسب خود را می‌طلبد؛ بنابراین، ادراک امری آبی نیست.

خواندن هم فرایندی شناختی است که رعایت ترتیب مراحل آن امری الزامی است. کسانی که فرزندان خردسال خود را از طریق فلش‌کارت‌های آموزشی وادار به آموختن زودهنگام خواندن کلمات به شیوه‌ی طوطی‌وار می‌کنند، کار چندان درستی انجام نمی‌دهند.

کودکانی که خواندن را با این شیوه آموزش دیده‌اند، به‌ندرت آنچه را روی هر کارت می‌بینند به خاطر می‌سپارند. چون حروف سازنده‌ی آن کلمات را نمی‌شناسند. به عبارت دیگر، چیزی را که از طریق حواس دیده و تلفظ نام آن را شنیده‌اند اگرچه بتوانند بشناسند و بگویند، ولی چون آن را درک نکرده‌اند یادگیری صورت نگرفته است.

این کودکان حتی اگر از نظر هوشی نسبت به سایر کودکان برتر باشند، با این کار ناآگاهانه‌ی مربیان یا والدین برتری هوشی خود را از دست می‌دهند.

اگر بپذیریم که خواندن مهارتی چندمرحله‌ای است، برای ایجاد این مهارت لازم است این مراحل را به ترتیب رعایت کنیم تا به اهداف اصلی خواندن دست یابیم. بنابراین، با آگاهی از مراحل یادشده و انجام صحیح آن‌ها باید خواندن را به کودک خود بیاموزیم.

کتاب فارسی کلاس اول دبستان براساس مراحل خواندن به‌منظور دستیابی به اهداف یادشده تهیه و تنظیم گردیده است. این مراحل به شرح زیرند.

۱. مرحله‌ی صوت‌آموزی (آواشناسی)

در این مرحله شرایطی ایجاد می‌کنیم که کودک بتواند ۲۹ صدای زبان فارسی را که شامل ۲۳ صوت صامت و شش صوت مصوت است، در آغاز یا پایان کلمات ابتدا با گوش تشخیص دهد. سپس آن صدا را به درستی تلفظ کند و در نهایت، کلمه‌ای هم آغاز یا هم پایان آن کلمه بگوید. بنابراین، مرحله‌ی صوت‌آموزی خود شامل سه مرحله است:

۴. مرحله‌ی اطلاعات معنایی

به یقین مراحل خواندن را باید با کلماتی آغاز کرد که اولاً در گنجینه‌ی لغات ادراکی و ثانیاً در زبان مادری کودک هستند نه با کلمات دور از ذهن و مشکل و یا حتی غیر از زبان مادری. بعد از پیدا کردن مهارت‌های صوت‌آموزی، خواندن حروف در کلمات آشنا، و آشنایی با آن‌ها، کودک باید بتواند با تسلطی که در آن کلمات پیدا کرده است با آن‌ها جمله‌های معنادار بسازد. در غیر این صورت، یادگیری مهارت خواندن به‌درستی انجام نگرفته است.

معمولاً کودکان تا حدود پنج سالگی آمادگی لازم برای دریافت مهارت‌های یادشده را هنوز کسب نکرده‌اند. بنابراین، نباید تا قبل از سن دبستان آموزش مهارت خواندن را آغاز کرد. در غیر این صورت، میل به خواندن در آن‌ها کاهش می‌یابد، احساس سرخوردگی می‌کنند و در زمان پیش‌بینی شده پیشرفت لازم را نخواهند داشت.

بین رشد زبانی و مهارت خواندن پیوند محکمی وجود دارد. پس کودکان پیش از خواندن باید به سطح خوبی از شناخت و کاربرد واژگان رسیده باشند. کودکانی که خوب حرف می‌زنند، خوب هم می‌خوانند و کودکانی که خوب می‌خوانند، خوب هم می‌نویسند. پس باید وقتی را به حرف زدن با آن‌ها اختصاص دهیم و ترغیبشان کنیم که اظهار نظر کنند، سؤال کنند و تصمیم بگیرند.

سعی نکنید زبان گفت‌وگوی خود را با کودک ساده کنید بلکه هرگاه او تمایل نشان داد، کلمات جدید را برایش معنی کنید و توضیح دهید. از او بخواهید با صدای اول و یا آخر کلمات، کلمه‌های دیگری بسازد و یا هم‌معنی یا متضاد آن کلمات را بگوید.

در خانواده‌های کوچک شرایط هم‌صحبتی با کودکان و بزرگسالان را مهیا کنید.

کودک را با تصحیح کلماتش، ایراد گرفتن به نحوه‌ی اظهار نظر کردنش یا با جلوگیری از حرف زدنش دل سرد نکنید.^۲

تماشای تلویزیون به رشد زبانی کودک کمک می‌کند؛ مشروط بر اینکه خود همراه کودک تلویزیون ببینید و دربارهِ آنچه دیده‌اید با هم صحبت کنید.

اگر کودک شما به تنهایی به تماشای تلویزیون بپردازد، عادت می‌کند که فقط نیمی از توجه خود را به آنچه می‌بیند یا می‌شنود معطوف سازد. کودک برای اینکه حرف بزند باید موضوعی داشته باشد. بنابراین، سعی کنید موضوع‌هایی برای حرف زدن کودک خود پیدا کنید، مانند:
۱. به گردش رفتن، ۲. بازی کردن با اسباب‌بازی، ۳. مسابقه دادن، ۴. چیز ساختن.

مرحله‌ی اول: صدا را که در آغاز یا پایان کلمه‌ای شنیده است، با گوش خود به‌درستی تشخیص دهد.

مرحله‌ی دوم: صدایی را که با گوش تشخیص داده است، به‌درستی و بدون اشکال به زبان آورد.

مرحله‌ی سوم: کلمه‌ای دیگر هم آغاز یا هم پایان با آن کلمه بگوید. کودکی که صدای (ش) را به‌جای صدای (س) تلفظ می‌کند، مثلاً به‌جای کلمه‌ی «سبب» می‌گوید «شبد» و یا صدای «ک» را «چ» تلفظ می‌کند، مثلاً کلمه‌ی «کیف» را «چیف» تلفظ می‌کند، در تلفظ دو صدای «س» و «ک» مشکل دارد و باید در مرحله‌ی صوت‌آموزی (مرحله‌ی اول خواندن) این مشکل برطرف شود.

چنانچه مرحله‌ی خواندن یا نوشتن و یا آشنایی با حروف فارسی بدون مرحله‌ی صوت‌آموزی آغاز شود، کودک در مراحل بعدی به مشکلات عدیده‌ای برمی‌خورد. لذا طی کردن مرحله‌ی صوت‌آموزی پیش از هر مرحله‌ی دیگری لازم است.

۲. مرحله‌ی خواندن کلمه

مرحله‌ی آموزش مهارت خواندن تلاشی است که در جریان آن فراگیرنده تشویق می‌شود که با شکل کلی کلمه از طریق روش تداعی (مجاورت با تصویر) آشنا شود و آن کلمه را بخواند.

برای مثال، شکل نوشتاری کلمه‌ی کتاب را به همراه تصویری از یک کتاب به کودک نشان می‌دهند تا او بتواند بین شکل نوشتاری و تصویر آن رابطه برقرار کند و آن کلمه را راحت‌تر به‌خاطر بسپارد. پس از چند بار که کودک توانست شکل نوشتاری کلمه را با استفاده از تصویر آن بخواند، تصویر کلمه حذف می‌شود تا او کلمه را بدون استفاده از تصویر بخواند. همان‌طور که گفته شد، مرحله‌ی صوت‌آموزی قبل از مرحله‌ی خواندن باید آموزش داده شود. در غیر این صورت، فراگیرنده نمی‌تواند کلمات را به‌درستی تلفظ کند.

یکی از شایع‌ترین اختلالات دوره‌ی دبستان کندخوانی است که مهم‌ترین علت آن حرف به حرف خواندن کلمات می‌باشد. لذا برای آنکه فراگیرنده در ابتدای مرحله‌ی خواندن کلمات را حرف به حرف نخواند، نباید قبل از خواندن کلمه به شکل کلی با حروف آشنا باشد. بنابراین، آشنایی با حروف قبل از خواندن امری غیرضروری و حتی زیان‌آور است.

۳. مرحله‌ی آشنایی با حروف سازنده‌ی کلمات

بعد از مرحله‌ی صوت‌آموزی و مرحله‌ی خواندن کلمه به روش کلی، فراگیرنده بلافاصله با حروف سازنده‌ی کلمه با روش تحلیلی آشنا می‌شود. چون بعد از پیدا کردن توانایی مهارت خواندن، مهارت نوشتن مکمل مراحل قبلی است. رعایت ترتیب مراحل یادشده که باعث تثبیت توانایی خواندن واقعی می‌شود. تفکیک و یا جابه‌جایی در هر یک از این مراحل به امر خواندن خلل وارد می‌کند. آشنایی با حروف فارسی قبل از خواندن باعث کندخوانی در کودکان و آشنایی با مهارت خواندن قبل از صوت‌آموزی باعث ایجاد مشکلات تلفظ نادرست واژگان در کودکان می‌شود.

پی‌نوشت

۱. جانایگلاور و راجراج. برونینک- روان‌شناسی تربیتی - مترجم: علی‌نقی خرازی - تهران مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، صفحات ۱۷۲-۱۷۱.

2. F.Smith(1971)

۳. علی‌محمد نامعی - روان‌شناسی آموزش خواندن - انتشارات آستان قدس رضوی - چاپ پنجم ص - ۷۴.

اقدام پژوهی با سهیل



فاطمه زمانخانی از آموزگاران منطقه‌ی ۱۴ تهران است. او سال گذشته با انجام دادن یک اقدام پژوهی در درس فارسی و املا پایه‌ی سوم دبستان توانست یکی از دانش‌آموزان خود به نام سهیل را به جایی برساند که بتواند در مسابقه‌ی خاطره‌نویسی شهرداری تهران در میان ۸۰۰ هزار شرکت‌کننده نفر دوم شود.

زمانخانی که در دبستان شیخ انصاری تدریس می‌کند، درباره‌ی اقدام پژوهی خود می‌گوید: «سهیل نمونه‌ی خوبی بود و من می‌دانستم با مشارکت او به هدف‌هایمان می‌رسیم».

او می‌افزاید: «می‌دیدم سهیل تلاش می‌کند اما از آن نتیجه‌ای نمی‌گیرد. همین باعث شد که برای بالا بردن سطح یادگیری او در درس‌های املا و فارسی به روش‌های زیر اقدام کنم.

۱. جذاب و با نشاط کردن زنگ فارسی و املا و برقراری رابطه‌ی

عاطفی میان آموزگار و دانش‌آموز

۲. دادن تکالیف بسیار کم به

دانش‌آموزان و تأکید بر کیفیت در

انجام دادن تکالیف. (سهیل این

تکالیف را به صورت دو رنگ و با دقت

زیاد می‌نوشت و مورد تشویق قرار

می‌گرفت)

۳. دادن جرئت، اعتماد به نفس و

فرصت به دانش‌آموزان برای خواندن

و حرف زدن

۴. تقویت حافظه‌ی دیداری آن‌ها

۵. ایجاد رقابت سالم برای روخوانی

به صورت گوینده‌ی رادیو

۶. ارتباط مستمر و روزانه با اولیا از

طریق دفتر ارتباط

نتیجه

در اواخر سال تحصیلی با توجه به فعالیت‌های انجام شده همه‌ی دانش‌آموزان و به‌ویژه سهیل پیشرفت چشمگیری در درس املا و فارسی داشتند. بعد از اجرای راهکارهای انتخاب شده:

۱. سهیل در خواندن و نوشتن مهارت کافی به دست آورد. به طوری

که همیشه داوطلب روخوانی و نوشتن املا روی تابلو بود.

۲. اشکالات املائی‌اش به شکل چشم‌گیری برطرف شد.

۳. در فعالیت‌ها و املاهای گروهی شرکت مؤثری داشت.

۴. در مسابقه‌ی روخوانی فارسی به صورت گوینده‌ی رادیو بسیار

فعال بود.

۶. خوش خطی و تمیزنویسی سهیل باعث تعجب همکاران،

دانش‌آموزان و اولیای سهیل شد.

۷. با تقویت مهارت خوانداری و نوشتاری سهیل، روحیه‌ی

اعتماد به نفس و پنداره‌ی مثبتش بسیار افزایش یافت؛ در نتیجه

در فراخوان خاطره‌نویسی از سوی شهرداری تهران شرکت کرد و

توانست خاطره‌های بنویسد و از بین هزاران نفر مقام دوم را کسب کند.

جالب این است که نفر اول یک دانشجو بود.»

مهدی اشتری
ماهینی از شاگردان
فاطمه زمانخانی
این نقاشی را
کشیده است.
نقاشی او خوب بوده
و با نظر آموزگار،
معلم یار هنر کلاس
شده است.



لواشک آلو

من و دیگر آموزگاران برای شادابی محیط آموزشی و الگوی عملی بودن در نظم و پاکیزگی سعی می‌کنیم. مانتوهای مناسب در رنگ‌های روشن یا شاد بپوشیم. دانش‌آموزان به‌ویژه دختران به این موضوع توجه خاصی دارند. یکی از روزها که مانتویی زرشکی‌رنگ پوشیده بودم، بچه‌ها دورم جمع شدند و علاوه بر تبریک از روی علاقه و به شوخی گفتند: «اجازه خانم، شما شبیه لواشک آلو شده‌اید و ما می‌خواهیم شما را بخوریم. اجازه هست؟» و زدند زیر خنده.



فرخنده تقی‌زاده

دبستان شهید مهدی رشتی، ساری

من شمع شما یم

روزی معلم پایه‌ی سوم نیامده بود و من که معاون آموزشی مدرسه بودم، به کلاس رفتم. بچه‌ها گفتند: امروز تولد یکی از بچه‌هاست و کیک آورده‌ایم. اجازه می‌دهید؟ گفتیم اول شمع بگذارید و فوت کنید. بچه‌ها گفتند: شمع نداریم. گفتیم اینکه می‌گویند معلمان مانند شمع می‌سوزند و نور می‌دهند برای همین‌جا خوب است. بنابراین من می‌شوم شمع و شما مرا فوت کنید. با این شوخی همه شاد شدند و خاطره‌ای شیرین برای دانش‌آموزان به‌جا ماند.





تابستان تعطیل نیست

اصغر محمدی

آموزگار دبستان شاهد دکتر شهر یاری
ناحیه ۲ زنجان

که اگر لباس یا بدنشان به یکی از نجاسات (خون، ادرار، مدفوع) آلوده شد، چگونه آن را تمیز کنند و چند بار آب بکشند تا پاک شود.

زنگ آخر فقط به آشنیزی اختصاص داشت. این برنامه را بچه‌ها بیشتر از همه دوست داشتند و بی‌صبرانه منتظر آن بودند. هم مراحل پخت غذا را تماشا می‌کردند و هم در آن مشارکت داشتند. آن‌ها کارهایی مثل شکستن تخم‌مرغ، پاک کردن سبزی، پوست‌گیری سیب‌زمینی و بادمجان و هم زدن غذا را انجام می‌دادند.

علاوه بر این‌ها، ما هم رعایت کلیه‌ی موارد ایمنی را آموزش می‌دادیم.

در آخر، بچه‌ها دست‌پخت خود را با اشتباهی تمام می‌خوردند و خوشحال و خندان خداحافظی می‌کردند و می‌رفتند. در طول برگزاری این کلاس‌ها طرز پختن چند نوع غذای ساده را به بچه‌ها آموزش دادیم. از قبیل نیمرو با فلفل دلمه، املت با سیر، ماکارونی با سویا، کوکوی سیب‌زمینی، کوکوی سبزی، کوکوی بادمجان و درست کردن آب‌طالبی.

تجربه‌ی تابستانی

تابستان امسال ضمن این تجربه‌ی شیرین دریافتیم جای این قبیل آموزش‌ها در خانواده‌ها خالی است. می‌دیدم که بعضی بچه‌ها از شکستن یک تخم‌مرغ هم عاجزند. بچه‌هایی که بازی‌های سخت کامپیوتری را با مهارت انجام می‌دهند، نمی‌توانند یک سیب‌زمینی را پوست بگیرند. یک‌بار که به بچه‌ها گفتم سوزن‌هایتان را نخ کنید، یکی از آن‌ها مات و مبهوت نگاهم کرد و گفت: آقا، نخ من سوراخ ندارد!

چقدر خوب است مدرسه آغازگر این آموزش‌ها باشد و پنجشنبه‌ها فرصت مناسبی است.

– برنامه‌ی گره زدن: یک نخ کلفت نیم‌متری به هر کدام از بچه‌ها می‌دادم و چند نوع گره زدن (گره کور، گره پاپیونی، گره زنجیری و...) را آموزش می‌دادم. سپس بچه‌ها مشغول تمرین می‌شدند.

– فعالیت بعدی کار با ابزار بود؛ وسایل لازم از قبیل تخته، چوب، میخ، انواع پیچ، چکش، میخ‌کش، انبردست و اره را تهیه کرده بودم. بچه‌ها هم ملزم بودند ابزارهای مورد نیاز خود از جمله پیچ‌گوشتی دوسو، پیچ‌گوشتی چهارسو و یک آچار فرانسه‌ی کوچک را همراه بیاورند.

در این قسمت، بچه‌ها فعالیت‌هایی چون کوبیدن میخ به تخته، کشیدن آن با انبردست یا میخ‌کش، بستن پیچ جای سوراخ‌های پیچ و درست کردن چیزهایی از قبیل مال‌ه و اتوی چوبی را انجام می‌دادند. در ضمن این فعالیت‌ها، اصول ایمنی لازم به آن‌ها آموزش داده می‌شد.

زنگ بعدی زنگ دوخت‌دوز بود. در این زنگ بچه‌ها با ابزارهای ساده‌ی دوخت‌دوز دستی مثل سوزن، انواع نخ، انگشتانه، بشکاف، قیچی و پارچه آشنا می‌شدند. هم‌چنین چگونه به‌دست گرفتن پارچه و سوزن، روش دوخت، منطبق کردن لبه‌های پارچه به هم و دوردوزی آن‌ها و دوخت یک نوع دستکش پارچه‌ای را در این کلاس انجام می‌دادند.

فعالیت بعدی شست‌وشو بود. همه به حیاط مدرسه می‌رفتیم و در کنار شیر آب شستن لباس را به آن‌ها آموزش می‌دادم؛ اینکه چگونه لباس‌ها را خیس کنند، چقدر پودر بریزند، چگونه لباس را چنگ بزنند، کف‌گیری کنند، آب بکشند و در آخر روی طناب پهن کنند. در ضمن این کارها، مختصری احکام مربوط به پاک شدن اشیای نجس را هم به آن‌ها آموزش می‌دادم و به آن‌ها می‌گفتم

روز آخر مدرسه بود. به شکرانه‌ی باسواد شدن بچه‌ها جشن کوچکی داشتیم. بچه‌ها همراه پدر و مادرهایشان در نمازخانه جمع شده بودند. فضای شاد و خاطره‌انگیزی بود؛ گل، شیرینی، جایزه، مسابقه و دیدن تصاویری از لحظه‌هایی که در طول سال شکار کرده بودم و...

همان‌جا اعلام کردم: «بچه‌ها! دست از سرتان برنمی‌دارم. دوست دارم شما را هفته‌ای یک‌بار در مدرسه ببینم ولی نه با کیف و کتاب و دفتر بلکه با نخ و سوزن، آچار و پیچ‌گوشتی، تشت کوچک و پودر رخت‌شویی، قاشق و چنگال و... دوست دارم بعضی از مهارت‌های زندگی را یاد بگیرید تا مثلاً اگر پدر و مادر در خانه نبودند، بتوانید یک نیمرو یا املت ساده تهیه کنید و ظرف‌ها را بشویید یا وقتی لباس‌تان کثیف شد بتوانید آن را بشویید و تمیز کنید یا اگر در جایی دور از خانه لباس‌تان پاره شد، بتوانید موقتاً آن را تعمیر کنید.»

این حرف‌ها به مذاق تعدادی از دانش‌آموزان خوش آمد. ما هم اطلاعاتی لازم را مبنی بر علاقه‌ی دانش‌آموز، رضایت والدین، تهیه‌ی مواد لازم و آوردن و بردن بچه‌ها و ساعت ورود و خروج تهیه کردیم و با کارنامه‌هایشان تحویل اولیا دادیم. کلاس جدید ما تشکیل شد و پخت‌وپز، دوخت‌دوز، شست‌وشو، کار با ابزار و گره زدن، شدند برنامه‌ی درسی و ما این برنامه را دوشنبه‌های هر هفته اجرا می‌کردیم.

اول صبح وسایل لازم از قبیل نان، تخم‌مرغ، سبزی و... (بسته به نوع غذا) را فراهم می‌کردم سپس به کمک بچه‌ها مقدمات لازم برای آشنیزی را انجام می‌دادیم؛ مثل پوست‌کندن سیب‌زمینی و بادمجان و تمیز کردن سبزی و مرحله‌ی پختن را می‌گذاشتم برای زنگ آخر. بعد می‌رفتیم سراغ برنامه‌ی بعدی.

راهنمای والدین

(فارسی اول، دوم و سوم دبستان)

مؤلفان: فتح‌الله فروغی، اقدس سلطانی، فاطمه تاجیک، پریچهر یزدانی، مهدخت صفاری
 ناشر: شورا، مبتکران (تهران ۰۲۱-۶۱۰۹۴۱۰۸)
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
 قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



حال که در پایان سال تحصیلی هستیم، می‌توانیم برای سال آینده فکر و برنامه‌ریزی کنیم. همکاری اولیای دانش‌آموزان با مدرسه از دیرباز مورد توجه نظام‌های تعلیم و تربیت بوده است. به همین دلیل، نویسندگان و هم‌چنین ناشران با توجه به تغییراتی مانند تغییر برنامه‌های درسی برای کمک به آموزش بهتر و پیش‌دستی کردن بر کتاب‌های درسی با رویکردهایی نو به تهیه و تولید کتاب‌های مرتبط اقدام می‌کنند. در این مسیر اولیای دانش‌آموزان می‌دانند که معمولاً تنها منبع رسمی آموزش دانش‌آموزان کتاب درسی است و باید برای شناخت نیاز دانش‌آموزان و رفع آن با روش‌های تدریس و چگونگی برقراری ارتباط با دانش‌آموز آشنا شوند. مجموعه کتاب‌های همیار با معلم، همراه با خانواده با عنوان «راهنمای والدین» برای آموزش بهتر کتاب‌های درسی فارسی و علوم پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی به همت نشر «مبتکران» و «شورا» چاپ و منتشر شده‌اند و پدر و مادرها را در این زمینه یاری می‌رسانند.

دبیر این مجموعه کتاب در مورد ویژگی‌های آن می‌گوید:

«خود آموز بودن، مبتنی بر کتاب درسی بودن، سادگی و مبتنی بر اطلاعات پایه بودن از نکات مهم این کتاب‌هاست.»

فارسی اول در ۳ بخش با نگارها و سپس آموزش نشانه‌ها شروع شده است. فارسی دوم در ۷ فصل از نهادها آغاز و با بهداشت و اخلاق فردی و اجتماعی به طبیعت رسیده است. فارسی سوم نیز با هدف تقویت مهارت‌های خوانداری در ۷ فصل آموزگاران و خانواده‌ها را همیاری خواهد کرد.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ده شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۱۳۰۱۴۷۸

همراه



وزارت آموزش و پرورش
مادری پژوهش و توسعه علمی آموزش
بهره‌مندی‌ها و نوآوری‌ها

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاه دارید).

♦ نام مجلات درخواستی:

.....

.....

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

- ♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۹۵/۱۱
- ♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- ♦ اشتراک مجله: ۱۴-۳۹۷۱۳۳۰۷۷۷۳۳۰۱۱/۷۷۳۳۰۶۷۷۳۳۰۶۷۷۳۳۰۲۱-۲۱

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

در آخرین شماره‌ی مجله از سال تحصیلی ۹۴-۹۳ تعداد بسیاری از آثار کارشناسی‌شده‌ی مخاطبان معرفی می‌شوند. بدین ترتیب می‌توان گفت تملی آثار آارسالی دوستان همکار تاکنون بررسی و پاسخ داده شده است. اگر نظر، پیشنهاد یا انتقادی دارید و مانند گذشته راهگشای ماست، ارسال فرمایید تا آن‌ها در ارتقای کیفیت مجله استفاده کنیم. تا فرصتی دیگر و مهرماه ۹۴ همگی را به خدای مهربان می‌سپاریم.

ایلام

بهروز جمالوندی، ایلام. با «چگونه مدرسه را مکانی امن بسازیم».

تهران

سعیده اصلاحی، منطقه‌ی ۱۵، با «مکان اردو...»
ناهد محمدی آچاچلوبی، آموزگار دبستان طویی، منطقه‌ی پنج، با «یک تجربه»

طیبه وهابی، مربی بهداشت دبستان آیت‌الله خامنهای، منطقه‌ی ۱۵، با «توصیه‌های بهداشتی».
مهراز رفیعی، دبیر منطقه‌ی نه با «خانواده‌ی مطلوب از دید قرآن».
ماه‌رخ کامیابی املشی، با «بیماری سرخچه، مادر در دوران بارداری...» و «بیماری توکسو پلاسما»

محمدرضا نیکخواه، دبستان شهید مدرس، منطقه‌ی ۱۱، با «تشویق به موقع».

صغری میرافشاری، منطقه‌ی چهار، با «پیشنهادهایی برای اثربخشی در کلاس» و «تقویت نوشتن».
حمیده کشاورز محمدی، دبستان پاسداران آسمان، منطقه‌ی نه، با «پژوهش».

رقیه مکاری، آموزگار دبستان شهید باکری، اسلامشهر، با «درمان اختلال در خواندن».
محبوبه کاشی، آموزگار اسلامشهر. با «اهمیت جایگاه سؤال کردن».

آذربایجان غربی

خیراله میرزاپور، آموزگار دبستان امیرکبیر یولاکلدی، شوط. با «وايت برد».

اردبیل

هاتف حبیبزاده گرجانی، اردبیل، با «وآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت اسلامی».

اصفهان

پروین سپهری بروجنی، آموزگار، اصفهان. با «راه‌های نهادینه کردن ارزش‌های دینی...»

البرز

اعظم شادمان، دبستان شهید اصغر افضلی، ناحیه‌ی سه، با «خاطره‌ی روز معلم».
معصومه ارواحی، کرج، با «بررسی عوامل پرورش خلاقیت دانش‌آموزان...»
اکرم نیک‌پور، ناحیه‌ی دو، کرج. با «اختلالات یادگیری ریاضی...»



انسان

حسابی، تفرش. با «تادیر نشده اولی‌ها را دریابید».

اکرم فضایل، دبستان شهدای ۱۵ خرداد، خمین. با «تجربه‌ی دانش‌آموزان با نیاز ویژه...»

مژگان عابدینی، دبستان حاج عباس فنایی. با «مفهوم ضرب از طریق بازی».

منصوره مقیمی، آموزگار، زرنده. با «ارائه‌ی مدل ارزیابی فعالیت‌های خلاقیت‌محور».

بیزد

نجمه پارساییان، آموزگار دبستان علی فاضلی. با «تکالیف یادآوری».

آثار شما عزیزان نیز رسید:

سیدصمد الماسی حسینی، آموزگار. با «ارزش‌یابی کیفی-توصیفی».

فاطمه اسکوهی، سیدحمید موحد محمدی، با «آموزش حرفه‌ای کشاورزی پل ارتباطی...»

روح‌اله خانی، بزینه رود. با «رویکرد ساختارگرایی در تدریس علوم».

علیرضا عباسی، خلیل‌آباد. با «فیلم آموزشی».

عاطفه نعمتی، یاسر تیمورزاده، با «بررسی میزان تأثیر دوره‌ی کاردانی بر معلمان ابتدایی...».

ایرج عزیزی، با «آموزش خلاقیت در ابتدایی».

مریم غفارزاده، با «تحلیل کتاب علوم ششم با محوریت تفکر».

نعیمه طاهری مقدم، آموزگار. با «خلاقیت کلامی در کودکان».

رضا عقیلی، الهام فدایی. با «تأثیر شادی بر رفتار کودکان».

فاطمه فرمانی، با «املای بادکنکی».

دیواندره. با «ابطه‌ی رضایت شغلی با تعهد سازمانی...»

کرمانشاه

رحیم محمدمرادی، آموزگار دبستان نصر. سر پل ذهاب. با «نقش درس انشا...».

گلستان

فهیمة حسینی، کردکوی، با «جوزبازی».

گیلان

علی ناصری، آموزگار دبستان شهید منتظری (۱)، سیاهکل. با «طرح درس».

مازندران

شهبلا اسکندری، آموزگار دبستان شهید برات نمایان. ساری. با «توصیه‌هایی برای انشا».

محمد احمدی خورشیدی، آموزگار، با «پس تا کی مطالعه و...»
شهربانو قنبری، آموزگار دبستان بنت‌الهدی صدر، نکا. با «قلک اقتصاد».

رقیه عابدی، آمل. با «ارزیابی».
طاهره شیرخانی، آموزگار مرکز شهید عابدینی پور، بابلسر. با «ضرب‌های آب‌نباتی».

مرضیه مرادی ربنه، آموزگار دبستان حسین برزگر. «با خاطره» و «کاردستی».

مرکزی

زهرا امینی، معصومه بهادری، فاطمه کریمی، شهناز کمیجانی، اشرف احسانی، آموزشگاه زینبیه، کمیجان. با «یک حرف به اول کلمه اضافه کن و آموزش گیاهان».

معلم در برنامه‌ی درسی ملی».

علی بهرامی هیدجی، صغری مرسلی، ابهر. با «تدوین طرح درس روزانه».

سمنان

منصوره متولی، آموزگار دبستان زینب(س)، با «آموزش کسر» و «پژوهش و خلاقیت».

سیستان و بلوچستان

سارا رخشانی، آموزگار دبستان شهید نامجو. با «درس پژوهی».

زهرة عباسی‌زاده، چابهار، با «طرح سفیران طلایی کتاب» و «کشتی نجات».

منصوره سلجوقیان، با «استفاده از نی در آموزش».

فارس

هنگامه طهرانی مقدم، آموزگار ناحیه‌ی یک. شیراز، با «سلامت را خوردی».

محمدصادق حسینی، شیراز. با «شیوه‌ی آموزشی مفاهیم دینی».

قزوین

رویا محمدی، روستای داخرچین. با «نقش اصلی معلم در جریان تربیتی».

کردستان

حسین خلیلی بابا، آموزگار، اشنویه. با «بررسی رابطه‌ی تعالی معنوی و اضطراب...»

قاسم رضایی، حمید قیسوندی، کامیاران. با «خلاقیت، بستر تفکر و اگر».

جواد آقامحمدی، محمد ملایی،

فریبا قهرمانی، اسلامشهر، با «اضطراب ریاضی...»

چهارمحال و بختیاری

شهین کثیری، آموزگار، فرخ‌شهر. با «تجربه‌ی یک معلم».

خراسان رضوی

مهرداد خطیبی، آموزگار روستای بهدادن، خواف. با «نارسانوئسی».

محبوبه عرفانیان، آموزگار. مشهد. با «کار با داستان مقوایی»

گلشوم دهقان اسدی، دبستان شهید مرادی، ناحیه‌ی یک مشهد، با «وبلاگ‌نویسی گامی در نویسندگی».

فاطمه سالم، آموزگار دبستان فرهنگیان، چناران. چند نمونه از عکس‌های ارسالی شما به بخش آرشو مجله فرستاده شد.

ملیحه جلالی افشار، آموزگار دبستان وحدت، فریمان. با «خاطره‌ی پنجم».

غلامرضا تبریزی، مشهد. با «تفکر انتقادی».

خراسان جنوبی

حسن‌رضا ترابی، بیرجند. با «نوآوری در یادگیری» و «تأثیر بازی‌های رایانه‌ای».

خوزستان

شهین صادقی، آموزگار، آبادان. با «ناهار دوستی».

سیدعادل حسینی اصل، آموزگار دبستان شهید صمدی، با «نمایشگاه کار و فناوری».

فاطمه رضایی، آموزگار دبستان شهید علیزاده. ماهشهر. با «اکواریم سؤال».

زنجان

حافظ مرادی، خداپنده. با «جایگاه

هرچه می خواهد دل تنگت بگو

| برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی |

| دوره‌ی نوزدهم | مهر ۱۳۹۴ | شماره‌ی پی‌درپی ۱۵۰ | ۴۸ صفحه |

| ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی |

پی‌درپی یکصد و پنجاه ماه زندگی

۵. کدام یک از سرفصل‌های مجله را می‌پسندید؟ اگر مورد دیگری در نظر دارید که باید اضافه شود، شرح دهید.

۶. آیا پرونده‌ها و ویژه‌نامه‌های مجله مورد توجه شما قرار می‌گیرد؟ آیا پیشنهادهای دیگری در این زمینه دارید؟

۷. در صورتی که در مجله مطلبی از شما به چاپ رسیده است، عکس‌العمل همکاران، مسئولان آموزش و پرورش و نزدیکان شما نسبت به آن چگونه بوده است؟

۸. آیا از بدو انتشار مجله تا امروز، خاطره‌ای از برخورد مثبت یا منفی دست‌اندرکاران مجله دارید؟

۹. هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو...

امیدواریم انتشار شماره‌ی ۲۰۰ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی را با همراهی تمامی عزیزان همراه، جشن بگیریم.

شورای برنامه‌ریزی مجله نیز با آرزوی توفیق برای مخاطبان، چشم‌انتظار آثار جدید و هم‌چنین پاسخ‌های این فراخوان است. آن‌ها از خوانندگان گران‌قدر مجله درخواست می‌کنند تا دست‌کم پیش از مردادماه ۱۳۹۴ نوشته‌های خود در ارتباط با سؤال‌های مطرح شده را با درج مشخصات و نشانی کامل نویسنده، به نشانی الکترونیک یا پستی مجله بفرستند.

ebtedayi@roshdmag.ir

تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی

به ۱۰ پاسخ برگزیده لوح تقدیر اهدا خواهد شد و مطالب رسیده، در صورت تأیید به چاپ می‌رسد.

در عالم رسانه‌ها رسم بر این است که در شماره‌هایی خاص و یا سالگرد تأسیس و انتشار با مرور گذشته از تلاش دست‌اندرکاران تقدیر به عمل آورند.

در حقیقت، این مرور، ذکر خیر و سپاسگزاری مانند مشعلی است برای روشن ساختن آینده. همراهی شما مخاطبان گرامی در شماره‌های صد مجله (فروردین سال ۱۳۸۸) فراموش نکرده‌ایم. به همین مناسبت و یادآوری این نکته که شماره‌ی «یکصد و پنجاهم» مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در مهرماه ۱۳۹۴ به دستتان خواهد رسید و ما آن را به دلیل تقارن با آغاز سال تحصیلی به فال نیک می‌گیریم، بر آن شدیم تا از همه‌ی آموزگاران، کارشناسان آموزشی، دانشجویان، مخاطبان و همکاران مجله تشکر کنیم.

اما هدف دیگر ما از این موضوع، طرح «فراخوان» گونه‌ای است از مقالات، ایده‌ها و نوشته‌هایی که شما می‌توانید در هر موقعیت به ما برسانید. هم‌چون گذشته با حوصله‌ای که دارید، سؤالات زیر را مطالعه کرده و با پاسخ‌های تشریحی و مبسوط خود ما را در هر چه پربار ساختن مجله یاری فرمایید.

۱. آیا این مجله توانسته است به نیازهای مخاطبان پاسخ دهد؟ چگونه؟

۲. آیا در جمع همکاران و آموزگاران یا گروه‌های آموزشی مطلب یا مطالبی را به بحث و گفت‌وگو گذاشته‌اید؟

۳. آیا چاپ مطالب خاصی در مجله، باعث بروز رویدادی ویژه در منطقه یا محل کار شما شده است؟

۴. آیا مطالعه‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی برای رسیدن به اهداف شغلی و یا خانوادگی و... مؤثر بوده است؟